

## فصل چهارم: دستاوردشناسی انقلاب اسلامی ایران

گفتار اول: بررسی تغییرات در ساختار حکومتی ایران

گفتار دوم: بررسی تغییرات در ساختار اقتصادی ایران

گفتار سوم: بررسی تحولات در ساختار نظامی - امنیتی ایران

گفتار چهارم: بررسی تغییرات در ساختار فرهنگی ایران

گفتار پنجم: بررسی تغییرات در ساختار منطقه و جهان

برای آشنایی بیشتر با انقلاب اسلامی و دستاوردها و تغییراتی که این پدیده اجتماعی ایجاد کرده، مباحثی را پی خواهیم گرفت، اما نخست باید به دو نکته مقدماتی و مبنایی بپردازیم.

نکته اول: کارآمدی

مقوله «دستاوردشناسی» با مسئله «کارآمدی» در پیوند است؛ بدین گونه که با کارآمد بودن یک نظام سیاسی است که می توان از دستاورد و موفقیت سخن گفت. بنابراین برای روی کردن به دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران باید به تعریف «کارآمدی» پرداخت.

از مجموع تعاریف متعدد برای «کارآمدی»، می توان بدین تعریف رسید: «موفقیت در تحقق اهداف با توجه به امکانات و موانع».<sup>1</sup> بنابراین هر پدیده - اعم از فرد، ساختار سیاسی و یا انقلاب - براساس سه شاخصه اهداف، امکانات و موانع، میزان کارآمدی اش مشخص می شود.

بر همین بنیاد، برای بررسی کارآمدی و یا دستاوردشناسی انقلاب اسلامی نیز می باید این سه را توأم با هم مطمئن نظر قرار داد و به صورت نسبی با توجه به ارزش هر یک از ابعاد اهداف اصلی و فرعی و امکانات موجود و انواع موانع داخلی و خارجی و تهدیدات و دشمنی ها علیه انقلاب اسلامی ایران به دستاوردها و کارآمدی انقلاب ایران پرداخت.

نکته دوم: تغییر اجتماعی

چنان که در بخش دوم در بررسی مفهوم «انقلاب» بیان کردیم، انقلاب نوعی تغییر بنیادین اجتماعی است. حال برای بررسی دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران باید این «تغییر اجتماعی»

---

<sup>1</sup> (1). محمود فتحعلی، مباحثی در باب کارآمدی، ص 7.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 78

را بررسی نمود. برای این منظور می‌باید «ایران دیروز» در دوران پهلوی با «ایران امروز» در جمهوری اسلامی به دقت مقایسه و سنجیده شود.

از آنجا که پدیده «انقلاب» در عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف جامعه تغییراتی بنیادین پدید می‌آورد، این مقایسه و بررسی نسبی را در دو بعد داخلی و خارجی پی‌می‌گیریم.

نمایش تصویر

انقلاب اسلامی در ساختار جامعه ایران در عرصه‌های گوناگون، تحول و تغییری اساسی پدید آورد که به اختصار آن را در چهار ساختار مهم بررسی خواهیم کرد.

### گفتار اول: بررسی تغییرات در ساختار حکومتی ایران

یکی از انواع تغییرات اجتماعی، تحول در «ساختار حکومتی» جامعه است. از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران، ایجاد تغییر بنیادین در ساختار حکومتی ایران بود که در قالب شش شاخصه بدان می‌پردازیم.

نمایش تصویر

جدول 1: بررسی تغییرات در ساختار حکومتی ایران

(الف) شاخصه مشارکت مردم در حکومت

نظام شاهنشاهی پهلوی، حکومتی کودتایی بود که تأسیس، انتقال قدرت و تثبیت آن با سه کودتا توسط بیگانگان (انگلیس و آمریکا) صورت پذیرفت.

در سوم اسفند 1299 نیروهای نظامی انگلیس با کودتایی قاجاریه را سرنگون ساختند و رضاخان را بر مسند قدرت نشاندند. در 25 شهریور 1320 با به پایان رسیدن تاریخ مصرف رضاخان، دیگر بار متفقین ایران را تصرف کردند و انگلیس با حذف رضاشاه پسرش محمدرضا را حاکم ساخت و بدین سان در دوران حکومت پهلوی انتقال قدرت نیز با نوعی کودتای نظامی - آن هم توسط بیگانگان - صورت پذیرفت. سپس در 28 مرداد 1332 انگلیس با همکاری آمریکا که تازه وارد مسائل ایران شده بود، با کودتایی نظامی، رژیم پهلوی را تثبیت کرد. محمدرضاشاه پس از کودتای 28 مرداد خطاب به کیم روزولت، مأمور سازمان سیا می‌گوید: «تاج و تخت را مدیون شما هستم».<sup>2</sup>

بنابراین ملت ایران هیچ نقشی در نظام سیاسی و حکومتی خود نداشت و این بیگانگان بودند که با اشغال کشور و کودتای نظامی تأسیس، انتقال قدرت و تثبیت رژیم پهلوی را رقم زدند. اما «جمهوری اسلامی» با حضور و نقش آفرینی مردم پدید آمد. امام خمینی (قدس سره) در 12 بهمن 1357 با استقبال میلیونی مردم وارد ایران شد و با همه‌پرسی دهم و یازدهم فروردین 1358، 98/2 درصد از واجدان شرایط به «جمهوری اسلامی» رأی دادند و تا به امروز نیز این حضور تداوم و تعالی یافته است.

برگزاری 28 انتخاب سراسری در طول 29 سال گذشته، استقبال میلیونی مردم از سفرهای استانی مقام‌معم‌رهبری و ریاست محترم جمهوری، همچنین حضور میلیونی مردم در راهپیمایی هر ساله 22 بهمن و روز جهانی قدس و دیگر حضورهای میلیونی، همراه با نقش آفرینی مردم، گروه‌ها، احزاب و ... در عرصه‌های گوناگون جملگی حاکی از مردمی بودن جمهوری اسلامی است.

(ب) شاخصه نوع حکومت

حکومت پهلوی - که نوعی ناسیونالیسم افراطی و غرب‌گرا بود - با ساختاری سلطنتی و

---

<sup>2</sup> (1). کرمیت روزولت، کودتا در کودتا، ص 213.

شاهنشاهی، حق مشارکت سیاسی و نقش‌آفرینی را از مردم ایران سلب کرده و به‌گونه‌ای موروثی از پدری بی‌سواد و زورگو به پسری عیاش و فاسد انتقال یافته بود.

اما با انقلاب اسلامی، حکومت سلطنتی و پادشاهی به «جمهوری اسلامی» تبدیل شد. امام خمینی (قدس سره) در تعریف جمهوری اسلامی فرمود:

حکومت اسلامی، حکومتی است بر پایه قوانین اسلامی ... ما خواستار جمهوری اسلامی می‌باشیم. جمهوری فرم و شکل حکومت را تشکیل می‌دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم که قوانین الهی است.<sup>3</sup>

انقلاب اسلامی با این تغییر بنیادین در ساختار حکومتی و تحقق «ولایت فقیه» یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی را برای ملت مسلمان ایران در عصر غیبت به ارمغان آورد و الگوی نوینی از «مردم‌سالاری دینی» را به جهانیان عرضه داشت. از سویی نقش‌آفرینی و مشارکت آحاد مردم و شکل‌دهی «مجلس خبرگان رهبری» برای شناسایی و معرفی فقیه واجد شرایط رهبری - با سه ویژگی مهم «علم و فقاہت»، «عدالت و تقوا» و «مدیریت و سیاست» - بیانگر نقش اسلام در حکومت ولایی است. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (به‌عنوان میثاق ملت) ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه جامع‌الشرایط است.<sup>4</sup>

بی‌گمان این تحول در ساختار حکومت و تبدیل نظام پادشاهی به نظام «جمهوری اسلامی» و مشارکت مردمی، از مهم‌ترین دستاوردها و تغییرات انقلاب به‌شمار می‌رود.

ج) شاحصه وابستگی و استقلال

یکی دیگر از شاخصه‌های رژیم پهلوی، «وابستگی به بیگانگان» بود. این رژیم به دلیل برخوردار نبودن از «پایگاه مردمی» و «مشروعیت»، به عنصری وابسته و دست‌نشانده تبدیل شده بود. برخی از اظهارات غربیان در این خصوص گواه این ادعاست. جیمی کارتر،

<sup>3</sup> (1). روح‌الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه نور، ج 4، ص 157.

<sup>4</sup> (2). بنگرید به: محسن نصری، ولایت و خبرگان ملت.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 81

رئیس جمهور پیشین آمریکا می گوید:

شاه تسلیم پیشنهادهایی بود که از سفارت ما انشاء می شد.<sup>5</sup>

جرالد فورد، رئیس جمهور پیشین آمریکا طی مصاحبه‌ای در دی ماه 1357 می گوید:

مصلحت دنیای غرب در این است که شاه در رأس حکومت ایران باقی بماند تا ثبات سیاسی این کشور را که برای غرب دارای اهمیت حیاتی است، حفظ کند.<sup>6</sup>

ریگان، از رؤسای جمهور آمریکا نیز می گوید:

شاه یک متحد پابرجا بود. شاه طبق دستور ما عمل می کرد و سال ها حامل بار ما در خاورمیانه بود و فکر می کنم سقوط وی نقطه تاریکی در پرونده ما باشد.<sup>7</sup>

سولیوان و پارسونز، سفرای آمریکا و انگلیس در حکومت پهلوی در خاطراتشان آورده اند که تقریباً هر 10 تا 15 روز یکبار به دیدار شاه در کاخ او می رفتند و دستورهای لازم را به او می دادند و شاه نیز آنها را دریافت می کرده است.<sup>8</sup>

ارتشبد حسین فردوست، از نزدیک ترین یاران و رفقای دوران تحصیل شاه در سوئیس، در خاطرات خود درباره وابستگی محمدرضا به آمریکا و انگلیس می نویسد:

محمدرضا در تمام طول سلطنتش با مقامات اطلاعاتی انگلیس و آمریکا تماس و بهتر است بگویم ملاقات منظم داشت. این ملاقات ها در سطوح مختلف بود. حدوداً هر 15 روز یکبار سفرای آمریکا و انگلیس را جداگانه ملاقات و هر 15 روز یکبار نیز کارمند ارشد اطلاعاتی سفارت انگلیس را به تنهایی می دید. با کارمند ارشد سیا در ایران نیز به همین نحو ملاقات داشت ... محمدرضا هر سال موقع بازی های زمستانی به سوئیس می رفت و در آنجا با رئیس کل MI6

جلسات منظم داشت. در این جلسات تنها فرد ایرانی که شرکت می کرد، شاپورچی بود.<sup>9</sup>

<sup>5</sup> (1). جیمی کارتر، 444 روز، ص 15.

<sup>6</sup> (2). مسعود رضوی، هاشمی و انقلاب، ص 45.

<sup>7</sup> (3). روزنامه اطلاعات، 1/ 8/ 1363.

<sup>8</sup> (4). ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 71 و 285.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 82

شاپور جی (شاپور ریپورتر) همان نقشی را برای محمدرضا ایفا می‌کرد که پدرش اردشیر جی برای رضاشاه. این نقش، حمایت از محمدرضا شاه و کمک به او برای خدمت بیشتر به انگلستان بود. بدین جهت، شاپور جی در سال 1969 (1347 ش) توسط ملکه انگلیس به دریافت «نشان امپراتوری بریتانیا» (O. B. E)

نایل گشت و در سال 1973 (1351 ش) طی مراسم باشکوهی در کاخ بوکینگهام «شوالیه» شد.<sup>10</sup>

وابستگی ذلت‌آور رژیم پهلوی و دخالت‌های آمریکا و انگلیس در ایران بس آشکار است. برای نمونه، قسمت‌هایی از سند بسیار محرمانه‌ای را که ریچارد هلمز (سفیر سابق آمریکا در ایران) به تاریخ دهم ژوئیه 1974 (1353 / 4 / 19) به واشنگتن ارسال داشته، نقل می‌کنیم:

روابط ایران و آمریکا عالی است. ما در ایران از موقعیت ممتازی برخورداریم و نقش برجسته‌ای در مناسبات سیاست خارجی ایفا می‌کنیم ....<sup>11</sup>

گفتنی است ریچارد هلمز رئیس سازمان سیا بود و بعدها به‌عنوان سفیر آمریکا در ایران معرفی شد که این خود سلطه و جایگاه آمریکا در ایران را به‌خوبی می‌نمایاند.

ویلیام سولیوان که آخرین سفیر آمریکا در ایران بود، در خاطراتش می‌نویسد:

تعداد کارمندان آمریکایی سفارت آمریکا در تهران 2 هزار نفر و کارمندان ایرانی سفارت هم 2 هزار نفر بودند.<sup>12</sup>

درحالی‌که امروز تعداد کل کارمندان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران حدود 3500 نفر است. این وابستگی ذلت‌آور در دوران پهلوی تا بدان پایه بود که با پیروزی انقلاب اسلامی، زیگنیو برژینسکی (مشاور امنیت ملی دولت کارتر) در کتابش می‌نویسد:

سرنگونی شاه از دیدگاه راهبردی برای ایالات متحده و از نظر سیاسی برای شخص کارتر فاجعه‌آمیز تلقی می‌شود.<sup>13</sup>

<sup>9</sup> (5). حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 332.

<sup>10</sup> (1). همان، ج 2، ص 188 و 194.

<sup>11</sup> (2). دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج 8، ص 94.

<sup>12</sup> (3). ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 44.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 83

همچنین رژیم پهلوی با به رسمیت شناختن رژیم جعلی صهیونیستی و حمایت از جنایات آن، 75 درصد نفت مورد نیاز آن رژیم را تأمین می‌کرد؛ چنان‌که اسحاق رابین (نخست وزیر پیشین رژیم صهیونیستی) پس از پیروزی انقلاب اسلامی چنین گفت:

از دست دادن ایران برای غرب بزرگ‌ترین ضربه پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رود ... سقوط ایران به این معناست که مقدار زیادی از انبار نفت غرب از دست رفته ....<sup>14</sup>

چکیده سخن اینکه، رژیم پهلوی با وابستگی شدید به غرب حافظ منافع آنان بود؛ چنان‌که ریچارد نیکسون در کتابش می‌نویسد:

تا سقوط شاه در سال 1979 میلادی ایالات متحده می‌توانست منافع خود را از طریق ایران و عربستان سعودی حفظ کند.<sup>15</sup>

بنابراین با پیروزی انقلاب اسلامی، ملت ما دارای حکومتی مستقل شد و دیگر اجازه نداد بیگانگان در امور داخلی ایران دخالت کنند. نوام چامسکی، صاحب‌نظر سیاسی آمریکا در این باره می‌گوید:

ایران تا زمانی از نگاه آمریکا کشوری خوب به‌شمار می‌رفت که هرآنچه آمریکا می‌خواست، انجام می‌داد. اما در سال 1979 میلادی این قاعده از سوی ایران زیر پا گذاشته شد؛ اقدامی که از دید آمریکا باید مجازات می‌شد.<sup>16</sup>

انقلاب اسلامی موجب شد در ساختار حکومتی ایران تحولی عمیق پدید آورد و وابستگی ذلت‌آور به استقلال عزت‌بخش بدل گردد و خواسته ملت بزرگ ایران در «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» تحقق یابد. امروز با استقلال می‌توانیم منافع ملی ایران را حفظ کنیم. یکی از نمونه‌های این استقلال بی‌شک «فناوری هسته‌ای» کشورمان است.

در عظمت «استقلال» همین بس که بدانیم بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در جمع

<sup>13</sup> (4). زیبگنیو برژینسکی، قدرت و اصول، ص 469.

<sup>14</sup> (1). هادی نخعی و حسین یکتا، روزشمار جنگ ایران و عراق، ج 1، ص 115.

<sup>15</sup> (2). ریچارد نیکسون، فرصت را دریابیم، ص 265.

<sup>16</sup> (3). روزنامه کیهان، 1381/4/4، ص 14.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 84

صهیونیست‌های آمریکا می‌گویند:

یعنی می‌شود روزی بیاید که دوستداران ما مثل سابق [دوره پهلوی] در ایران بر سرکار بیایند و از ما اطاعت کنند؟<sup>17</sup>

(د) شاخصه آزادی‌های اجتماعی

رژیم پهلوی نه تنها وابسته بود، بلکه خصلت «استبدادی» نیز داشت؛ تاجایی که حتی سولیوان (سفیر آمریکا) از رژیم پهلوی با واژه «استبداد» یاد می‌کند و پارسونز (سفیر انگلیس) از این رژیم با عبارت «حکومت ترور و وحشت»<sup>18</sup>.

اختناق و استبداد در دوران پهلوی فضای بسیار بسته‌ای پدید آورده بود؛ چنان‌که یکی از مهم‌ترین شعارهای ملت ایران در دوران مبارزه و انقلاب، شعار «آزادی» بود و با استقرار جمهوری اسلامی، ملت مسلمان ایران بدین مهم دست یافت. ساختار استبدادی رژیم پهلوی و نعمت بزرگ آزادی در جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در قالب چهار شاخصه «احزاب سیاسی»، «انتخابات»، «مطبوعات» و «فضای عمومی جامعه» بررسی کرد.

## 1. احزاب سیاسی

احزاب و تشکلهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، نمادی از مردم‌سالاری و نقش‌آفرینی مردم و نخبگان در هر جامعه‌ای است. آغاز پیدایش حزب و تشکلهای سیاسی به صورت جدید آن در ایران، به دوره نهضت مشروطیت بازمی‌گردد و تا پایان رژیم پهلوی در بهمن 1357 نیز فراز و فرودهایی بسیار می‌یابد.

در دوره پهلوی از فعالیت آزاد و مردمی احزاب ممانعت می‌شد و چند حزب معروف این دوره نیز از دو ویژگی دولت‌ساخته و شخصیت‌سالاری به جای مردم‌سالاری برخوردار بودند. محمدرضا شاه از کودتای 28 مرداد 1332 تا بهمن 1357 هر روز بیش از پیش مانع تأسیس و فعالیت احزاب سیاسی می‌شد.

دو حزب دولتی مطرح در دوره پهلوی دوم، «حزب مردم» به رهبری اسدالله علم، نخست

<sup>17</sup> (1). همان، 21/ 3/ 1379، ص 14.

<sup>18</sup> (2). ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 24 و 96.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 85

وزیر وقت در سال 1336 ش و «حزب ایران نوین» به دبیرکلی حسنعلی منصور، نخست‌وزیر وقت و سپس هویدا در سال 1342 تأسیس گردید. در سال 1353 دو حزب دولتی «ایران نوین» و «مردم» توسط شاه منحل و حزب شاه‌ساخته «رستاخیز» تأسیس و هویدا نخست‌وزیر بهایی ایران به دبیرکلی آن منصوب گردید.

برای آشنا شدن با فضای استبدادی دوران پهلوی کافی است به سخنان شاه در 11/12/1353 هنگام اعلام تأسیس حزب رستاخیز نظری بیفکنیم:

کسی که وارد این حزب سیاسی جدید نشود، یا فردی است که به یک سازمان غیرقانونی تعلق دارد، یا به حزب غیرقانونی توده وابسته است و یا به عبارت دیگر یک خائن است. چنین فردی جایش در زندان‌های ایران است و یا اگر مایل باشد، می‌تواند همین فردا کشور را ترک کند؛ زیرا او ایرانی نیست؛ وطن ندارد و فعالیت‌هایش غیرقانونی است و براساس قانون می‌توان او را مجازات کرد!<sup>19</sup>

شگفت اینکه شاه پیش‌تر در کتاب مأموریت برای وطنم نوشته بود:

اگر من یک دیکتاتور بودم، رهبریک حزب واحد را به‌دست می‌گرفتم.

این عبارت معروف شاه را روزنامه کیهان اینترنت‌نشال، در همان ایام این‌گونه درج کرد:

این خائنان یا باید به زندان بروند و یا همین فردا از کشور خارج شوند.<sup>20</sup>

گفتنی است پس از چندی مجلس دوره بیست و چهارم، «مجلس رستاخیزی» نام گرفت؛ زیرا همه نمایندگان از حزب شاه‌ساخته رستاخیز بودند. اینان در شهریور 1354 در اولین گام‌های خود به مبارزه علنی با اسلام پرداختند و تاریخ هجری را به تاریخ شاهنشاهی تغییردادند.<sup>21</sup>

اما اینک طبق اصل 26 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی احزاب، انجمن‌ها و جمعیت‌های سیاسی، صنفی و مذهبی پدید آمده است و بنا به گفته معاون سیاسی وزارت

<sup>19</sup> (1). ماروین زونیس، شکست شاهانه، ص 138.

<sup>20</sup> (2). روزنامه کیهان، 13/12/1380، ص 8، به نقل از: روزنامه کیهان اینترنت‌نشال، 8 مارس 1975.

<sup>21</sup> (3). عزت‌الله نودری، تاریخ احزاب سیاسی در ایران، ص 212 و 213.

کشور و رئیس کمیسیون ماده 10 احزاب، تاکنون 215 حزب و گروه سیاسی، 425 تشکل صنفی و 73 انجمن و تشکل اقلیت‌های دینی با سلیقه‌های گوناگون مشغول به فعالیت‌اند.<sup>22</sup>

## 2. انتخابات

یکی دیگر از شاخصه‌های مهم بررسی ساختار استبدادی و یا آزادگی یک نظام حکومتی، مقوله «انتخابات» مردمی، آزاد و قانونمند است. کارنامه رژیم پهلوی در این باره سیاه است.<sup>23</sup> انقلاب اسلامی ایران با تغییر در ساختار حکومتی و تحقق «جمهوری اسلامی»، مشارکت سیاسی مردم در عرصه‌های گوناگون به‌خصوص «انتخابات» را - به‌عنوان نماد مهم مردم‌سالاری دینی - تعمیق و تعالی بخشید.

نمایش تصویر

## جدول (2): بررسی تغییرات در نظام انتخاباتی ایران

یک. از لحاظ تنوع انتخابات در رژیم پهلوی، تنها یک مورد انتخابات وجود داشت و آن «مجلس شورای ملی» بود. اما در نظام جمهوری اسلامی، هشت نوع مشارکت سیاسی درخصوص «انتخابات» وجود دارد که در دنیا بی‌نظیر است. همه‌پرسی تأسیس «نظام جمهوری اسلامی»، مجلس خبرگان قانون اساسی، همه‌پرسی قانون اساسی، همه‌پرسی تقنینی «اصل 59 قانون اساسی»، مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا بیانگر تنوع انتخابات و مشارکت مردمی در نظام مردم‌سالار جمهوری اسلامی است.

دو. از نظر شدت مشارکت مردم در انتخابات، آمار نشان می‌دهد در آخرین انتخابات آن رژیم که انتخابات مجلس شورای ملی در سال 1354 بود، 2/8 میلیون نفر شرکت کردند؛

<sup>22</sup> (1). روزنامه همشهری، 1386/7/2، ص 2.

<sup>23</sup> (2). بنگرید به: ایرج همتی، رأی، رأی پهلوی است: نگاهی به ماهیت انتخابات در دوره پهلوی.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 87

درحالی که پس از آن در همه پرسی نظام جمهوری اسلامی ایران در 10 و 11 فروردین 1358 بیش از بیست میلیون نفر از مردم ایران مشارکت داشتند. در طول 28 سال که از عمر نظام جمهوری اسلامی می گذرد، متوسط حضور مردم در انتخابات گوناگون در شرایط متفاوت حدود 63 درصد است؛ حال آنکه در کشورهای مدعی دموکراسی و آزادی حداکثر مشارکت مردم زیر 50 درصد و حتی در حد 35 درصد است. در تیرماه 1384 جف هون، رئیس مجلس عوام انگلیس پیشنهاد داد مشارکت مردم در انتخابات انگلیس اجباری شود؛ زیرا دیگر مردم انگلیس رغبتی برای مشارکت در انتخابات ندارند.

سه. از لحاظ کمیت انتخابات برگزار شده از سال 1337 تا 1357 تنها چهار انتخابات برگزار شد، اما در طول 29 سال نظام جمهوری اسلامی، برگزاری 28 انتخابات حتی در سطح جهان بی سابقه است.

چهار. از لحاظ کیفیت برگزاری انتخابات در رژیم پهلوی، انتخابات بسته و فرمایشی منجر به ورود سرسپردگان آمریکا و انگلیس به مجلس شورای ملی و خیانت به ملت شد. برای نمونه، رضاخان در سال 1302 در مقام فرمانده کل قشون طی تلگرافی به والی ایالت فارس دستور می دهد:

ایالت جمیله فارس در تعقیب تلگراف سابق، مقتضی است قدغن فرمایید که در انتخاب نوبخت از بوشهر مساعدت نشود. حکمت هم که جزء کاندید شهر شیراز است، از جهرم بفرمایید بشود. راجع به ضیاءالواعظین بایستی هر طور است اقدامی بفرمایید که از انتخاب مشارائیه جلوگیری به عمل بیاید.<sup>24</sup>

رضاشاه در مقام پادشاهی مستبد، «مجالس فرمایشی» و «بله قربان گو» ترتیب داد. برای مثال، تیمور تاش وزیر دربار طی نامه ای به حکام ایالات در 1309 / 3 / 23 چنین می نویسد:

در تعقیب دستور صادره از مقام ریاست وزرا و وزارت جلیله داخله، طبق اوامر ملوکانه در قسمت انتخابات دوره هشتم، [یعنی] انتخاب نماینده مجلس شورای ملی، لزوماً اعلام می دارد طبق صورتی که ارسال گردیده است، باید جدیت لازمه به عمل آید که این اشخاص جهت مجلس انتخاب شوند. اعلی حضرت اقدس شهریارى علاقه مند

---

<sup>24</sup> (1). علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، ص 28.

هستند که باید اشخاص منعضله المندرجه در صورت الف، باید به هر قیمتی باشد، انتخاب شوند. در صورتی که اندک تعللی در اجرای اوامر صادره بشود، مقصّر بدیهی است مورد بی میلی اعلی حضرت واقع خواهد شد. با رعایت مواد مشروحه ذیل، راپرت جلسات خودتان را به وزارت دربار ارسال دارید:

1. ....

12. نمایندگان شما طبق صورت ارسالی باید انتخاب شوند.

13. بدیهی است در صورتی که کاملاً معلوم شد موفقیت کامل حاصل نکرده‌اید، البته اقدام دیگری در صندوق آرا خواهد شد، ولی این موضوع بعداً در صورت عدم موفقیت انجام خواهد شد.<sup>25</sup>

رضاخان برای جلوگیری از ورود شهید آیت الله مدرس به مجلس هفتم، در سال 1307 دستور داد آرای او در شهر تهران را نخوانند و اعلام کردند مدرس هیچ رأیی نداشته است. شهید مدرس در پاسخ به این اقدام گفت:

اگر بیست هزار نفر از مردمی که در دوره قبل رأی خود را به نام من در صندوق انداختند، همگی مرده باشند یا رأی نداده باشند، پس آن یک رأی من که خودم به خودم دادم، چه شده است؟!<sup>26</sup>

در دوره پهلوی دوم نیز برگزاری انتخابات بسته تر و فرمایشی تر از پیش تداوم یافت. محمدرضا شاه در کتاب پاسخ به تاریخ که پیش از فرار از ایران نوشته است، اقرار می کند:

انگلیسی ها این امر را کاملاً عادی و طبیعی می دانستند که انتخابات در ایران مطابق نظر و خواسته های خودشان صورت بگیرد. در زمان جنگ (جهانی دوم) انتخابات ایران به این صورت انجام می گرفت که مثلاً صبح مستشار سفارت انگلیس با لیستی حاوی هشتاد نامزد نمایندگی مجلس به دیدار نخست وزیر می رفت و بعد از ظهر همان روز کاردار سفارت شوروی نام دوازده نفر از نمایندگان مورد نظر خود را به نخست وزیر می داد.<sup>27</sup>

شاه همچنین اعتراف می دارد که انتخابات در رژیم پهلوی آزاد نبوده، از این رو در ماه های

<sup>25</sup> (1). یعقوب آژند و دیگران، اسنادی از انتخابات مجلس شورای ملی در دوره پهلوی اول، ص 65-67.

<sup>26</sup> (2). غلامرضا گلی زواره، داستان های مدرس، ص 294.

<sup>27</sup> (3). محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ص 116-118.

منتهی به پیروزی انقلاب وعده می‌دهد انتخابات آزاد صورت گیرد:

در 5 اوت 1978 (14 مرداد 1357 ش) در نطقی رادیو و تلویزیونی اعلام داشتیم که در پایان دوره پارلمانی، یعنی در آغاز سال 1979 انتخابات آزاد به عمل خواهد آمد.<sup>28</sup>

دکتر حسین خطیبی، نایب رئیس چهار دوره مجلس شورای ملی درخصوص وضعیت انتخابات در دوره پهلوی می‌گوید:

انتخابات به هیچ وجه آزاد نبود و کاملاً تحت نظر شاه بود. صلاحیت همه نمایندگان و نامزدها باید قبلاً به تأیید شاه می‌رسید.<sup>29</sup>

اسدالله علم، از بانفوذترین افراد در دربار پهلوی در خاطراتش می‌نویسد:

دولت ما از انتخابات مجلس گرفته تا انتخابات محلی و انجمن شهر، آزادی را از مردم سلب کرده و اراده خود را تحمیل و نامزدهای خود را از صندوق بیرون می‌آورد.<sup>30</sup>

ارتشبد حسین فردوست، از نزدیک‌ترین یاران شاه در خاطراتش چنین می‌نویسد:

در دوران قدرت اسدالله علم (نخست‌وزیر شاه) که در واقع مهم‌ترین سال‌های سلطنت محمدرضاست، نمایندگان مجلس با نظر او تعیین می‌شدند. در زمان نخست‌وزیری اسدالله علم، محمدرضا دستور داد که با «علم» و «منصور» یک کمیسیون سه نفره برای انتخابات نمایندگان مجلس تشکیل دهم. کمیسیون در منزل «علم» تشکیل می‌شد. هر روز «منصور» با یک کیف پر از اسامی به آنجا می‌آمد. «علم» در رأس میز می‌نشست؛ من در سمت راست و «منصور» در سمت چپ او. «منصور» اسامی افراد مورد نظر را می‌خواند و «علم» هر که را می‌خواست، تأیید می‌کرد و هر که را نمی‌خواست، دستور حذف می‌داد. پس از پایان کار و تصویب «علم»، ترتیب انتخاب این افراد داده می‌شد. فقط افرادی که در این کمیسیون تصویب شده بودند، سر از صندوق آرا درمی‌آوردند و لا غیر. در زمان هویدا نیز حرف آخر را همیشه «علم» می‌زد.<sup>31</sup>

<sup>28</sup> (1). همان، ص 309.

<sup>29</sup> (2). فصلنامه تاریخ معاصر ایران، پاییز 1377، ش 7، ص 236.

<sup>30</sup> (3). اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، ج 2، ص 497.

<sup>31</sup> (4). حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 257.

این در حالی است که حتی به قول ارتشبد فردوست، زنانی همانند مهین صنیع<sup>32</sup> و یا پری اباضلی - مبتکر برگزاری «کلیدپارتی» که از مبتذلترین برنامه‌های دربار پهلوی بود - با خودفروشی وارد مجلس شدند<sup>33</sup> و به عضویت هیئت رئیسه دوره بیست و چهارم مجلس درآمدند. این هرزگی تا بدان پایه است که حتی غلامرضا کیانپور با وجود نمایندگی مجلس، با پوشیدن لباس زنانه در مجالس دربار به رقاصی می‌پرداخت.

از سوی دیگر، در دوره نمایندگی نیز این افراد سرسپرده و وابسته با تصویب اوامر شاهانه و دستورهای آمریکا و انگلیس به آنان خدمت می‌کردند؛ تا بدانجا که حتی طبق گزارش‌های ساواک نمایندگان اعتراف می‌کردند که باید گوش و چشم‌بسته قوانین را تصویب کنند و حق تعیین رئیس و هیئت رئیسه مجلس را ندارند و دولت باید آنها را معین کند.<sup>34</sup>

انقلاب اسلامی این ساختار فاسد و مستبد را به آزادی حقیقی برای مشارکت مردم در انتخابات بدل کرد. کافی است به ترکیب 8 دوره مجلس شورای اسلامی، 9 دوره انتخاب رئیس‌جمهور، 3 دوره انتخابات شوراها، 4 دوره انتخابات مجلس خبرگان و جزاینها نگاهی بیفکنیم تا شاهد سلیقه‌ها، تفکرات، احزاب و برنامه‌های مختلف منتخبان مردم باشیم. البته باید مراقب بود عده‌ای آزادی را به هرج و مرج تعبیر نکنند و در پی آن افراد وابسته، فاسد و نفوذی تحت عنوان آزادی، به قوای مقننه و مجریه وارد نشوند.

همچنین طبق اصل 64 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقلیت‌های دینی در مجلس شورای اسلامی نماینده دارند و این در حالی است که جمعیت برخی از این اقلیت‌ها از میان جمعیت 70 میلیونی ایران، تنها حدود 20 هزار نفر است.

یوناتن بت‌کلیا، نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها در مجلس شورای اسلامی می‌گوید:

اگر نسبت جمعیت یک دین را به نماینده‌هایش در نظر بگیریم، باید بگوییم ما چند برابر مسلمانان در مجلس نماینده داریم و داشتن این حق برای ما باارزش است و دیدگاه نظام جمهوری اسلامی همواره در قبال اقلیت‌های دینی و مذهبی بسیار مثبت

<sup>32</sup> (1). همان، ص 238.

<sup>33</sup> (2). فریده دیبا، دخترم فرح، ص-.

<sup>34</sup> (3). محمدرحیم عیوضی، طبقات اجتماعی و رژیم شاه، ص 87.

و احترام‌آمیز بوده و حق مشارکت ما در برنامه‌های فرهنگی - اجتماعی همواره فراهم شده است؛ چنان‌که حتی در قانون برنامه چهارم پنج‌ساله، ماده 120 این قانون اعلام می‌کند برای مشارکت اقلیت‌ها در سیاست‌گذاری کشور شورایی تشکیل خواهد شد که در حال شکل‌گیری است.<sup>35</sup>

هارون یشایایی، رئیس انجمن کلیمیان تهران اعلام نمود:

اجتماع حدوداً 20 هزار نفری یهودیان ایران که بزرگ‌ترین در قلمرو کشورهای اسلامی و آسیایی می‌باشد، دارای یکی از اصولی‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین تشکلهای از جهات دینی - فرهنگی یهود و رفاه زنان و جوانان یهودی در جهان است. کنیسه‌های یهودیان در ایران حتی در شهرهایی که کمتر از 50 نفر یهودی ساکن هستند، دایر و فرایض دینی در آنها به بهترین وجه انجام می‌گیرد و نه تنها کسی مانع آنها نیست، بلکه از کمک‌های جمهوری اسلامی ایران نیز برخوردار هستند و بعد از انقلاب رونق کنیسه‌ها چشمگیر شده است. براساس اصل 13 قانون اساسی، صدور رأی در احوال شخصیه به وسیله مرجع دینی کلیمیان ایران اعلام می‌شود و به وسیله انجمن کلیمیان به دادگاه‌های مربوطه فرستاده می‌شود و دادگاه‌ها و قوه قضاییه براساس نظر مرجع دینی کلیمیان رأی نهایی را صادر می‌کند که این مورد در میان همه کشورهای جهان کاملاً استثنایی است.<sup>36</sup>

در دنیای امروز، در غرب مدعی آزادی و دموکراسی، مسلمانان از حقوق و آزادی لازم برخوردار نیستند؛ تا بدان پایه که حتی جمعیت 6 میلیونی مسلمانان فرانسه - که خود را مهد دموکراسی می‌داند - و جمعیت 10 میلیونی مسلمانان آمریکا، یک نماینده در مجالس آن کشورها ندارند!

### 3. مطبوعات و کتاب

شاخص دیگری که با سنجش آن می‌توان استبداد و یا آزادی را در ساختار سیاسی - فرهنگی یک حکومت بررسی کرد، وضعیت مطبوعات و نشر کتاب است.

متأسفانه مطبوعات و کتاب در دوران پهلوی به لحاظ چندوچون، کارنامه‌ای سیاه داشت؛ چراکه آزادی حقیقی برای این نوع فعالیت‌ها وجود نداشت و فضای نقد و پرداختن به مسائل اصلی جامعه بسته بود. در دولت 14 ساله هویدا سانسور به اوج خود رسید و افرادی همانند احسان نراقی - نظریه‌پرداز فرهنگی رژیم پهلوی - از طراحان سانسور در ایران بودند. هویدا

<sup>35</sup> (1). روزنامه جام جم، 9/ 11/ 1384، ص 11.

<sup>36</sup> (2). روزنامه اعتماد ملی، 7/ 8/ 1386، ص 9.

در سال 1355 ش در جلسه‌ای خطاب به احسان نراقی می‌گوید:

مگر شما خودتان، آقای نراقی نبودید که به من توصیه کردید کتاب‌ها مجدداً پس از چاپ سانسور شود تا ناشران خودشان سانسور برقرار کنند؟<sup>37</sup>

در آن سال‌ها مطبوعات از هیچ نوع آزادی حتی در حد یک انتقاد برخوردار نبودند و تنها 86 نشریه و به طور متوسط 2 هزار عنوان کتاب در سال چاپ و منتشر می‌شد که بیشتر آنها از محتوای علمی مناسبی برخوردار نبود و بسیاری نیز در موضوعات مبتذل به چاپ می‌رسید.<sup>38</sup> امروزه در ایران اسلامی 3400 نشریه در سلیقه‌ها و دیدگاه‌های گوناگون منتشر می‌شود و حدود 2500 نشریه در نوبت گرفتن مجوزند و سالانه حدود 53 هزار عنوان کتاب به چاپ می‌رسد.

مسعود بهنود، از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران دوران پهلوی - که در سال‌های بعد از انقلاب نیز در عرصه مطبوعات فعال بود و اینک در خارج از کشور علیه جمهوری اسلامی و حتی در مطبوعات داخلی مقاله می‌نویسد - از وضعیت مطبوعاتی دوران پهلوی این‌گونه یاد می‌کند:

سخت‌ترین وضعیت برای مطبوعات در ایران، در 160 سالی که از عمر مطبوعه در کشور می‌گذرد، منحصر است به سال‌های 1320 - 1306 شمسی، یعنی دوران دیکتاتوری رضاشاه که فضای اطلاع‌رسانی به‌طور کامل بسته شد ... در دوران سلطنت محمدرضا شاه هم تاریک‌ترین زمان‌ها مربوط است به فاصله سال‌های 1355 - 1350 که باز نشریات کاملاً زیر سانسور و تسلط حکومت بودند. در بخشی از این دوران، مأموری از ساواک در کنار میز سردبیر روزنامه‌ها می‌نشست و علاوه بر آنکه وزارت اطلاعات و جهانگردی - سلف وزارت ارشاد فعلی - هر شب لیستی از باید و نبایدها می‌داد، آن مأمور اندازه تیتراها و ستون‌ها را نیز کنترل می‌کرد.<sup>39</sup>

نیز برای نمونه، ساواک طی دستوری در تاریخ 4 / 11 / 1355 به مطبوعات می‌نویسد:

هیچ‌گونه شکواییه، انتقاد، گلایه - چه صراحتاً و چه تلویحاً - در هیچ زمینه‌ای نباید در مطبوعات به چاپ برسد.<sup>40</sup>

<sup>37</sup> (1). دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، نیمه‌پنهان، ج 6 (احسان نراقی)، ص 25.

<sup>38</sup> (2). بنگرید به: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، مطبوعات عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک.

<sup>39</sup> (3). روزنامه ایران، 15 / 4 / 1379، ص 3.

<sup>40</sup> (4). روح‌الله حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران(-)، ص 225.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 93

سانسور در عصر پهلوی در کتاب و ادبیات به جایی رسید که استفاده از کلماتی همانند «شب»، «سیاهی»، «سرما»، «زمستان»، «گل سرخ»، «جنگل»، «پنجره بسته» و «شقایق» ممنوع گردید؛ چرا که مدعی بودند این واژگان در ادبیات انقلابی به کار می‌رود!<sup>41</sup>

پرویز ناتل خانلری درخصوص وضعیت ادبیات در عصر رضاشاهی می‌گوید:

حقیقت مطلب آن است که دوره دیکتاتوری، فشار و سانسور به حدی شدید بود که ذوق را در دل‌های نویسندگان و شاعران خاموش می‌کرد. شهربانی دستور داد که اشعار غم‌انگیز ممنوع است و همه باید شعر خشنودی و رضایت را بیان کنند. حتی در آن زمان شاعری در وصف جنگل شعری سروده بود و پلیس به بهانه آنکه ممکن است این همان جنگلی باشد که میرزا کوچک‌خان در آن بوده است، انتشار آن شعر را اجازه نداد.<sup>42</sup>

کریستین دلانوا درخصوص سانسور توسط ساواک می‌نویسد: از سال 1354 تا 1357 شمار کتاب‌های منتشر شده از 4 هزار به 1300 عنوان در سال تقلیل یافت.<sup>43</sup>

در چنین شرایطی پرویز راجی، آخرین سفیر پهلوی در لندن در مصاحبه با خبرنگار روزنامه تایمز در تیر 1355 می‌گوید:

چون شاه در حال حاضر مشغول فعالیت است تا ایران را از وضع قرون وسطایی خارج کند، ... لذا نمی‌توان به مردم اجازه آزادی فعالیت‌های سیاسی را داد.<sup>44</sup>

اما با پیروزی انقلاب اسلامی، در اصل 24 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چنین آمد که مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلامی و یا حقوق عمومی باشند. بر همین اساس، در سال‌های اخیر تعداد محدودی از مطبوعات که با حمایت‌های مالی و سیاسی بیگانگان در ایران، به توطئه علیه اسلام و انقلاب اسلامی مشغول بودند و از آزادی امروز

<sup>41</sup> (1). روزنامه اعتماد ملی، 5/ 7/ 1386، ص 10، گفتگو با یدالله رویارویی عضو کانون نویسندگان دوره پهلوی.

<sup>42</sup> (2). مهدی حسینی‌باقری، «بررسی ادبیات سیاسی ایران در دوره پهلوی اول»، فصلنامه علوم سیاسی، ش 31، پاییز 84، ص 63.

<sup>43</sup> (3). کریستین دلانوا، ساواک، ص 139.

<sup>44</sup> (4). مینو صمیمی، پشت‌پرده تخت طاووس، ص 13.

سوءاستفاده می‌کردند،<sup>45</sup> از سوی مراجع مسئول بدانها اخطار و یا با آنها برخورد قضایی می‌شد؛<sup>46</sup> چرا که بر اساس قوانین اسلامی و حقوقی کشورمان و حتی ادیان الهی دیگر و برخی قوانین جزایی کشورهای غربی، توهین به مقدسات الهی جرم است.<sup>47</sup> این سوءاستفاده تا جایی بود که حتی مهاجرانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جشنواره مطبوعات اصفهان گفت:

در کنار نقش مطبوعات ما شاهد سوءاستفاده بوده و هستیم و شاهد تعرض به مبانی دینی، انقلابی و تعرض به امنیت ملی نیز بوده و هستیم و به همین خاطر مدیران مسئول به دادگاه کشیده می‌شوند و احیاناً نشریه‌ای توقیف و تعطیل می‌شود.<sup>48</sup>

از بُعد کیفی شاهدیم که انواع سلیقه‌ها و دیدگاه‌ها، نظرهای خود را از طریق مطبوعات به اطلاع افکار عمومی می‌رسانند و حتی افراد مخالف با نظام، سخنانشان در مطبوعات چاپ می‌شود و به‌طور کلی نقد در مطبوعات کشور پررونق است. در دوران پهلوی، آیت‌الله سعیدی به جرم نوشتن اطلاعیه‌ای در اعتراض به سفر سرمایه‌داران صهیونیست به ریاست راکفلر به ایران در سال 1349، توسط ساواک دستگیر، شکنجه و به شهادت می‌رسد.<sup>49</sup> در این راستا، ساواک مأموریت داشت روزبه‌روز خفقان را شدیدتر کند و سرنوشت مخالفان را با شکنجه و شهادت رقم زند.<sup>50</sup>

امروز در عرصه‌های گوناگون و مثلاً در «پرونده هسته‌ای» که با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در ارتباط است، شاهد انواع اظهارنظرها در عرصه مطبوعات هستیم؛ تا جایی‌که

<sup>45</sup> (1) بنگرید به: جمعی از فضلا و روحانیون، آزادی یا توطئه؛ حمید رسایی، پایان داستان غم‌انگیز.

<sup>46</sup> (2) بنگرید به: محمدجواد صالحی انصاری، دادگاه مطبوعات در جمهوری اسلامی ایران.

<sup>47</sup> (3) سیدحسین هاشمی، ارتداد و آزادی، ص 23-30.

<sup>48</sup> (4) روزنامه کیهان، 1378/12/16، ص 15.

<sup>49</sup> (5) بنگرید به: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید آیت‌الله محمدرضا سعیدی).

<sup>50</sup> (6) بنگرید به: سعید صمدی‌پور، شکنجه در رژیم شاه؛ قاسم حسن‌پور، شکنجه‌گران می‌گویند (اعتراضات شکنجه‌گران رژیم پهلوی در دادگاه)؛ تقی نجاری‌راد، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه؛ [www.ebratmuseum.ir](http://www.ebratmuseum.ir).

دیدگاه‌ها و نقدهای جریان‌های سیاسی، مخالفان و صاحب‌نظران از طریق رسانه‌های همگانی در اختیار اقشار مختلف قرار می‌گیرد، اگرچه باید بین «نقد» و «نفی» و «تقد» و «هتک» تفاوت قائل باشیم.

#### 4. فضای عمومی جامعه

آزادی اظهار نظر و بیان دیدگاه‌ها بدون آلودگی به دروغ، توطئه، توهین و افترا و انجام فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در فضای عمومی هر جامعه می‌تواند بیانگر آزادی نهادینه‌شده‌ای باشد که در مقابل خفقان و استبداد پدید می‌آید. یکی از تغییرات درخور توجه در سال‌های پس از پیروزی انقلاب در سایه جمهوری اسلامی ایران، رسیدن به فضای عمومی مناسب در انواع آزادی‌های سیاسی - اجتماعی است. برای روشن شدن این تغییر با اشاره به برخی از نمونه‌ها به مقایسه آنها می‌پردازیم.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و تحقق «آزادی» در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی، استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی همواره درصدد بوده‌اند یا با سوءاستفاده از فضای آزاد امروز توطئه کنند و یا با جنگ روانی تبلیغاتی به سیاه‌نمایی بپردازند. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا در خاطراتش می‌نویسد:

در دوران شاه حداقل 25000 زندانی سیاسی در ایران وجود داشت.<sup>51</sup>

مارتین انالز دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل در سال 1354 (1975 م) زندانیان سیاسی در ایران را بین 25 هزار تا یکصد هزار نفر اعلام می‌کند و در گزارشی می‌نویسد:

کارنامه هیچ کشوری در جهان سیاه‌تر از کارنامه ایران در زمینه حقوق بشر نیست ... جلادان ساواک افزون بر شوک الکتریکی و ضرب و شتم مخالفان، از انواع وحشی‌گری‌ها استفاده می‌کردند؛ از جمله فروبردن بطری‌های شکسته در نشیمنگاه، آویختن وزنه بر بیضه‌ها، پوشاندن کلاه‌خودهای ویژه، مورد تجاوز جنسی قرار دادن زندانیان، تجاوز به زنان و دختران فرد دستگیرشده در مقابل چشم وی برای گرفتن اعتراف.<sup>52</sup>

<sup>51</sup> (1). ویلیام سولیان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 447.

<sup>52</sup> (2). روزنامه آیندگان، 18/1/1358؛ فرد هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ص 92.

اگر در رژیم پهلوی با 30 میلیون جمعیت حدود یکصد هزار زندانی سیاسی در بدترین شرایط داریم در جمهوری اسلامی با 70 میلیون جمعیت آن هنگام که لیگابو، نماینده حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال 1382 به ایران آمد، فهرست 25 نفری از زندانیان سیاسی به همراه داشت و با آزادی کامل از زندان‌های ایران بازدید کرد. گفتنی است اینان در دادگاه‌های علنی با داشتن وکیل مدافع محاکمه شدند و حتی دفاعیات خود را به صورت کتاب منتشر کردند؛ برخی از همین افراد زندانی که علیه امنیت ملی کشورمان با حمایت و بودجه بیگانگان توطئه کرده‌اند، در زندان مقاله و کتاب می‌نویسند و در بیرون از زندان به چاپ می‌رسانند و برای جلسات سیاسی پیام می‌فرستند؟! حال آنکه در رژیم پهلوی دادگاه علنی و داشتن وکیل مدافع و انتشار دفاعیات یک رؤیا بود.

در خصوص فضای بسته و استبدادی رژیم پهلوی، فریدون هویدا - برادر امیرعباس هویدا - نماینده رژیم پهلوی در سازمان ملل متحد در خاطرات خود می‌نویسد:

ساواک سعی خود را به کار می‌گرفت تا محیطی آکنده از ترس به وجود آورد و با این کار چنان جوّ مسمومی بر تمامی جامعه - از صدر تا ذیل - حکم فرما کرده بود که هیچ کس واقعاً جرئت نداشت در حضور دیگران سخنی به زبان بیاورد؛ تا جایی که اگر دوستانم هم می‌خواستند مطلبی را با من در میان بگذارند، معمولاً مرا به گوشه خلوتی در باغچه منزل می‌بردند و در آنجا با صدایی آهسته حرف خود را می‌زدند.<sup>53</sup>

تهرانی از شکنجه‌گران معروف رژیم پهلوی در دادگاهش می‌گوید:

اگر کسی یک کتاب دکتر شریعتی در خانه‌اش پیدا می‌شد، دستگیر می‌شد ... یک نفر روحانی را به خاطر اعلامیه گوشت یخی در کاشان دستگیر کرده بودند که می‌خواسته اعلامیه تحریم گوشت یخی را پخش کند. خیلی از زندانیان را فقط به خاطر مطالعه کتاب دستگیر کردند. حتی به خاطر قرآن و نهج البلاغه، ساواک افراد را دستگیر و بازجویی می‌کرد.<sup>54</sup>

اسدالله علم در خاطرات خود می‌گوید:

---

<sup>53</sup> (1). فریدون هویدا، سقوط شاه، ص 93.  
<sup>54</sup> (2). قاسم حسن‌پور، شکنجه‌گران می‌گویند (اعتزافات شکنجه‌گران رژیم پهلوی در دادگاه).

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 97

وقتی خبرنگار «دیلی تلگراف» پرسید چرا رژیم تا بدین حد آزادی بیان را سرکوب می‌کند، گفتم: حالا که انقلاب سفید به مردم امکان داده به کلیه اهدافشان دست یابند، دیگر چیزی برای گفتن یا ابراز عقیده ندارند!<sup>55</sup>

درباره استبداد و سرکوب مردم در عصر پهلوی<sup>56</sup> حتی غربی‌ها برآن تأکید دارند. برای مثال، دریا دار اف. سی. کالینز از نیروی دریایی آمریکا - که مشاور نظامی نیروی دریایی ایران در دوران پهلوی بود - یکی از علل اساسی سقوط پهلوی را «حکومت استبدادی شاه» می‌داند.<sup>57</sup>

دکتر استفان فربنکس، رئیس سابق رادیوی سازمان سیا موسوم به «رادیو ایران آزاد» نیز در سمینار «ایران، پس از 25 سال» در تل‌آویو، از نبود آزادی در دوران پهلوی و وجود آزادی در جمهوری اسلامی سخن می‌گوید. او از خوش‌بینی‌های غربیان برای سقوط جمهوری انتقاد می‌کند و از آنان می‌خواهد به فکر روش‌های جدید سرنگونی باشند.<sup>58</sup>

همچنین آنتوان لاگاردیا، دبیر سرویس خارجی روزنامه دیلی تلگراف چاپ لندن در برنامه‌ای رادیویی می‌گوید:

ما همواره مجبوریم مطالبی را بر ضد جمهوری اسلامی ایران بنویسیم و به خاطر آن پول بگیریم. اما خودمان می‌دانیم نیمی از اخبار و مقالات ما علیه ایران، با واقعیت‌ها منطبق نیست.<sup>59</sup>

بنابراین یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، ایجاد «آزادی» در ساختار حکومت ایران است که باید بدون اعتنا به تبلیغات و شایعات دشمنان، آن را پاس داریم.

ه) شاخصه فساد و صلاح

از دیگر ویژگی‌های مهم ساختار حکومتی پهلوی، «فساد» در ابعاد سیاسی، اخلاقی و مالی

---

<sup>55</sup> (1). اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، ج 2، ص 476.

<sup>56</sup> (2). بنگرید به: حمید شایسته‌پور، قدرت سرکوب رژیم پهلوی و انقلاب اسلامی.

<sup>57</sup> (3). سعیده لطفیان، ارتش و انقلاب اسلامی ایران، ص 307.

<sup>58</sup> (4). روزنامه کیهان، 1383 / 3 / 27، ص 3.

<sup>59</sup> (5). همان، 1383 / 4 / 13، ص 2.

است. این فسادها از شاه - که بالاترین مقام حکومتی بود - تا اعضای خانواده او و درباریان و مسئولان رده‌های گوناگون حکومت را دربر می‌گرفت.<sup>60</sup> حال به‌اختصار این سه بُعد فساد و اصلاح هریک را پی‌می‌گیریم:

## 1. فساد سیاسی

سران رژیم پهلوی از رضاشاه تا محمدرضا و نخست‌وزیران و نمایندگان مجلس و دولتمردان، وابسته به بیگانگان و بسیاری از آنان نیز رسماً عضو لژهای فراماسونری بودند.<sup>61</sup>

چرچیل (نخست‌وزیر انگلیس) و روزولت (رئیس‌جمهور آمریکا) در کنفرانس تهران (آذرماه 1322) درباره رضاشاه چنین گفتند:

خودمان او را آوردیم و خودمان او را برداشتیم.<sup>62</sup>

همچنین فردوست درخصوص محمدرضا شاه می‌نویسد:

محمدرضا را انگلیسی‌ها بر تخت سلطنت نشاندند و واسطه آنها با مستر الن چارلز ترات، مسئول اطلاعات سفارت انگلیس در تهران، من بودم.<sup>63</sup>

بسیاری از مسئولان حکومتی تنها با اشاره انگلیسی‌ها و آمریکا به رده‌های بالای حکومتی می‌رسیدند. برای نمونه، نخست‌وزیری دکتر علی امینی در سال 1340 بنابر درخواست آمریکاییان بود که بعدها محمدرضا شاه در مصاحبه با خبرنگاری آمریکایی آن را تأیید کرد.<sup>64</sup> همچنین در خاطرات سولیوان، سفیر آمریکا در رژیم پهلوی می‌خوانیم: «شاه برای منصوب نمودن ازهاری در سمت نخست‌وزیری، از سفرای انگلیس و آمریکا اجازه گرفت.»<sup>65</sup>

فراماسونری در ایران که از دوره قاجار، انگلیسی‌ها آن را پدید آورده بودند، در دوران پهلوی

<sup>60</sup> (1). در خصوص فساد مالی و اخلاقی بنگرید به: دکتر شهلا بختیاری، مفاسد خاندان پهلوی.

<sup>61</sup> (2). بنگرید به: مرکز بررسی اسناد تاریخی، مجموعه مقالات همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج 3.

<sup>62</sup> (3). احمد فاروقی و ژان لوروری، ایران بر ضد شاه، ص 28.

<sup>63</sup> (4). حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 128.

<sup>64</sup> (5). منوچهر محمدی، مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، ص 116.

<sup>65</sup> (6). ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 165.

وسعت و عمق بیشتری یافت و به بیش از پنجاه لژ و چند هزار فراماسونر رسید که تمامی آنها جزو افراد متنفذ و سرشناس در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بودند.<sup>66</sup>

تعداد اعضای لژهای مختلف تشکیلات فراماسونری در ایران حدود 1200 نفر بود. از این عده در سال 1351 شمسی، حدود هشت نفر در هیئت وزیران، 24 نفر سناتور، 54 نفر نماینده مجلس شورای ملی، 24 نفر از مسئولان وزارت خارجه و سفیران شاهنشاهی در کشورهای دیگر و بقیه از شخصیت‌های مؤثر و متنفذ مملکتی بودند که برخی از آنان به درجه استاد اعظم - مانند شریف امامی - ارتقا یافتند. افزون بر سیاستمداران، نظامیان نیز در لژهای فراماسونری عضویت داشتند و از این طریق دست به اقدامات سیاسی می‌زدند.<sup>67</sup>

از سوی دیگر، عدم «گردش نخبگان» در ساختار حکومتی ایران و منحصر شدن به چند خانواده وابسته به پهلوی و سرسپرده انگلیس و آمریکا، بُعد دیگری از فساد سیاسی را می‌نمایاند.

با انقلاب اسلامی، امروز شاهد آنیم که مسئولان و کارگزاران نظام از بین مردم و با اراده و رأی آنان در مناصب مختلف قرار می‌گیرند و دیگر فراماسونرها و وابستگان به آمریکا و انگلیس حاکم نیستند.

## 2. فساد اخلاقی

یکی از علل اعتراض مردم به رژیم پهلوی و تلاش برای سرنگونی آن «فساد اخلاقی» در ساختار حکومت بود. ژان لوروریه، روزنامه‌نگار فرانسوی معتقد است:

اگر در کوچه و خیابان از ایرانیان بپرسید که چرا رژیم را مورد انتقاد و سرزنش قرار می‌دهند و جواب آنها را جمع کنید، فساد و انحطاط اخلاقی رژیم در ردیف اول پاسخ آنها خواهد بود.<sup>68</sup>

در این باره تا جایی که اصول اخلاقی اجازه دهد، تنها از آن روی که نسل جوان امروز با سران حکومتی پهلوی بیشتر آشنا گردد، به چند نمونه می‌پردازیم.<sup>69</sup>

<sup>66</sup> (1) حسین آبادیان و دیگران، رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر (مجموعه مقالات 1)، ص 130.

<sup>67</sup> (2) علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، ص 2 و 281.

<sup>68</sup> (3) احمد فاروقی و ژان لوروریه، ایران بر ضد شاه، ص 103.

<sup>69</sup> (4) مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، سقوط (مجموعه مقالات نخستین همایش بررسی علل فروپاشی سلطنت پهلوی)، ص 352-.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 100

فردوست از قدیمی‌ترین یاران شاه و محرم اسرار او در سال‌های تحصیل در سوئیس و سپس در دربار، درباره تاج‌الملوک، مادر محمدرضا می‌گوید:

مادر اعلی‌حضرت از همان سال اول درگذشت رضاشاه، تعداد زیادی دوست پسر عوض کرده بود. در حقیقت ذبیح‌الله ملک‌پور و بعدها رحیم‌علی خرم، شوهر رسمی او نبودند، بلکه برای حفظ آبرو در محیط دربار چنین شایع کرده بودند که ملکه مادر به عقد شرعی این دو نفر درآمده است ...<sup>70</sup>

تاج‌الملوک درباره رفتار و اخلاق پسرش محمدرضا می‌گوید:

من تعجب می‌کنم که چرا فرح نسبت به طلا [ / معشوقه محمدرضا پهلوی ] این قدر سختگیری می‌کرد ... فرح می‌دانست که محمدرضا علاوه بر او با زنان دیگری هم رفت‌وآمد دارد. اما او نسبت به این دختر فوق‌العاده حساس شده بود ... فرح برخلاف آن ظاهر آرام و لبخندی که همیشه به لبش بود، روحیه خشنی داشت. یک روز که در سعدآباد چشمش به طلا می‌افتد، جلو می‌رود و کشیده محکمی به گوش او می‌زند. خلاصه اینکه، این رقابت زنانه بین فرح و طلا برای محمدرضا خیلی شیرین بود. محمدرضا لذت می‌برد که زن‌ها به خاطر او این‌طور پنجه روی صورت هم می‌کشند. از قضای روزگار این اخلاقش درست مانند اخلاق مرحوم پدرش بود.<sup>71</sup>

همچنین در گزارش هیئت تحقیقاتی «سازمان سیا» در فوریه 1976 به سرپرستی ارنتاونی، خاندان سلطنتی ایران «کانون عناصر فاسد و هرزه و شهوتران» معرفی می‌شوند.<sup>72</sup>

از سوی دیگر، محمدرضا شاه در سفرهای متعدد به اروپا حیثیت و آبروی ایرانیان را در دنیا خدشه‌دار می‌کرد. برای نمونه، وقتی شاه از فرماندار ونیز تقاضای زن می‌کند و خبر به آندره توتی، نخست‌وزیر ایتالیا می‌رسد، از بی‌شخصیتی شاه تعجب می‌کند و می‌گوید: «این تقاضا را عاری از نشانه نجیب‌زادگی می‌دانم.»<sup>73</sup>

<sup>70</sup> (1). فریده دیبا، دخترم فرح، ص 84.

<sup>71</sup> (2). تاج‌الملوک پهلوی، خاطرات ملکه پهلوی، ص 367.

<sup>72</sup> (3). دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی (روابط آمریکا و شاه)، ش 7.

<sup>73</sup> (4). ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ص 444.

اما درباره فرح، شهربانوی ایرانی باید گفت<sup>74</sup> محمدرضا پس از ازدواج با فوزیه و سپس ثریا بختیاری و طلاق آنها، وی را به عنوان سومین همسر رسمی خود برگزید. ارتشبد فردوست در خاطرات خود چگونگی ازدواج فرح و شاه را این چنین بیان می کند:

فرح، دختری فقیر بود و تمایلات چپ کمونیستی داشت ... از فرط استیصال برای کمک مالی به سراغ اردشیر زاهدی در حصارک می رود تا بتواند در پاریس تحصیل کند. اگر ندانیم حصارک چیست، شاید مسئله مفهوم نشود. در حصارک ویلایی بود که اردشیر زاهدی با تعدادی از رفقای جوان او منتظر شکار دخترها و زن ها می نشستند و هر مراجعه کننده از جنس مؤنث اگر مورد پسند زاهدی واقع می شد، بلافاصله به اتاق خواب می رفتند ... حال این دختر با اطلاع از چنین وضعی برای درخواست پول به سراغ زاهدی در حصارک می رود؛ یعنی اینکه خود را تقدیم زاهدی کند. لابد زاهدی از این دختر خوشش نیامده بود که به محمدرضا تلفن می زند که دختری اینجا آمده و اگر اجازه دهید او را بیاورم. محمدرضا می پذیرد و بدون تحقیق قبلی که او کیست و خانواده او چیست، او را به فرودگاه می برد و در هواپیما به وی پیشنهاد ازدواج می کند. دختری که تا یک ساعت پیش از زاهدی پول می خواست - که مفهومی معین است - حال قرار شده که با شاه ازدواج کند و می کند. بدین ترتیب فرح حصارک، «ملکه ایران» می شود و در مراسم تاجگذاری با آن تشریفات و تجملات - که از تلویزیون دیده اید - تاج بر سر می گذارد.<sup>75</sup>

فرح در سال 1338 با شاه ازدواج کرد و در شهریور 1346 مجلس مؤسسان با اصلاح اصل 38 متمم قانون اساسی، مقام نیابت سلطنت را بدو واگذار کرد. فردوست درباره محمدرضا پهلوی می نویسد:

محمدرضا در طول حیات، زندگی زناشویی سالمی نداشت و به تمام معنا فردی عیاش بود ... محمدرضا قبل و بعد از ازدواج با فرح - که زن رسمی اش بود - با زن های زیادی رابطه داشت ... در مسافرت ها به آمریکا، در نیویورک من 2 نفر را به محمدرضا معرفی کردم: یکی گریس کلی بود که در آن زمان آرتیست تئاتر بود و دوبار با او ملاقات کرد و محمدرضا به وی یک سری جواهر به ارزش حدود یک میلیون دلار داد ... به یک معشوقه برای یک شب ممکن بود یک میلیون تومان بدهد و اگر معشوقه با ارزش بود،

<sup>74</sup> (1). بنگرید به: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، عروس آخر (زندگی فرح پهلوی).  
<sup>75</sup> (2). حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 211.

در ماه 10 میلیون تومان می داد (اکثراً به فرم جواهر) و ....<sup>76</sup>

ارتشبد فردوست در خصوص اشرف، خواهر دوقلوی محمدرضا می گوید:

بررسی شخصیت اشرف از این نظر واجد اهمیت است که او در دوران سلطنت محمدرضا - چه در سیاست داخلی و چه سیاست خارجی - نقش بسیار مهم و اساسی داشت ... این بود چهره اشرف، دومین فرد خانواده پهلوی پس از محمدرضا، زنی که در هر زمینه در حد اعلای افراط و گستاخی است و می توانم او را به حق «فاسدترین زن جهان» بنامم. در تاریخ زنان فاسد، همتای اشرف نیست یا نادر است: معتاد، قاچاقچی مواد مخدر، عضو مافیای آمریکا، بیمار جنسی و زنی که به قول خودش اگر هر شب مرد تازه نبیند، خوابش نمی برد!<sup>77</sup>

اردشیر زاهدی، فرزند فضل الله زاهدی و داماد شاه، درباره فساد شاه می نویسد:

اعلی حضرت به نحوی افراطی و غیرقابل باور به زنان و دختران موطلایی علاقه مند بودند ... علاقه ایشان به زنان موطلایی به اندازه ای بود که در سفرهای خود به خارج از کشور، فرصتی را هم برای ملاقات زنان موطلایی معروف مانند بریزیت باردو (هنرپیشه معروف فرانسوی) در نظر می گرفتند.<sup>78</sup>

انحراف جنسی محمدرضا از جمله همجنس بازی وی با ارنست پرون به قدری زیاد بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کتابی با نام ارنست پرون شوهر شاه به زبان فارسی منتشر شد.<sup>79</sup>

این فساد اخلاقی گسترده نه تنها در دربار شاه و خانواده اش، بلکه دیگر مسئولان و سران رژیم پهلوی را نیز دربرمی گرفت؛ تا بدانجا که حتی براساس گزارش ساواک، بسیاری از افراد از طریق بانوان خود به والاحضرت نزدیک می شدند تا به مشاغلی دست یابند.<sup>80</sup>

از باب نمونه، امیرعباس هویدا - که سیزده سال نخست وزیر ایران بود و از بهایان صاحب نفوذ به شمار می رفت - از فاسدترین سران رژیم پهلوی بود که به دلیل «همجنس بازی» و انحرافات شدید اخلاقی، همسرش لیلا امامی در سال 1350 از او طلاق گرفت. درخصوص

<sup>76</sup> (1). همان، ص 205، 209 و 216.

<sup>77</sup> (2). همان، ص 227-238.

<sup>78</sup> (3). نظر علی کوشکی، دربار به روایت دربار (فساد اخلاقی)، ص 26.

<sup>79</sup> (4). همان، ص 23.

<sup>80</sup> (5). مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، زنان دربار به روایت اسناد (اشرف پهلوی)، ج 1، ص 125.

فساد اخلاقی هویدا اسناد بسیار یاز وی در ساواک باقی است که این نخست‌وزیر بهایی و فاسد را بهتر می‌نمایاند.<sup>81</sup>

اینک با پدیده انقلاب اسلامی به تحوّل بزرگی در ساختار حکومتی رسیده و از پادشاهانی با «تفریحات و عیّاشی شبانه» به رهبرانی با «تهجد شبانه» تغییر یافته‌ایم. کافی است اشخاصی همانند رضاشاه و محمدرضا شاه را در خصوص افکار و رفتار با شخصیت‌هایی همانند حضرت امام خمینی (قدس سره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای - مدظله‌العالی - در بالاترین مقام حکومتی و از سویی نخست‌وزیران و صاحب‌منصبان دوره پهلوی همانند اسدالله علم، هویدا، منصور و آموزگار را با شهیدانی چون رجایی، باهنر، بهشتی، مطهری، چمران و امروز احمدی‌نژاد بسنجیم تا دگرگونی در ساختار حکومتی را نیک‌تر دریابیم.

### 3. فساد مالی

از دیگر عوامل قیام مردم ایران علیه رژیم پهلوی و بروز انقلاب اسلامی، «فساد مالی» گسترده در ساختار حکومت پهلوی بود. نیکی آر. کدی، محقق آمریکایی در این باره می‌نویسد:

فساد مالی در دربار خاندان پهلوی و طبقه ممتاز جامعه به حدی زیاد بود که سهم عمده‌ای در افزایش مخالفت توده‌های عظیم مردم داشت.<sup>82</sup>

در اینجا به بررسی ابعاد فساد مالی در عصر پهلوی و تغییرات و تحولات آن در نظام جمهوری اسلامی می‌پردازیم:

نمایش تصویر

جدول (3): بررسی تغییرات فساد مالی در اقتصاد ایران

فساد مالی در ساختار حکومت پهلوی را می‌توان از دوسو کاوید که بدان می‌پردازیم.

---

<sup>81</sup> (1). بنگرید به: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 397-395؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک (امیرعباس هویدا)؛ ابراهیم ذوالفقاری، قصه هویدا.  
<sup>82</sup> (2). نیکی آر. کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ص 298.

یک. چپاول خارجی

چپاول منابع و ثروت‌های ایران توسط بیگانگان که در دوره قاجاریه فزون‌یافته بود، در عصر پهلوی گسترده‌تر و عمیق‌تر گردید. بنجامین شوادران، از کارشناسان سازمان ملل متحد در گزارش خود می‌نویسد:

تولید کل نفت طی چهل سال، یعنی از 1912 تا 1951 میلادی (1331-1292 ش) 333 میلیون تن بوده است که 33/3 میلیون تن آن در سال 1950 میلادی تولید شد. صدور نفت خام و فرآورده‌های نفت از ایران در همین مدت یعنی از 1912 تا 1951 میلادی حدود 290 میلیون تن به ارزش تقریبی 1200 میلیون لیره بوده است. در همین دوره پرداخت مستقیم به ایران بابت حق‌الامتياز مالیات سهم منافع، بالغ بر 122 میلیون لیره بوده است.<sup>83</sup>

به بیانی در دوران سیاه رضاشاه، انگلیس حدود 10 درصد از ارزش نفت را به ایران پرداخت و بقیه را چپاول می‌کرد؛ آن هم در شرایطی که در سال‌های حاکمیت رضاخان حدود 35 درصد نفت دنیا در ایران تولید می‌شد.<sup>84</sup> [که اینک به عنوان چهارمین تولیدکننده نفت، 5 درصد نفت دنیا را تولید می‌کنیم.] طبق قراردادهای ننگین داری و قرارداد 1933 (1312 ش) نفت در خدمت اقتصاد انگلیس قرار می‌گیرد.

آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در دوران پهلوی می‌نویسد:

بعید به نظر می‌رسد که رژیم دیگری منافع اقتصادی، بازرگانی و هدف‌های سیاسی و استراتژیکی انگلستان را بهتر از رژیم شاه تأمین نماید.<sup>85</sup>

همچنین وی بیان می‌دارد:

واقعیت این است که ایران در دوران پهلوی برای انگلستان، هم یک متحد باارزش و هم یک بازار وسیع و پرارزش بود ... اطمینان از جریان نفت ایران در شرایطی که نفت کشورهای عربی همواره در معرض تهدید تحریم به دلایل سیاسی بود، برای انگلستان اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. از همه اینها گذشته، ایران در فاصله سال‌های 1974 تا 1978 میلادی وسیع‌ترین بازار صادرات انگلیس در خاورمیانه به شمار می‌رفت و هزار

<sup>83</sup> (1). بنجامین شوادران، خاورمیانه، نفت و قدرت‌های بزرگ، ص 170.

<sup>84</sup> (2). همایون الهی، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، ص 203.

<sup>85</sup> (3). بهرام افراسیابی، ایران و تاریخ، ص 286.

میلیون لیره ارز مورد نیاز انگلستان را در شرایط دشوار اقتصادی تأمین می‌کرد.<sup>86</sup>

درخصوص چپاول ایران توسط آمریکاییان نیز رمزی کلارک، وزیر دادگستری و دادستان سابق آمریکا طی مصاحبه‌ای گفت:

برای 25 سال ایران نگهبان حافظ منافع ما در یکی از مهم‌ترین مناطق جهان، یعنی خاورمیانه بود. بعد از سرنگونی رژیم شاه به دست مردم، رئیس سازمان سیا، ویلیام کولبی گزینش شاه را یکی از پرافتخارترین دستاوردها تلقی کرد و گفت: شما ممکن است فکر کنید شاه کاری برای ما نکرد، ولی او 25 سال سرویس خوبی به ما داد.<sup>87</sup>

از سویی دیگر، طبق یکی از اسناد باقی‌مانده از ساواک رژیم پهلوی، شریف امامی - که ریاست مجلس سنا، دو دوره نخست‌وزیری و ریاست بنیاد پهلوی در دوره فعالیت خود برعهده داشت - در جلسه‌ای خصوصی نکاتی را در باب اقتصاد ایران و چپاول خارجی‌ها بازمی‌گوید که به بخشی از آن اشاره می‌کنیم.

مأمور ساواک در گزارش خود به تاریخ 1354 / 10 / 17 می‌نویسد:

شخص مطلع و برجسته‌ای می‌گفت دو روز قبل در جلسه‌ای با شرکت شریف امامی، رئیس مجلس سنا بودیم و خیلی جلسه خصوصی بود. رئیس سنا می‌گفت من اوضاع را خیلی بد می‌بینم ... در مورد نفت هم شریف امامی می‌گفت وضع را روشن نمی‌بینم و فایده‌ای هم ندارد. 24 میلیارد دلار [به ما پول دادند؛ بیست میلیارد آن را پس دادیم و حتی به انگلستان وام دادیم و چهار میلیارد بقیه هم به دست عوامل اجرایی از بین می‌رود و می‌خورند].<sup>88</sup>

این تنها اندکی از چپاول منابع غنی نفت ایران است. در عرصه‌های دیگر نیز حدود 58 هزار آمریکایی و 20 هزار انگلیسی به چپاول ایران مشغول بودند.

با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال 1357 آمریکاییان هنگام فرار از ایران به چپاولی

<sup>86</sup> (1). عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، ص 311.

<sup>87</sup> (2). روزنامه جمهوری اسلامی، 1381 / 3 / 25، ص 15.

<sup>88</sup> (3). حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، اسناد پایان کتاب.

دیگر نیز دست زدند؛ چنان‌که ژنرال هایزر در خاطراتش می‌نویسد: به هر آمریکایی اجازه داده شد که هزار پوند (450 کیلوگرم) از گرانبهاترین اثاثیه خود را به آمریکا حمل کنند.<sup>89</sup>

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران دست بیگانگان از چپاول ایران قطع شد و به همین‌رو هنوز پس از 30 سال مورد تهدید و تحریم اروپا و آمریکا هستیم. بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در نامه‌ای به مجلس نمایندگان آن کشور در آبان 1384 درباره علت تمدید تحریم ایران می‌گوید:

روابط ما با ایران هنوز به حالت عادی برنگشته است؛ زیرا سیاست و عملکرد ایران با منافع آمریکا در منطقه مغایرت دارد. بنابراین، این یک خطر همیشگی و غیرعادی برای امنیت ملی و سیاست خارجی و اقتصاد آمریکا تلقی می‌شود.<sup>90</sup>

از همین‌رو، چون ایران منافع آمریکا در منطقه را همانند دوران پهلوی تأمین نمی‌کند، باید مورد تحریم اقتصادی قرار گیرد.

دو. غارت داخلی

ایران دوره پهلوی نه تنها عرصه چپاول بیگانگان بود، بلکه از سوی خاندان پهلوی غارت بزرگی صورت گرفت. رضاشاه که سربازی فقیر و بی‌سواد در نیروهای قزاق بود، با حمایت انگلیسی‌ها به فرماندهی تیپ قزاق قزوین و سپس با کودتای انگلیسی به پادشاهی ایران رسید و خاندان پهلوی را بر ایران حاکم ساخت. او پس از شانزده سال حاکمیت بر ایران، هنگام فرار از کشور در شهریور 1320 با دارایی هفت میلیارد تومانی،<sup>91</sup> بزرگ‌ترین سرمایه‌دار ایران به‌شمار می‌رفت؛ آن هم زمانی که یک کارگر روزانه حدود سه ریال حقوق می‌گرفت.

«براساس دفتر اسامی املاک اختصاصی، حدود 6400 روستا و قریه فقط در یک دفتر به نام رضاشاه به ثبت رسیده بود و بنا به اظهار مؤید احمدی، نماینده دوره سیزدهم مجلس، در دوره هفده ساله سلطنت رضاخان بالغ بر 44 هزار سند مالکیت به نام او صادر شده است.»<sup>92</sup>

<sup>89</sup> (1). رابرت هایزر، مأموریت مخفی در تهران، ص 54.

<sup>90</sup> (2). هفته‌نامه صبح صادق، 1384 / 8 / 23، ص 11.

<sup>91</sup> (3). دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، دایره‌المعارف انقلاب اسلامی، ج 1، ص 165.

<sup>92</sup> (4). محمود تقفدی جامی، گذشته چراغ راه آینده است، ص 111.

املاک وی بیش از یک میلیون و دویست هزار هکتار تخمین زده می‌شد.<sup>93</sup>

همچنین در شهریور 1320 در مذاکرات مجلس که مربوط به پس از فرار رضاشاه است، چنین آمده است:

31 میلیون لیره عایدی نفت جنوب، 27 میلیون لیره آن ناپدیدشده و فقط سه میلیون لیره ارز برای پشتوانه اسکناس خریداری شده و تنها یک میلیون و سیصد هزار لیره در خزانه باقی مانده است.<sup>94</sup>

بنابر تحقیقات پژوهشگری ایرانی مقیم آمریکا، تمامی درآمدهای نفتی ایران در دوره رضاشاه، یعنی رقمی در حدود 200 میلیون دلار به حساب‌های شخصی او انتقال یافته بود. این در حالی است که کل بودجه دولت ایران در سال 1925 م حدود 20 میلیون دلار بود.<sup>95</sup>

این پژوهشگر می‌گوید:

توجه کنید که در سال 1941 م کل گردش پول بانک صادرات و واردات آمریکا 100 میلیون دلار بود. در این زمان رضاشاه 200 میلیون دلار پول نقد داشت. من تصور نمی‌کنم راکفلر هم در آن زمان چنین پول نقدی در اختیار داشت.<sup>96</sup>

از سوی دیگر، در سال‌هایی که بودجه وزارتخانه‌های صنایع و معادن، تجارت، راه و ترابری و بهداری مجموعاً 300 هزار تومان بوده است، شهرداری تهران 35 میلیون تومان برای ساخت تعدادی از کاخ‌های رضاشاه هزینه می‌کند.<sup>97</sup>

یکی از نمایندگان مجلس انگلیس پس از رفتن رضاشاه طی مقاله‌ای در وصف او نوشت:

رضاشاه دزدان و راهزنان را از سر راه‌های ایران برداشت و به افراد ملت خود فهماند که

---

<sup>93</sup> (1). پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص 171.

<sup>94</sup> (2). خسرو معتضد، سقوط و پس از سقوط، ص 213.

<sup>95</sup> (3). «گفتگو با دکتر محمدعلی مجد»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، بهار 82، ش 25، ص 189.

<sup>96</sup> (4). خسرو معتضد، سقوط و پس از سقوط، ص 195.

<sup>97</sup> (5). همان، ص 209.

من بعد در سرتاسر ایران فقط یک راهزن بزرگ باید وجود داشته باشد.<sup>98</sup>

باید بدانیم رضاشاه در روزگاری به قدرت رسید و به غارت ثروت ملت ایران پرداخت که در قحطی پس از مشروطیت بنا به نقل میرزا حسن جابری در سال 1288 ش، امر قحطی به حدی سخت شد که بعضی اطفال خود را پنهانی کشتند و خوردند<sup>99</sup> و طی قحطی و نسل‌کشی بزرگ در ایران در ایام جنگ جهانی اول طی سال‌های 1917-1919 م بین 8 تا 10 میلیون نفر از گرسنگی و بیماری مردند که 40 درصد جمعیت ایران آن روز بودند و انگلستان نقش اصلی در این نسل‌کشی داشت.<sup>100</sup>

در این رابطه سفیر ایالات متحده در تهران اظهار می‌دارد: «احساس می‌شود که دولت انگلستان عمداً نمی‌خواهد از قحطی و گرسنگی در ایران جلوگیری به عمل آورد.»<sup>101</sup> و سفیر انگلستان در تهران طی ملاقاتی با نخست‌وزیر ایران چنین می‌گوید: «انگلستان هیچ دلیلی نمی‌بیند که مردم ایران را یاری کند.»<sup>102</sup>

غارت‌ها و حیف و میل سرمایه کشور در دوره محمدرضا شاه نیز به گونه‌ای گسترده‌تر تداوم یافت؛ آن هم در شرایطی که در اثر جنگ جهانی دوم و اشغال کشور توسط قوای نظامی روسیه، انگلیس و آمریکا قحطی جدیدی کشور را فراگرفته بود. حادثه «بلوای نان» در سال 1321 گواه این مدعاست.

در یک مورد، در سال 1346 شاه با برگزاری جشن تاج‌گذاری برای خود و همسرش فرح به‌عنوان «ملکه ایران» هزینه‌هایی انجام داد که در تاریخ ایران بی‌سابقه است. در گزارش روزنامه کیهان در همان روزهای برگزاری جشنتاج‌گذاری می‌خوانیم:

پرایل، جواهر ساز معروف فرانسوی که در برابر جواهرات سلطنتی ایران شگفت‌زده و

---

<sup>98</sup> (1). حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج 6، ص 164.

<sup>99</sup> (2). میرزا حسن جابری، تاریخ نصف جهان و همه جهان، ج 1، ص 159.

<sup>100</sup> (3). «گفتگو با دکتر محمدعلی مجد»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، بهار 82، ش 25، ص 189.

<sup>101</sup> (4). همایون الهی، اهمیت استراتژیکی ایران در جنگ جهانی دوم، ص 207.

<sup>102</sup> (5). همان.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 109

حیران مانده است، تاجی از طلای سفید ساخته است ... شماره گوهرهایی که روی تاج پهلوی نشانده شده، به شرح زیر است:

3380 قطعه الماس به وزن 1144 قیراط، 50 قطعه زمرد به وزن 199 قیراط و 2 قطعه الماس به وزن 19 قیراط و 368 حبه مروارید غلطان. وزن تاج از زر و گوهر و مخمل روی هم 444 مثقال، یعنی در حدود دو کیلو و هشتاد گرم می باشد.

و تاج شهبانو، وزن تاج با کلاه 1480 / 900 / 1 کیلوگرم و از 36 عدد زمرد، 36 عدد یاقوت، 105 عدد مروارید، 1469 برلیان و 1646 قطعه جواهر ساخته شده است.<sup>103</sup>

در شرایطی این مراسم و این هزینه ها به ملت ایران تحمیل می شد که حتی مردم تهران از آب آشامیدنی سالم محروم بودند.

در پی غارت و حیف و میل ثروت ملی ایران، جشن های 2500 ساله در سال 1350 بدین فساد عمقی بیشتر بخشید.<sup>104</sup> درخصوص هزینه های نجومی جشن های شاهنشاهی 2500 ساله اگرچه رقم دقیقی در آن زمان اعلام نشد، یکی از خبرنگاران سوئدی از شاه پرسید: «آیا ممکن است شاهنشاه درباره هزینه جشن توضیح دهند؟ به ما ارقام مختلفی از دویست میلیون دلار تا دو میلیارد دلار گفته شده است!» شاه نیز در پاسخ طفره رفت و این گونه سفسطه کرد:

فکر می کنید همین دو مهمانی دو میلیارد خرج داشته باشد؟ بنابراین باید به من بگویید که قیمت یک کیلو نان و یک کیلو گوشت چقدر است!<sup>105</sup>

شاه این غارت و حیف و میل اموال مردم ایران را به «دو مهمانی» ساده تعبیر می کرد. حال برخی از هزینه های این جشن ها را برمی شمیریم:

1. برپایی 50 چادر سلطنتی برای اقامت مهمانان خارجی توسط فرانسوی ها؛
2. برپایی چادر مخصوص آرایشگران معروف، الکساندر، کاریتا و الیزابت آردن؛
3. تهیه غذا از رستوران «ماکسیم» فرانسه و انتقال به ایران با هواپیما؛

<sup>103</sup> (1) روزنامه کیهان، 1346 / 6 / 26 و 1346 / 7 / 1346.

<sup>104</sup> (2) بنگرید به: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، بزم اهریمن؛ سپیدحمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج 3، ص 522-

<sup>515</sup>

<sup>105</sup> (3) روزنامه اطلاعات، 1350 / 7 / 27.

4. تهیه بشقاب‌های نقش‌دار با طلای 22 عیار به‌نام بشقاب سلطنتی در اروپا؛
  5. وارد نمودن 4 میلیون لامپ رنگی و سفید برای چراغانی جشن‌های شاهنشاهی؛
  6. دوخت لباس درباریان توسط خیاطخانه‌های فرانسه که هر لباس مخصوص حدود پانصد ساعت وقت گرفته و در هر یک از این لباس‌ها بیش از دو کیلو نخ‌های ابریشمی به‌کار برده شده است؛
  7. وارد کردن گل‌های گران‌قیمت از هلند برای تزئین محیط برگزاری جشن؛
  8. ساخت 4 هزار عدد زین اسب توسط شرکت‌های انگلیسی برای اسب‌های رژه‌رونده؛
  9. تهیه 40 قالیچه ظریف با تصاویر پادشاهان و رؤسای جمهور دعوت‌شده به جشن؛
  10. پرداخت میلیون لیره استرلینگ به متخصص تزئینات نور انگلستان.
- در شرایطی این هزینه‌های نجومی صورت می‌گرفت که حتی در تهران امکانات اولیه زندگی مردم فراهم نبود. رژیم پهلوی به فقرا نیز رحم نکرد؛ تا بدانجا که برای این جشن‌ها از آنان به‌زور پول‌هایی را دریافت کرد. برای نمونه، در یکی از گزارش‌های ساواک آمده است:
- از منزلی در سلسبیل که دو پیره‌زن در آن زندگی می‌کنند، به‌نام جشن‌های دو هزار و پانصدساله پنجاه تومان گرفته‌اند؛ در صورتی‌که این دو پیره زن از کمک بستگان خود [زندگی‌شان را] می‌گذرانند.<sup>106</sup>
- این در حالی بود که حتی برخی از مطبوعات غربی به هزینه‌های این جشن اعتراضاتی داشتند. در گزارش خبرنگار روزنامه «یونینگ هرالده» چنین آمده است:
- دربار ایران در کنار خرابه‌های تخت‌جمشید میلیاردها دلار پول ریخته است تا وجود خویش را به رخ بکشد .... شاه ایران روز چهاردهم اکتبر ناهار شاهانه‌ای به مهمانان خود خواهد داد که تمام مخلفات آن در پاریس تهیه شده است. ناهار با هواپیمای مخصوص به شیراز خواهد آمد و از آنجا با هلی‌کوپتر به تخت‌جمشید حمل خواهد شد ... من در راه تهران و اصفهان روستاهای بسیاری را دیدم که در فقر غوطه‌ور بودند ....<sup>107</sup>
- همچنین اعضای خانواده پهلوی در غارت ثروت ملت ایران، گوی سبقت را از یکدیگر

<sup>106</sup> (1). سیدحمید روحانی، نهضت امام‌خمینی، ج 3، ص 544.

<sup>107</sup> (2). همان، ص 588.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 111

می‌ریبوندند. شمس پهلوی به وزارت امور خارجه دستور می‌دهد برای او از پاریس و برلین گُل و از اروپا جواهرات خریداری کنند و به ایران بفرستند. وی همچنین دستور می‌دهد سگ «کانیش»<sup>108</sup> از خیابان شانزه لیزه و لباس از فروشگاه‌های معروف اروپایی خریداری کنند و برای والاحضرت‌ها نیز که در اروپا به تفریح رفته‌اند، از ایران خاویار ببرند ....<sup>109</sup>

یکی دیگر از ابعاد این غارت‌ها هزینه سفرهای خارجی و حقوق و دستمزد عوامل رژیم پهلوی است که تنها به نمونه‌ای از هر یک بسنده می‌کنیم.

مولوی، رئیس ساواک استان مرکزی، در گزارشی به ریاست ساواک کشور درخصوص درآمدها و دریافتی‌های جعفر شریف‌امامی، رئیس مجلس سنا در سال 1344 می‌نویسد:

او دارای مقام‌های گوناگونی است که فقط در مقام رئیس مجلس سنا ماهانه 80 هزار ریال و به‌عنوان عضو هیئت مدیره بانک توسعه صنعتی 50 تا 70 هزار ریال حقوق دریافت می‌دارد. سال قبل نیز از بابت نایب تولیه املاک پهلوی 10 میلیون ریال پاداش دریافت کرده است.<sup>110</sup>

این در حالی بود که در آن هنگام یک کارگر 240 ریال حقوق می‌گرفت.

درخصوص یکی از سفرهای اشرف پهلوی، خواهر دوقلوی شاه به کشورهای فرانسه و آمریکا برای شرکت در یونسکو و سازمان ملل متحد در سال 1356 هیئت دولت به ریاست امیرعباس هویدا مبلغ 500 هزار دلار برای هزینه‌های این سفر به تصویب می‌رساند.<sup>111</sup> معادل همین مبلغ نیز در سال 1353 از سوی اشرف پهلوی برای سفر به آمریکا و شرکت در کمیته مشورتی کنفرانس بین‌المللی سال زن درخواست می‌شود.<sup>112</sup>

محمدرضا شاه هنگام فرار از ایران در 26 دی‌ماه 1357 در سراسر ایران، اروپا و آمریکا 83 کاخ سلطنتی داشت که تنها کاخ نیاوران او در تهران بیش از 9 هزار متر مربع زیربنا داشت و<sup>251</sup>

<sup>108</sup> (1) Canic.

<sup>109</sup> (2) بنگرید به: رضا آذری شهرضایی، اسنادی از عملکرد خاندان پهلوی.

<sup>110</sup> (3) حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، اسناد پایان کتاب.

<sup>111</sup> (4) علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، ص 279.

<sup>112</sup> (5) همان، ص 278.

طی ده سال ساخته شده بود. به اعتراف خود محمدرضا، زمین‌هایی که از پدرش به او رسیده بود، 220 هزار هکتار بود،<sup>113</sup> یا بنابر نقلی دیگر 2/5 میلیون هکتار، یعنی ده برابر آمار پیشین.<sup>114</sup>

اگرچه آمار و اطلاعات دقیقی از املاک و مستغلات شاه و خانواده درجه یک او در خارج از کشور در دست نیست، چند نمونه از املاک قطعی او عبارت است از: چندین هکتار زمین در استرالیا، چند جزیره بزرگ در ایتالیا در مالکیت فرح، اراضی وسیع در سواحل دریاچه ژنو، چهار قصر باشکوه در نقاط اشراف‌نشین پاریس و سوئیس، دهکده سن موریس، یک پیست کامل اسکی و یک کاخ زمستانی در سوئیس، چندین کاخ بزرگ در کالیفرنیا و فلوریدای آمریکا.<sup>115</sup> گفته می‌شود ارزش املاک شاه در خارج از کشور بیش از بیست میلیارد دلار است.<sup>116</sup>

خانواده پهلوی نه تنها امکانات گسترده نظامی، اداری و قانون‌گذاری را در اختیار داشت، بلکه از نظر اقتصادی نیز بزرگ‌ترین قدرت کشور به‌شمار می‌رفت. در سال 1330 محمدرضا شاه برای به جریان انداختن پول‌های حاصل از فروش املاک سلطنتی، اداره‌ای به نام «دفتر املاک اختصاصی» تأسیس کرد. هفت سال بعد سازمانی به نام «بنیاد پهلوی» جایگزین آن شد و در مدتی کوتاه به بزرگ‌ترین تشکیلات اقتصادی و مالی ایران بدل گردید. به‌دست‌دادن میزان دقیق یا حتی نسبتاً دقیق سرمایه و دارایی بنیاد پهلوی ناممکن است. در سال 1356 بنیاد پهلوی در 207 تأسیسات صنعتی و زراعی از جمله 8 مزرعه، 10 کارخانه سیمان، 17 بانک و شرکت بیمه، 23 هتل، 25 شرکت فلزکاری، 25 شرکت کشت و صنعت، 45 شرکت ساختمانی، 17 شرکت صنایع غذایی و ده‌ها شرکت بازرگانی سرمایه‌گذاری کرده بود. از 1352 به بعد بنیاد پهلوی به خرید اموال غیرمنقول در خارج از کشور اقدام کرد. بدین‌رو، در ایران هیچ مؤسسه اقتصادی و مالی مهمی وجود نداشت که شاه و فامیلش در آن سهم نباشند.<sup>117</sup>

انقلاب ایران با استقرار جمهوری اسلامی، از این‌گونه غارت‌ها جلوگیری کرد. امروز کافی

<sup>113</sup> (1) اولیویه وارن، شیر و خورشید، ص 28.

<sup>114</sup> (2) احسان نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ص 94.

<sup>115</sup> (3) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی (قدس سره)، کوثر، ج 1، ص 360.

<sup>116</sup> (4) همان، ج 2، ص 504.

<sup>117</sup> (5) سيدعليرضا از غندی، تاريخ تحولات سياسی و اجتماعی ایران (1357-1320)، ص 240-242.

است کاخ‌های رضاشاه و محمدرضا شاه را با منزل اجاره‌ای 60 متری امام (قدس سره) و حسینیه جماران و یا زندگی ساده و استثنایی مقام معظم رهبری مقایسه کنیم تا حقیقت روشن‌تر گردد.<sup>118</sup>

اگر رضاشاه پس از حدود 17 سال سلطنت از سربازی فقیر به بزرگ‌ترین سرمایه‌دار ایران تبدیل شد، امام‌خمینی (قدس سره) بعد از ده سال رهبری چیزیه دارایی‌اش افزوده نشد و حتی چند قطعه زمین موروثی که از پدرشان بهایشان رسیده بود، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی به محرومان شهرستان خمین بخشیدند.<sup>119</sup>

همچنین آقای دکتر محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور منتخب ملت ایران، فهرست اموال خود را به رئیس قوه قضاییه چنین اعلام می‌کند:

1. یک باب منزل مسکونی به مساحت 175 متر و 127 متر زیربنا، 40 سال سابقه ساخت و در منطقه نارمک تهران؛ 2. حساب جاری بانک ملت شعبه دانشگاه علم و صنعت برای دریافت حقوق از دانشگاه؛ 3. حساب جاری بانک ملی شعبه وزارت کشور مربوط به دوره استانداری اردبیل که در حال حاضر موجودی ندارد؛ 4. یک دستگاه اتومبیل پژو 504 مدل 1977 سفید رنگ؛ 5. دو خط تلفن ثابت شهری.<sup>120</sup>

بنابراین با انقلاب اسلامی ایران فساد مالی گسترده در رژیم پهلوی که چپاول خارجی و غارت داخلی بود، پایان یافت و امروز در عرصه داخلی، «تخلف اقتصادی» به مراتب کمتر از آن دوره است. البته در سال‌های اخیر با تدابیر و دستورهای مقام معظم رهبری درخصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی در برخورد با همین تخلفات، اقدامات خوبی صورت گرفته، ولی بی‌شک نیازمند تلاش بیشتر مسئولانیم.

این در حالی است که وقتی در دوره پهلوی خبرنگار فرانسوی به نام «ولویوه‌وارن» از شاه می‌پرسد: «گفته می‌شود فساد بخشی از اطرافیان شما را در امان نگذاشته است؟» شاه پاسخ می‌گوید: «همه چیز ممکن است، ولی در این مورد به خصوص باید بگویم که این فساد نیست،

<sup>118</sup> (1). بنگرید به: گفتار سوم از فصل پنجم همین کتاب.

<sup>119</sup> (2). روزنامه اطلاعات، 11/4/1368، ص 1.

<sup>120</sup> (3). روزنامه ایران، 11/10/1384، ص 1.

بلکه مثل بقیه رفتار کردن است؟!<sup>121</sup>

همچنین محمدرضا شاه پس از فرار از ایران در کتاب پاسخ به تاریخ در خصوص فساد مالی در دوران حکومتش می نویسد: «وقتی فساد رواج یافت نه تنها در سطح دولت بود، بلکه دامنگیر فرد فرد ملت هم شد ... بنابراین باید بگویم که فساد ذاتی آدمی است ... فساد با استاندارد زندگی متناسب است.»؟!<sup>122</sup>

#### و) شاخصه میزان کارآمدی

آخرین مشخصه ساختار حکومتی پهلوی «بی کفایتی» بود که بخشی از آن را در مباحث گذشته بازگفتیم. بی کفایتی و در مقابل آن کارآمدی در عرصه های اقتصادی، نظامی و فرهنگی را در مباحث آینده پی خواهیم گرفت.

#### گفتار دوم: بررسی تغییرات در ساختار اقتصادی ایران

انقلاب اسلامی ایران، گرچه انقلابی اقتصادی نبود، با سرنگونی رژیم پهلوی و استقرار جمهوری اسلامی تغییراتی در وضعیت، موقعیت و ساختار اقتصادی پدید آورد که هنوز هم ادامه دارد.

برای تبیین دقیق تر این تغییر، در قالب دو مقوله اصلی درآمدها و هزینه ها به نکاتی چندمی پردازیم.

#### الف) بررسی تغییرات انباشت سرمایه در اقتصاد ایران (درآمدها)

در بررسی تغییرات اقتصادی، در مقوله انباشت سرمایه به مقایسه ایران دیروز در نظام پهلوی و ایران امروز در جمهوری اسلامی می پردازیم تا این تغییر آشکارتر شود.

---

<sup>121</sup> (1). اولویه وارن، شیر و خورشید، ص 214.  
<sup>122</sup> (2). محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ص 246.

جدول (4): بررسی تغییرات انباشت سرمایه در اقتصاد ایران (درآمدها)

در تبیین مباحث این جدول نکاتی درخور توجه است:

#### 1. شاخصه جمعیت

جمعیت کشور ایران در سالهای پایانی رژیم پهلوی با نرخ رشد  $3/2$  درصدی حدود 35

میلیون نفر بود. این جمعیت در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در طول 30 سال گذشته به 72 میلیون نفر افزایش یافته و نرخ رشد جمعیت نیز در شرایط فعلی حدود  $1/4$  درصد است که نسبت به سال‌های پیش بسیار کاهش یافته؛ تا جایی که سازمان جهانی بهداشت چندین بار از جمهوری اسلامی ایران به خاطر این کاهش ق‌دردانینموده است.

## 2. شاخصه تولید نفت

نفت در حدود یکصد سال پیش در ایران کشف و روزبه‌روز نقش آن در اقتصاد و سیاست ایران بیشتر شد؛ به‌گونه‌ای که در چند دهه گذشته مهم‌ترین عامل درآمد ارزی کشور صادرات نفت خام بوده است. در دوران پهلوی با برداشت غیرصیانتی از چاه‌های نفت کشور، تولید روزانه حدود 6 میلیون بشکه بود که حتی برخی معتقدند کنسرسیوم نفتی که پس از کودتای 28 مرداد 1332 توسط انگلیس و آمریکا تشکیل شد، بیشتر از این میزان برداشت و چپاول می‌کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست برداشت صیانتی از چاه‌های نفت و حفظ این ثروت ملی برای آیندگان از یک‌سو و عوامل دیگری همانند جنگ تحمیلی و تعیین سهمیه توسط اوپک، کشف نفت در نقاط دیگر دنیا، کاهش نقش اوپک در نفت جهانی و توسعه انرژی‌های جدید از دیگر سو، موجب شد تولید ایران به‌شدت کاهش یابد و حتی به زیر یک میلیون بشکه در روز برسد. گفتنی است که اینک سهمیه ایران در اوپک حدود 4 میلیون بشکه در روز است.

## 3. شاخصه مصرف داخلی نفت

با توجه به جمعیت کمتر و توسعه‌نیافتگی در دوران پهلوی، مصرف داخلی نفت خام که در پالایشگاه‌ها به فرآورده‌های نفتی تبدیل می‌شد، حدود  $0/5$  میلیون بشکه در روز بود که امروز با توجه به روند رو به توسعه کشور، افزایش جمعیت و برخورداری بسیاری از مناطق محروم و روستانشینان از انرژی، مصرف داخلی نفت خام در پالایشگاه‌ها به حدود  $1/6$  میلیون بشکه در روز فزون‌یافته است، اگرچه هنوز در بخش بنزین روزانه حدود 30 میلیون لیتر واردات داریم.

## 4. شاخصه صادرات نفت

میزان صادرات نفت خام از  $5/5$  میلیون بشکه در روز در رژیم پهلوی، اینک به حدود  $2/4$

میلیون بشکه در روز کاهش یافته است.

## 5. شاخصه درآمدهای نفتی

در سال‌های پایانی رژیم پهلوی، حدود 24 میلیارد دلار درآمد ارزی سالانه ایران بود که به قیمت و ارزش آن روز درآمد بسیار خوبی به‌شمار می‌رفت، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی کاهش تولید و افزایش مصرف داخلی و نوسانات قیمت نفت باعث گردید در برخی از سال‌ها درآمد ایران به حدود 6 میلیارد دلار کاهش یابد؛ همانند سال 1365 در دوران جنگ تحمیلی که کشور به درآمدهای ارزی بیشتری نیاز داشت. یکی از نویسندگان غربی در همان ایام می‌نویسد:

با ایران چه کنیم؟ هرچه پول در رگ‌های عراق تزریق شده، نتیجه‌ای نداده است ... تنها یک روزنه امید هست: با سقوط قیمت نفت، ایران ورشکست می‌شود و ماشین جنگی او از کار می‌افتد ....<sup>123</sup>

در سال‌های پس از جنگ، قیمت نفت و درآمد ارزی ایران رشد بیشتریافت، ولی بحران‌ها و شوک‌های نفتی همانند سال 1377 باز قیمت نفت را کاهش داد و درآمد ارزی ایران را به زیر 10 میلیارد دلار رساند.

در سال‌های اخیر روند رو به رشد قیمت نفت سبب شد درآمد ارزی ایران برای اولین بار در سال 1383 به 30 میلیارد دلار و در سال 1386 به 70 میلیارد دلار افزایش یابد در حالی که سالانه حدود 20 میلیارد دلار هزینه صنعت نفت کشورمان است.

## 6. شاخصه ارزش دلار

از آنجا که خرید و فروش نفت خام در سطح جهان به واحد «دلار» صورت می‌گیرد و ارزش دلار در چند دهه گذشته رو به کاهش بود، درآمد حقیقی کشورهای صادرکننده نفت مرتب پایین آمده است؛ زیرا کشورهای صادرکننده نفت خام همانند ایران باید نفت خام خود را به «دلار» بفروشند و سپس مایحتاج خود را از کشورهای اروپایی و ژاپن با واحد «یورو» و «ین» بخرند. بنابراین با کاهش ارزش دلار در مقابل «یورو» و «ین»، قدرت اقتصادی ایران کاهش می‌یابد. در ایام رژیم پهلوی هر دلار با 300 ین ژاپن برابری می‌کرد؛ حال آنکه امروز

هر دلار در حدود 100 ین ژاپن است که در سال 1374 حتی به 79 ین کاهش یافت. همچنین در سال 2000 م یک یورو با 80 سنت آمریکا برابری می‌کرد که اینک در سال 2008 م یک یورو با حدود 1/6 دلار برابری می‌کند، یعنی ارزش دلار 50 درصد کاهش یافته و ارزش حقیقی درآمد نفتی کشورمان 50 درصد طی چند سال کاهش یافته است.

گفتنی است در سال 1356 در دوران پهلوی درآمد ارزی ایران از صادرات نفت خام، 24 میلیارد دلار یا به عبارتی 7200 میلیارد ین بوده است؛ درحالی‌که در سال 1386 درآمد نفتی ایران 70 میلیارد دلار و یا 7000 میلیارد ین بوده که این کاهش به‌خوبی محسوس است. از سال 1386 جمهوری اسلامی فروش نفت به یورو و ین در کنار دلار آغاز کرده است.

#### 7. شاخصه درآمد سرانه نفتی

با تقسیم درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام بر جمعیت کشور، شاخص «سرانه نفتی» به‌دست می‌آید. در سال‌های پایانی رژیم پهلوی سرانه هر ایرانی حدود 700 دلار و یا 210 هزار ین ژاپن بود که در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل کاهش درآمد و افزایش جمعیت دست‌کم به 120 دلار و حداکثر در سال 1386 به حدود 700 دلار و یا 70 هزار ین ژاپن کاهش یافته است.

#### 8. شاخصه تورم جهانی

از سوی دیگر، شاخصی همانند «تورم جهانی» همواره بر انباشت سرمایه در کشور ما اثرگذار بوده است. از آنجا که ایران با صادرات نفت خام، نیازهای خود را از بازار جهانی خریداری و وارد می‌کند، تورم قیمت‌ها در سطح جهان بر انباشت سرمایه در اقتصاد کشور تأثیر منفی می‌گذارد. مثلاً قیمت هر تن بنزین وارداتی ایران از 270 دلار در فروردین 1383 در اثر بالا رفتن قیمت نفت خام افزایش یافت و در سال 1387 حتی به 1200 دلار رسیده است.

بنابراین اگر قیمت نفت خام افزایش یابد و درآمدهای ارزی ایران فزونی یابد، در اثر تورم جهانی و افزایش قیمت‌ها در دنیا، تقریباً این افزایش قیمت نفت خام خنثی خواهد شد.

#### 9. شاخصه توقعات و الگوی مصرف

برای انباشت سرمایه بیشتر و سرمایه‌گذاری مناسب در توسعه اقتصادی باید سطح مصرف و

انتظارات مردم در حد قابل قبولی باشد و اگر میزان مصرف افزایش یابد و پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری کافی صورت نگیرد، اقتصاد با بحران روبه‌رو می‌شود. در سال‌های رژیم پهلوی حدود 60 درصد مردم زندگی روستایی داشتند و مصرف بسیار ناچیز بود و در شهرها نیز سطح مصرف و انتظارات و قدرت خرید پایین بود، اما در دوران جمهوری اسلامی با افزوده شدن بر جمعیت شهری و توسعه مناطق روستایی و بالارفتن قدرت خرید، الگوی مصرف پیچیده شده و انتظارات نیز بالاتر رفته است که این خود بر انباشت سرمایه تأثیری منفی دارد.

#### 10. شاخصه موانع توسعه اقتصادی

به جز موارد پیش‌گفته و تغییرات پدیدآمده در آنها که در انباشت سرمایه بسیار مؤثر است، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران با حوادث و رخدادهایی روبه‌رو بوده‌ایم که موانع بسیاری در راه تحول اقتصادی ایران پدید آورد؛ موانعی که بی‌گمان در دوران پهلوی وجود نداشت. حال به برخی از این موانع مهم می‌پردازیم:

یک. با فرار خاندان پهلوی از ایران در سال 1357 ثروت بسیاری از ایران خارج گردید و نظام جمهوری اسلامی را با خزانه خالی مواجه کرد؛ چنان‌که بنا به دادخواست دولت جمهوری اسلامی، محمدرضا و همسرش 35 میلیارد دلار پول مردم را به سرقت برده‌اند.<sup>124</sup>

محمدرضا پهلوی در سال 1358 در مصاحبه با خبرنگاری انگلیسی به‌نام دیوید فراست، در پاسخ به این پرسش که میزان ثروت شما چقدر است، گفت:

خیلی‌ها فکر می‌کنند من دارای ثروت زیادی هستم. ثروت من از خیلی از میلیونرهای آمریکایی کمتر است و بدان مقدار که می‌گویند، نیست. یک روز من به یکی از همین افراد گفتم که چقدر دارایی من را می‌خرد. با کمال صراحت می‌گویم که حاضرم تمام دارایی خود را 25 تا 56 میلیارد دلار بفروشم!<sup>125</sup>

این اعتراف شاه، عمق غارت و چپاول منابع ارزی ایران را می‌نمایاند. برای روشن شدن این غارت کافی است چند مطلب را نیز بدانیم:

<sup>124</sup> (1). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، کوثر، ج 1، ص 334.

<sup>125</sup> (2). روزنامه کیهان، 1358.

- شاهدان عینی گفته‌اند چند فروند هواپیمای 031C-

نیروی هوایی، اشیای قیمتی متعلق به اشرف را به خارج حمل کرده‌اند.<sup>126</sup>

- در یک حراج جواهر در لندن (در سال 1359 ش) یک دلال ناشناس بلژیکی مبلغ 7 میلیون دلار برای خرید یک جفت گوشواره الماس متعلق به فرح پهلوی پرداخت کرده است.<sup>127</sup>

- به گزارش روزنامه تایمز لندن (در فروردین 1370 ش) همسر صدام حسین 640 میلیون دلار جواهرات از همسر شاه سابق ایران خریداری کرده است.<sup>128</sup>

وقتی ارزش یک جفت گوشواره در سال 1359 ش، 7 میلیون دلار است، ارزش طلا، جواهر و اشیای گران‌قیمتی که شاه و فرح در 380 ساک و چمدان با خود برده‌اند، چقدر است؟

دو. در ماه‌های پایانی رژیم پهلوی، عوامل و وابستگانِ دربار با گرفتن وام‌های سنگین و خروج سرمایه‌های کشور و انتقال آنها به بانک‌های خارجی، نظام بانکی کشور را ورشکسته کردند. روزنامه اطلاعات در تاریخ 17/10/1357 مطلبی را بدین قرار منتشر کرد:

جامعه کارکنان بانک مرکزی ایران با انتشار فهرستی، اسامی 178 تن از عناصر معروف را که هر یک طی دو ماهه شهریور و مهر 1357 مبالغی بیش از 10 میلیون تومان ارز خارج کرده بودند، منتشر کرد. جمع مبلغ لیست مذکور به انضمام 17 فقره حواله رمزی، بیش از 16 میلیارد تومان است. آنهم در زمانی که حقوق یک کارگر ماهانه 620 تومان است.

همچنین در گزارش دیگری می‌خوانیم:

گزارش‌های غیررسمی حاکی است که در روزهای بحرانی کشور، روزانه بالغ بر 50 میلیون دلار پول به وسیله سرمایه‌داران و حتی افراد صاحب درآمد متوسط، از کشور خارج شده است.<sup>129</sup>

سه. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و قطع سلطه آمریکا و انگلیس از ایران، توطئه‌های

<sup>126</sup> (1). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی (قدس سره)، کوثر، ج 1، ص 593.

<sup>127</sup> (2). روزنامه کیهان، 1359/8/24.

<sup>128</sup> (3). روزنامه جمهوری اسلامی، 1370/1/15.

<sup>129</sup> (4). روزنامه اطلاعات، 1357/7/1.

آنان علیه ملت ایران آغاز شد که در یک مورد با مسدود کردن اموال و دارایی‌های ایران در اروپا و آمریکا نزدیک به 20 میلیارد دلار از ثروت ملت ایران را بلوکه کردند.

در سال‌های گذشته، جمهوری اسلامی ایران با طرح شکایت در دادگاه لاهه و همچنین قرارداد الجزایر در سال 1359 هنگام آزادسازی گروگان‌های آمریکایی توانست بخشی از این ثروت هنگفت را پس گیرد، ولی هنوز بخش زیادی از آن - که به ارزش امروز چند صد میلیارد دلار می‌شود - در اروپا و آمریکا مسدود است که این خود در کاهش انباشت سرمایه در کشور تأثیری بسزا داشته است.

چهار. در شرایطی که هنوز آمریکایی‌ها تمام طلب ملت ایران را نداده‌اند، ولی در سال‌های گذشته شرکت‌های آمریکایی و اروپایی در دادگاه لاهه مدعی شدند رژیم پهلوی به آنان بدهی داشته است و بدین ترتیب پول‌هایی را نیز دریافت کردند. برای مثال، آمریکا مدعی شد در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تعدادی ماشین جیب نظامی و چادر نظامی به ایران داده‌اند که هنوز پول آنرا دریافت نکرده‌اند.

پنج. یکی دیگر از مسائلی که در انباشت سرمایه و درآمدها و مسائل اقتصادی ایران تأثیری منفی نهاد، تحریم‌ها و تهدیدات و محاصره اقتصادی دشمنان در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در ادامه چند نمونه این اقدامات را یادآور می‌شویم:

در گزارش «گروه مطالعات ریاست جمهوری آمریکا» که به امضای چهل دولتمرد سابق و فعلی آمریکا رسیده است، چنین آمده:

دولت آمریکا باید مانع سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران شود.<sup>130</sup>

الگور، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا اعلام کرد:

دولت آمریکا به تلاش خود برای قطع همکاری‌های فناوریک سایر کشورهای صنعتی با ایران ادامه خواهد داد؛ زیرا واشنگتن در عدم دستیابی مردم ایران به فن‌آوری‌های

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 122

پیشرفته مصمم است.<sup>131</sup>

کلینتون، رئیس جمهور آمریکا می گوید:

ما از تمامی دوستانمان در جهان می خواهیم که از داشتن مناسبات اقتصادی با ایران اجتناب کنند.<sup>132</sup>

رابرت پلینترو، معاون وزیر خارجه آمریکا نیز اعلام می کند:

آمریکا مصمم است از تمامی امکانات و ابزارهایی که در اختیار دارد، برای تضعیف توانایی های مالی و اقتصادی ایران استفاده نماید ... ما از استمهال بدهی ها ممانعت کردیم و با اعطای وام به ایران توسط بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیز مخالفت خواهیم کرد.<sup>133</sup>

داماتو - سناتور آمریکایی و پیشنهاددهنده تحریم اقتصادی ایران - در جلسه فرعی کمیته روابط بین الملل مجلس نمایندگان آمریکا گفت:

باید کاری کنیم که زندگی برای ایرانیان مصیبت بار شود. هدف تحریم، تغییر سیاست جاری ایران نیست، بلکه هدف صدمه زدن به مردم ایران است.<sup>134</sup>

بان کانن، قائم مقام رئیس C. I. A

نیز ضمن گزارش به مجلس سنای آمریکا اعلام کرد:

فشارها و تحریم های ما ضربه های اقتصادی و روانی عمده ای به تهران وارد ساخته و ایران را با مشکلات اساسی مواجه ساخته است. تحریم های ما و سایر اقداماتی که انجام داده ایم، باعث توقف یا تأخیر پروژه های عمده و زیربنایی ایران، افزایش قیمت ها، رشد بیکاری و اختلال در تعمیر و نگهداری تأسیسات شده است.<sup>135</sup>

در 30 سال گذشته، استکبار جهانی با قراردادن ملت ایران به جرم اعلام «استقلال، آزادی

---

<sup>131</sup> (1) حسن واعظی، ایران و آمریکا، ص 137.

<sup>132</sup> (2) همان، ص 125.

<sup>133</sup> (3) همان.

<sup>134</sup> (4) همان، ص 137.

<sup>135</sup> (5) روزنامه جمهوری اسلامی، 1380 / 2 / 29، ص 2.

و جمهوری اسلامی» در محاصره و تحریم اقتصادی، در صددند ایران اسلامی را به تسلیم وادارند. اگرچه این تحریم‌ها مشکلاتی را پدید آورده، اما از سویی دیگر در خودکفایی و استقلال و روحیه «خودباوری» نیز اثرگذار بوده است.

شش. بی‌گمان از موانع بسیار مهم در برابر انباشت سرمایه و اقتصاد ایران، «جنگ‌تحمیلی» و خسارات اقتصادی این تهاجم سراسری بوده است.

با گذشت حدود سه سال از پایان جنگ، هیئتی از سازمان ملل متحد - در قالب اجرای بند هفتم قطعنامه 598- به سرپرستی عبدالرحیم ابی‌فرح در خرداد 1370 وارد ایران شدند تا خسارات جنگ تحمیلی در ایران را برآورد کنند. این هیئت تنها 21 روز در ایران بودند.

هیئت پس از ملاقات‌ها و بازدیدهای مفصل، گزارش خود را به دبیرکل سازمان ملل تسلیم کرد. دبیرکل گزارش مشروح هیئت را طی سند شماره S/22863 مورخ 31 ژوئیه 1991 م در اختیار شورای امنیت گذاشت. گزارش هیئت تأیید کرد که بر اثر حمله رژیم بعث عراق 5 استان کشور صحنه نبرد و 11 استان دیگر مورد حمله واقع شده است. این دوسوم جمعیت ایران را شامل می‌گردد. 50 شهر و 4 هزار روستا بر اثر جنگ خسارت دیده‌اند. این هیئت همچنین عمق و وسعت خسارت وارد بر صنایع نفت، گاز، حمل و نقل، نیرو، مخابرات، بنادر و پایانه‌ها، کشاورزی و زمین‌ها، صنایع خرما و به‌طور کلی زیربنای اقتصادی را تأیید کرد. هیئت، اقدامات بازسازی از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران را تحسین کرد. خسارات مستقیم وارد بر جمهوری اسلامی ایران به نظر هیئت بیش از 97 میلیارد دلار تخمین زده شد.<sup>136</sup>

در سال‌های پس از جنگ، سازمان برنامه و بودجه، در برآوردی اعلام کرد خسارات مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی جنگ تحمیلی برای جمهوری اسلامی ایران حدود 1000 میلیارد دلار بوده است.

در هر حال این جنگ نه‌تنها فرصتی هشت ساله را از ایران اسلامی گرفت، بلکه به میزان ده‌ها سال سرمایه‌های ایران را نابود و خساراتی را در بخش‌های مختلف ایجاد کرد و ظرفیت‌های محدود موجود را نیز از بین برد.

نتیجه‌گیری تغییرات انباشت سرمایه در اقتصاد ایران: اگر شاخصه‌هایی همانند افزایش

<sup>136</sup> (1). علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ص 495.

جمعیت، کاهش تولید و صادرات نفت خام، کاهش ارزش دلار و افزایش تورم جهانی را توأمان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، درخواستیم یافت:

درآمدهای ارزی کشور تا حدود یک پانزدهم کاهش حقیقی داشته است؛ یعنی اگر در سال 1386 به میزان 700 میلیارد دلار درآمد ارزی داشتیم، با 24 میلیارد دلار دوران پهلوی برابر بوده است، درحالی که تنها 70 میلیارد دلار از صادرات نفت درآمد ارزی به دست آورده ایم.

از دیگر سو، اگر ایجاد موانع متعدد - که در شش مورد بدانها پرداختیم - مورد توجه قرار گیرد، عمق فاجعه در کاهش درآمدهای دولت آشکارتر خواهد شد. در مباحث بعدی پی می گیریم که نظام جمهوری اسلامی با این درآمد کمتر و موانع بسیار، در توسعه و عمران کشور چه اقداماتی انجام داده است.

#### ب) بررسی تغییرات توسعه‌ای و عمرانی ایران (هزینه‌ها)

اینک برآنیم با طرح برخی شاخص‌های توسعه‌ای و عمرانی، تغییرات صورت گرفته از دوره رژیم پهلوی تا نظام جمهوری اسلامی را در راستای حرکت به سوی پیشرفت و توسعه بررسی کنیم تا توسعه و عمران کشور با توجه به درآمد کمتر و موانع بیشتر روشن گردد.<sup>137</sup>

ده شاخص اصلی توسعه و عمران بدین قرار است:<sup>138</sup>

#### 1. شیوه‌زندگی

#### نمایش تصویر

در رژیم پهلوی بیشتر جمعیت 35 میلیونی کشور در روستاها بدون کمترین امکانات

---

<sup>137</sup> (1). بنگرید به: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور؛ شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، رهنوشته انقلاب؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، گزارش اقتصادی؛ همو، گزارش ربع قرن عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران؛ همو، هفته‌نامه خبری-تحلیلی برنامه؛ مؤسسه فرهنگی قدرو لایت، دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران؛ علی‌اکبر کلانتری، رویش؛ درآمدی بر کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران.  
<sup>138</sup> (2). کلیه آمارها در این ده شاخص در دوران پهلوی مربوط به سال‌های 1355 تا 1357 و در دوران جمهوری اسلامی مربوط به سال‌های 1384 تا 1386 و در مواردی 1387 است.

زندگی می‌کردند، اما امروز بسیاری از روستاها به شهر تبدیل شده‌اند و از امکانات مناسب‌تری برخوردارند. حدود 70 درصد جمعیت 72 میلیونی ایران در شهرها زندگی می‌کنند و حتی روستاها از نظر عمرانی وضعیت بسیار مناسب‌تری دارند و شهرها نیز توسعه بیشتری یافته‌اند.

## 2. عمران روستایی

### نمایش تصویر

در دوران پهلوی، روستاییان از حداقل امکانات و رفاه برخوردار نبودند. برای مثال، در استان سیستان و بلوچستان در سال 1357 تنها 33 روستا برق داشت که در سال 1383 این تعداد به 2778 روستا افزایش یافته است.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی در راستای تحقق عدالت اجتماعی، با تأسیس «جهاد سازندگی» به دستور امام خمینی (قدس سره) و کمیته امداد حضرت امام (قدس سره) چهره روستاهای عقب‌مانده متحول شد و حتی مناطقی مانند «بشاگرد» حدود 2 سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشف شد که مردمش تقریباً مانند انسان‌های اولیه زندگی می‌کردند. اکنون این منطقه - در نزدیکی بندرعباس - بسیار تغییر یافته است. برای نمونه، در سال 1385 سد جگین با هزینه‌ای بالغ بر 40 میلیارد تومان برای بهبود کشاورزی مردم این منطقه افتتاح شد.

همچنین روند مهاجرت روستائیان به شهرها از سال 1375 تاکنون تنها نیمدرصد رشد داشته که نشان از موفقیت نسبی طرح‌های توسعه روستایی می‌باشد.<sup>139</sup>

### 3. کشاورزی و دامپروری

#### نمایش تصویر

امنیت غذایی از ارکان جامعه توسعه یافته است که با اقدامات رژیم پهلوی و نابودی کشاورزی از میان رفت؛ تا آنجا که ایران با وارد کردن محصولات از این دست، از بزرگ ترین واردکنندگان مواد غذایی به شمار می رفت: پنیر از دانمارک، تخم مرغ از اسرائیل، گوشت از استرالیا، گندم از آمریکا، مرغ از فرانسه، سیب زمینی و پیاز از پاکستان و جزاینها. ایران در حالی بیش از 50 درصد مواد غذایی را از خارج وارد می کرد که 60 درصد مردم آن روستا نشین بودند، اما اینک با جمعیت 72 میلیونی و بیشتر شهرنشین، حدود 5 درصد مواد غذایی مورد نیاز را وارد می کنیم؛ ضمن آنکه تراز بازرگانی بخش کشاورزی نیز مثبت است، بدین معنا که بیش از میزان واردات، صادرات کشاورزی داریم.

کشوری که تا پیش از اصلاحات آمریکایی در سال 1341 از لحاظ مواد غذایی خودکفا و حتی صادرکننده گندم بود، متأسفانه به بزرگ ترین واردکننده محصولات غذایی در سال 1357 تبدیل می شود. برای نمونه، در سال 1356 میزان واردات گندم ایران به بیش از یک میلیون و چهارصد هزار تن رسید. همچنین در سال 1351 واردات کالاهای کشاورزی بالغ بر 13 / 7 میلیارد ریال بود، تا اینکه در سال 1356 به 109 / 7 میلیارد ریال رسید.<sup>140</sup>

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کشاورزی با تحولات بزرگی روبه رو بوده ایم. برای مثال، از سال 1383 با سالانه تولید بیش از 15 میلیون تن گندم، پس از 40 سال به خودکفایی رسیده و در سال 1386 به صادرکننده گندم تبدیل شده ایم.

ایران از لحاظ اقلیمی در منطقه ای خشک و نیمه خشک قرار گرفته و متوسط بارندگی سالانه آن کمتر از 250 میلی متر است که از متوسط جهانی، یعنی 750 میلی متر بسیار کمتر است. به همین رو، ایران نیازمند سدسازی است تا با ذخیره آب های سطحی، آن را بهره برداری کند.

<sup>140</sup> (1). شاپور رواسانی، دولت و حکومت در ایران، ص 210 و 211.

در رژیم پهلوی با همه درآمدهای زیاد و آن‌هم به‌دست مهندسان غربی، تنها 13 سد مخزنی در 12 استان کشور ساخته شد، ولی در جمهوری اسلامی در طول 30 سال گذشته با کمبود درآمدهای ارزی و مشکلاتی همانند جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی، به‌دست جوانان ایران اسلامی 500 سد در 29 استان ساخته‌ایم. اینک جمهوری اسلامی ایران سومین سدساز بزرگ دنیاست و در 12 کشور نیز در حال اجرای پروژه‌های بزرگ آبی هستیم.<sup>141</sup>

اگر «سد دز» در رژیم پهلوی با طراحی آمریکا، ساخت ایتالیا و بهره‌برداری کانادایی‌ها ساخته شد، اکنون در یک نمونه، «سد کارون 3» با طراحی، ساخت و بهره‌برداری ایرانی و ظرفیتی بیش از 4 برابر سد دز ساخته شده است. سدخاکی کرخه نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین سد خاکی خاورمیانه و ششمین سد خاکی دنیا، به‌دستان مهندسان ایرانی ساخته می‌شود تا شعار «ما می‌توانیم» در عمل اثبات گردد.

#### 4. صنعت و معدن

##### نمایش تصویر

ازجمله شاخصه‌های توسعه‌یافتگی، صنعت، معدن و فناوری‌های مورد استفاده در این بخش است. ایران دوران پهلوی از کمترین سطح فناوری و صنعت برخوردار بود و اصولاً صنایع مونتاژ همه هویت صنعت محدود ایران را شکل می‌داد؛ آن‌هم زیر نظر مستشاران خارجی و با نبود توان ملی و تکنولوژیک.

اروپا از قدیم با مانع‌تراشی در برابر ایران به غارت و چپاول و سلطه‌گری خود می‌پرداخته تا برای ایرانیان پیشرفتی حاصل نگردد. زمانی در دوره قاجاریه سرگور اوزلی، سفیر انگلیس در ایران به لرد کاسلری، وزیر خارجه انگلیس می‌نویسد: «باید ایران در ناتوانی و وحشی‌گری بماند».<sup>142</sup> آنتونی پارسونز، آخرین سفیر انگلیس در رژیم پهلوی نیز در کتابش اوضاع ایران را در سال 1974 (1353 ش) این‌گونه تشریح کرده است:

ایران یکی از کشورهای جهان‌سوم است. بنابراین اولین کاری که اینجا می‌کنید، این است که تا می‌توانید، کالاهایتان را بفروشید و فقط در صورتی سرمایه‌گذاری کنید که برای فروش کالاهایتان چاره‌ای جز این کار نداشته باشید. اما اگر مجبور باشید در اینجا سرمایه‌گذاری کنید، به میزان حداقل ممکن سرمایه‌گذاری نمایید و صناعی را انتخاب کنید که قطعات و لوازم آن از انگلستان وارد شود؛ مانند صنایع مونتاژ که درواقع سوارکردن قطعات صادراتی انگلیسی در ایران است. در این محدوده و با توجه به این نکات، من معتقدم که ایران یکی از بهترین بازارهایی است که شما می‌توانید برای مصرف کالاهای خود در جهان‌سوم پیدا کنید.<sup>143</sup>

همچنین ارهارد، معاون صدراعظم آلمان غربی در مهرماه 1340 در ایران اعلام کرد:

ایران نیازی به صنایع سنگین و پیشرفته ندارد و باید کشوری کشاورزی باقی بماند.<sup>144</sup>

اما با انقلاب اسلامی، فصل‌نویسی در صنایع و معادن ایران آغاز شد که هنوز ادامه دارد. در نانوفناوری، زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات و فناوری هسته‌ای که از علوم استراتژیک به‌شمار می‌روند، جایگاه نسبتاً شایسته‌ای یافته‌ایم. امروز در فناوری هسته‌ای که از مهم‌ترین بخش‌های صنعت دنیای امروز است - و ایران دیروز از آن محروم بود - با همت و تلاش جوانان، آن‌هم با متوسط سنی 27 سال، همه مراحل چرخه سوخت هسته‌ای را به شکل بومی داریم؛ چنان‌که 20 فروردین 1385 روز پرافتخار ایرانیان در تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای و

<sup>142</sup> (1) عبدالهادی حائری، نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب، ص 262.

<sup>143</sup> (2) ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 275.

<sup>144</sup> (3) روزنامه اطلاعات، 18/7/1340، ص 3.

ورود به باشگاه هسته‌ای جهان به‌عنوان هشتمین کشور در دنیاست.<sup>145</sup> همچنین مراحل ساخت اولین نیروگاه اتمی ایرانی به‌دست متخصصان کشورمان در استان خوزستان شروع شده است. در شهریورماه 1385 نیز پروژه عظیم تولید «آب سنگین» در اراک افتتاح گردید تا ما در این خصوص نهمین کشور دنیا باشیم.

در عرصه فناوری هوا- فضا که در دوران پهلوی از هیچ توانمندی برخوردار نبودیم، سال‌های پس از انقلاب اسلامی سازمان صنایع هوا- فضا تأسیس و سپس در آبان 1384 اولین ماهواره کشورمان به‌نام «سینا 1» به فضا فرستاده شد و در مدار 700 کیلومتری زمین قرار گرفت. اکنون دو ماهواره «مصبح» و «زهره» نیز در حال اتمام است.

در حال حاضر تنها 42 کشور در فضا ماهواره دارند که همه آنها فناوری ساخت ماهواره را ندارند و ایران دوازدهمین کشور دنیاست که دارای فناوری ساخت ماهواره است.

همچنین در اسفند 1385 نخستین «راکت کاوشی» جمهوری اسلامی به فضا پرتاب گردید و بدین ترتیب ایران به باشگاه فضایی جهان (WSC)

و شش عضوآن (آمریکا، روسیه، ژاپن، هند، چین و آژانس فضایی اروپا) پیوست.

از طرف دیگر، در 15 بهمن 1386 با پرتاب موفقیت‌آمیز ماهواره ایرانی «سفیر» به فضا، طراحی و ساخت ماهواره «امید»، افتتاح نخستین مرکز فضایی بومی و سامانه پرتاب ماهواره به فضا، جمهوری اسلامی ایران در شمار یازده کشور جهان در فناوری پرتاب ماهواره قرار گرفت و با پرتاب ماهواره‌بر سفیر و قرار دادن ماکت ماهواره امید در مدار زمین در 27 مرداد 1387 در جمع هفت کشور برتر جهان در این تکنولوژی قرار گرفتیم تا در آینده نزدیک ماهواره امید را در مدار 700 کیلومتری زمین قرار دهیم.

همچنین جمهوری اسلامی ایران در اردیبهشت 1387 به‌عنوان دهمین کشور جهان دارای تکنولوژی ساخت ایستگاه متحرک دریافت تصاویر ماهواره شد.

در زمینه صنعت و فناوری ساخت هواپیما- که در سال‌های رژیم پهلوی حتی نمی‌توانستیم تعمیرات جزئی هواپیماهای مسافربری، باربری و نظامی را انجام دهیم- اینک با

---

<sup>145</sup> (1). بنگرید به: محسن نصری، شکوه ملی در فناوری هسته‌ای.

همکاری اوکراین در حال ساخت هواپیمای مسافربری ایران 140 هستیم که سه فروند آن در ناوگان هوایی کشور مورد استفاده قرار گرفته است. قرارداد صادرات پنجاه فروند هواپیمای دونفره نیز با کشورهای اروپایی و آسیایی منعقد گردیده و تعمیرات اساسی هواپیماهای پهن‌پیکر (اورهال) را نیز در ایران انجام می‌دهیم.

همچنین صنایع هواپیمایی ایران (صها) توانسته است نخستین موتور جت مافوق صوت کشور با نام «طلوع 4» را به دست متخصصان ایرانی بسازد و به‌زودی نوع جدیدتر آن به نام «طلوع 5» نیز به تولید می‌رسد. بدین ترتیب، ایران یکی از پنج کشور دارای فناوری ساخت موتور جت است و به پنج کشور نیز فناوری هوایی صادر می‌کند.<sup>146</sup>

در عرصه صنعت نفت که از صنایع مادر کشورمان به‌شمار می‌رود - و دارای پیشینه یک‌صد ساله اکتشاف نفت است - در سال‌های پایانی رژیم پهلوی به 4 درصد خودکفایی در این صنعت رسیده بودیم، اما اینک 80 درصد خودکفایی و حتی در تعدادی از کشورها در مناقصه‌های بین‌المللی صنعت نفت برنده، و از قابلیت صادرات خدمات فنی مهندسی نیز برخوردار شده‌ایم.

در صنعت پتروشیمی که در حال حاضر از مهم‌ترین صنایع دنیاست، از تولید حدود 1/6 میلیون تن محصولات پتروشیمی در دوران پهلوی به ظرفیت تولید 38 میلیون تن در سال رسیده‌ایم و در حال ساخت 20 مجتمع پتروشیمیدر سراسر کشور نیز هستیم. این در حالی است که در سال 2004 مقام دوم منطقه در تولیدات پتروشیمی و مقام اول سرمایه‌گذاری در این صنعت را در جهان کسب کردیم.

صنعت فولاد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین صنایع در توسعه هر جامعه محسوب می‌شود. در نظام پهلوی تنها کارخانه ذوب‌آهن اصفهان که به دست نیروهای متخصص شوروی ساخته شد، 0/5 میلیون تن تولید داشت، اما اینک در صنعت فولاد به تولید 15 میلیون تن در سال رسیده‌ایم که مقام بیستم تولید دنیا و مقام چهاردهم مصرف در سال 2004 است. حتی در فناوری تولید فولاد از توانمندی‌های خوبی برخوردار شده و چندین کارخانه تولید آهن و فلزات آلیاژی را ایجاد کرده‌ایم.

در صنعت خودروسازی پس از 80 سال با تولید «موتور ملی» با پایه گازسوز، وارد مرحله

نوبتی در سطح جهان شده‌ایم. این موتور به‌عنوان اولین موتور گازسوز جهان به تولید انبوه رسیده و با گواهینامه «یورو 4» جزو سه موتور برتر دنیاست. همچنین از تولید سالانه 100 هزار خودرو مونتاژ به سالانه 1/2 میلیون خودرو با حدود 70 درصد تولید داخل رسیده‌ایم.

همچنین اینک به 40 کشور جهان خودرو و قطعات آن را صادر می‌کنیم که کشورهایی مانند ایتالیا، بلغارستان و لهستان از اتحادیه اروپا و روسیه، چین، ترکیه، امارات، اکراین، مصر، آذربایجان و ... از خریداران خودرو سمند سورن با 98 درصد تولید داخل می‌باشند.<sup>147</sup>

در بخش معادن نیز توانسته‌ایم از تولید سالانه 20 میلیون تن مواد معدنی در پیش از انقلاب به ظرفیت تولید 220 میلیون تن در سال برسیم و معادن کشور را برای مصارف داخلی و صادرات توسعه بخشیم.

همچنین از صنعت محدود وابسته و مونتاژ با حضور مستشاران خارجی، اینک به صادرات خدمات فنی و مهندسی رسیده‌ایم که در سال 1384 به 1/5 میلیارد دلار و در سال 1385 به 2 میلیارد دلار افزایش یافته است، اگرچه ظرفیت بالقوه سالانه 7 میلیارد دلار خدمات فنی و مهندسی داریم.<sup>148</sup> همچنین طی ده سال گذشته، حدود 233 پروژه پیمانکاری از سوی شرکت‌های ایرانی در 33 کشور دنیا اجرا شده است.<sup>149</sup>

## 5. خدمات عمومی

در دوران پهلوی در زمینه خدمات عمومی و رفاهی مردم نه تنها روستاها، بلکه شهرها نیز از این خدمات به‌صورت گسترده‌ای محروم بودند.

ایران پس از روسیه، دومین منابع و ذخایر گازی دنیا را با 17 درصد داراست. در دوران پهلوی با توجه به درآمد‌های ارزی فراوان از صادرات نفت و با داشتن موقعیت مناسب برای تبدیل منابع زیرزمینی به منابع رو زمینی به منظور رفاه اجتماعی - اقتصادی، متأسفانه به آن پرداخته نشد و تنها بخشی از پنج شهر (تهران، اصفهان، اهواز، شیراز و فولادشهر) دارای گاز طبیعی بودند. برای نمونه، در شهر اصفهان فقط برای خانه‌های آمریکاییان ساکن در این شهر و در فولادشهر نیز برای منازل متخصصان شوروی گازرسانی شده بود.

<sup>147</sup> (1). روزنامه اعتماد، 17/ 6/ 1387، ص 12.

<sup>148</sup> (2). روزنامه ایران، 28/ 8/ 1385، ص 21.

<sup>149</sup> (3). روزنامه کیهان، 4/ 9/ 1385، ص 4.

اما در عصر جمهوری اسلامی تا سال 1385، 660 شهر کشور به شبکه گاز طبیعی پیوسته و 85 شهر نیز در دست گازرسانی است و این پروژه در 5 هزار روستا نیز در حال اجراست. در حال حاضر 5/ میلیون انشعاب گاز واگذار شده و سالانه یک میلیون انشعاب جدید نیز واگذار می‌شود و بیش از 54 میلیون نفر تحت پوشش استفاده از گاز طبیعی قرار دارند. بدین‌رو، سهم گاز در سبد انرژی کشور از یک درصد به 60 درصد فزونی یافته است. از سوی دیگر، در میدان گازی پارس جنوبی که بزرگ‌ترین میدان گازی دنیاست - و ایران با قطر در آن شریک است - 25 فاز تعریف شده که هشت فاز آن به بهره‌برداری رسیده و پنج فاز نیز در حال اجراست. سالانه حدود 150 میلیارد متر مکعب مصرف داخلی گاز طبیعی کشور است که معادل 5/ 3 میلیون بشکه نفت در روز می‌باشد. همچنین 5/ 3 میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه صادر می‌کنیم که تقریباً معادل همین اندازه واردات از ترکمنستان است.

در بخش برق، تولید بیش از 12 برابر شده و ایران مقام اول خاورمیانه و نوزدهم دنیا را دارا است. مشترکان برق نیز حدود 7 برابر شده‌اند و در صنعت نیروگاهی 100٪ تجهیزات

بخش توزیع، بیش از 95٪ از تجهیزات بخش انتقال و بیش از 70٪ تجهیزات بخش تولید در داخل کشور ساخته و به بسیاری از کشورهای منطقه و حتی اروپا تجهیزات صنعت برق صادر می‌شود. در ساخت توربین گازی نیروگاهی نیز جزء ده کشور اول دنیا و پس از ژاپن مقام دوم آسیا را داریم؛ درحالی‌که سال‌های قبل از انقلاب زیر 1 درصد خودکفایی داشتیم.

درخصوص ارتباطات نیز در رژیم پهلوی تنها 800 هزار خط تلفن ثابت وجود داشت که اولین خط تلفن در سال 1269 ش در ایران راه‌اندازی شد و اینک به 40 میلیون خط تلفن ثابت رسیده است. اکنون با فاصله چندسال از کشورهای اروپایی بیش از 30 میلیون تلفن همراه به مردم واگذار شده که در سال 1386 این واگذاری به ماهانه حدود 1 میلیون رسیده است. این در حالی است که از 75 هزار کیلومتر فیبر نوری نیز برخوردار شده‌ایم که سال‌های قبل از انقلاب حتی یک سانتی‌متر نداشتیم؛ درحالی‌که بهره‌گیری از فیبر نوری از دهه 1960 م در دنیا آغاز شده است.

طبق گزارش سازمان جهانی ارتباطات، ایران در سال 2000 در ارتباطات رتبه 128 را حایز گردیده که در سال 2002 به 77 و در سال 2004 نیز به حدود 60 ارتقا یافته است.

در بخش آب و فاضلاب نیز پیشرفت بسیاری داشته‌ایم و پروژه‌های متعددی در دست احداث است تا جمعیت شهری و روستاهای بیشتری در رفاه قرار گیرند.

## 6. حمل و نقل

### نمایش تصویر

شبکه حمل و نقل کشور به‌عنوان یکی از زیرساخت‌های توسعه و عمران، در دوران پهلوی توسعه و ظرفیت مناسبی نداشت، اما اکنون از لحاظ کیفی و کمی وضعیتی نسبتاً مطلوب داریم. راه‌های اصلی و فرعی کشور حدود پنج برابر افزایش یافته و به‌خصوص در مناطق محروم این تغییر چشمگیرتر است. برای مثال، در استان چهارمحال و بختیاری طول راه‌ها از 100 کیلومتر پیش از انقلاب اسلامی، اکنون به حدود 3 هزار کیلومتر رسیده و بیش از هزار کیلومتر راه در

دست احداث است. خطوط راه آهن به بیش از دو برابر رسیده و در حال حاضر 9 هزار کیلومتر راه آهن در دست احداث است که نه تنها برای داخل کشور، بلکه برای ترانزیت آسیای میانه به خلیج فارس و دریای عمان در سال های آتی، در منطقه نقشی محوری خواهد داشت.

در حمل و نقل هوایی نیز از پیشرفت بسیاری برخوردار شده ایم و اینک در تمامی استان ها فرودگاه داریم؛ حال آنکه در دوران پهلوی تنها چند استان فرودگاه داشت و تنها استان مازندران برای ویلاهای کنار دریای خاندان پهلوی 5 فرودگاه داشت.

در حال حاضر بیش از 150 فروند هواپیمای ملکی و استیجاری در ناوگان هوایی کشور در حال تردد است. البته به دلیل عدم فروش هواپیما از سوی اروپا و آمریکا به ایران، با مشکلاتی روبه روییم، اما با این همه، از حدود 5/7 میلیون مسافر در سال 1357 به سالانه بیش از 30 میلیون مسافر در حمل و نقل هوایی رسیده ایم.

کشتیرانی و بنادر کشور نیز توسعه ای بسیار یافته است. برای نمونه، در سال 1354 ایران در تخلیه بار کشتی بیش از یک میلیارد دلار جریمه پرداخت کرد؛ زیرا بیش از دویست کشتی در بندر خرمشهر 160 روز در نوبت بودند و بسیاری از کالاهای خوراکی فاسد شده و به دریا ریخته شد و چون برای تخلیه کالاها از بنادر کامیون نداشتیم، تعدادی کامیون نیز از خارج وارد شد. مشکل بعدی کمبود «راننده پایه یک» بود که برای این منظور هشتصد راننده از پاکستان و کره جنوبی وارد کردند!<sup>150</sup> اما امروز در بنادر و کشتیرانی توسعه ای مناسب داشته ایم و حتی در برخی موارد برای تخلیه سریع کشتی جایزه می گیریم؛ تا جایی که در سال 1383 مقام شانزدهم دنیا و مقام اول خاورمیانه را در کشتیرانی به دست آوردیم و از نظر طول عمر ناوگان دریایی نیز با حدود پنج سال، مقام اول جهان را داریم.

قرار است در طول برنامه چهارم توسعه، ظرفیت بنادر به حدود 140 میلیون تن برسد تا بتوانیم برای آسیای میانه ترانزیت کالا را به خوبی انجام دهیم.

<sup>150</sup> (1). بنگرید به: ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ص 230؛ مسعود بهنود، دولت های ایران از سید ضیاء تا بختیار، ص 590؛ آنتونی پارسونز و ویلیام سولیوان، خاطرات دوسفیر، ص 276؛ عبدالمجید مجیدی، خاطرات عبدالمجید مجیدی (رئیس سازمان برنامه و بودجه رژیم پهلوی)، ص 164؛ فصلنامه تاریخ معاصر ایران، ش 7، پاییز 1377، ص 257.

## 7. بهداشت و درمان

### نمایش تصویر

یکی دیگر از شاخصه‌های مهم در توسعه‌یافتگی هر کشور «بهداشت و درمان» است. این شاخص در رژیم گذشته در سطحی بسیار پایین قرار داشت که با پیروزی انقلاب اسلامی تحولی چشمگیر یافت. ارتقای امید به زندگی در جامعه 35 میلیونی دوران پهلوی از 56 سال به 74 سال در جامعه 72 میلیونی امروز، این جهش و رشد بالا را به‌خوبی می‌نمایاند.

بیشتر جمعیت ملت ایران در رژیم پهلوی در روستاها زندگی می‌کردند، بی‌آنکه از حداقل امکانات بهداشتی و درمانی برخوردار باشند. وزیر بهداشت رژیم پهلوی در سال 1357 اعلام کرد:

از رود ارس تا کرانه‌های خلیج فارس، از مرز شرقی تا مرزهای غربی، 20 میلیون نفر روستایی فاقد کوچک‌ترین وسایل بهداشتی هستند.<sup>151</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توسعه شبکه بهداشت روستایی و تربیت پزشک، وضعیت بهداشت و درمان بسیار بهبود یافت و امروز 24 میلیون روستایی تحت پوشش بیمه درمانی بوده و در طرح پزشک خانواده نیز بیش از 6 هزار پزشک در روستاها مشغول‌اند. در دوران پهلوی برای مداوای سرماخوردگی مردم، از فیلپین، هند، پاکستان و بنگلادش پزشک

---

<sup>151</sup> (1). روزنامه اطلاعات، 15/ 7/ 1357.

به ایران می‌آوردند، اما اینک دست‌کم سالی 30 هزار نفر از سراسر دنیا برای درمان به ایران می‌آیند.<sup>152</sup> تنها در سال 1385، 5 هزار بیمار خارجی برای جراحی چشم به ایران آمده‌اند. به هر روی، در کشورمان «توریسم درمانی» در حال گسترش است<sup>153</sup> و امروز با توسعه دانشکده‌های پزشکی نه تنها در حد استانداردهای جهانی پزشک داریم، بلکه اعزام پزشکان ایرانی به دیگر کشورهای نیازمند نیز آغاز شده است.

وضعیت واکسیناسیون ایران نیز تحول اساسی یافت و با دو طرح ملی و بی‌نظیر در جهان، یعنی واکسن فلج اطفال و سرخچه در سال‌های اخیر، مورد تشویق سازمان جهانی بهداشت قرار گرفتیم و امروز انواع واکسن از ایران به دیگر کشورها صادر می‌شود. همچنین تولید دارو در کشور به مرز خودکفایی رسیده است، اگرچه باید در تولید مواد اولیه دارو نیز تحول لازم پدید آید.

ایران اسلامی باهمت جوانان مستعد و باایمانش توانسته است با تولید، انجماد و تکثیر سلول‌های بنیادین جنینی در زمره چند کشور اول دنیا قرار گیرد و بدین‌رو «انقلاب پزشکی» پدید آورد. اولین رده سلول‌های بنیادین جنینی در سال 1998 در آمریکا و اولین رده این سلول‌ها در جمهوری اسلامی ایران در سال 2003 در مؤسسه «رویان» وابسته به جهاد دانشگاهی به‌دست آمد. اینک سلول‌های بنیادین «انسولین‌ساز» به نام «رویان، اچ. وان» برای اولین بار در دنیا با تلاش جوانان ایرانی تولید شده است و در بخش‌های دیگر این انقلاب پزشکی نیز در ردیف چند کشور اول جهان جای گرفته‌ایم. همچنین تابستان 1387 دانشمندان پژوهشگاه رویان موفق شدند که به عنوان ششمین کشور جهان از پوست انسان، سلول‌های بنیادی به‌دست آورند.

همچنین در سال 1385 کار بزرگ متخصصان ایرانی در ترمیم ضایعات نخاعی با استفاده از سلول‌های عصبی «شوان» برای نخستین بار در جهان، دستیابی به داروی کنترل‌کننده ویروس ایدز و تقویت‌کننده سیستم تقویت‌کننده بدن برای اولین بار در دنیا به نام IMOD

، همچنین پیوستن ایران به جمع دوازده کشور تولیدکننده داروهای نو ترکیب حاصل از زیست‌فناوری، تولید داروی بیماری MS به‌عنوان سومین کشور دنیا پس از آمریکا و سوئیس

<sup>152</sup> (1). روزنامه اعتماد ملی، 16/9/1385، ص 13.

<sup>153</sup> (2). روزنامه همشهری، 21/4/1386، ص 5.

و تولید رادیو ایزوتوپ مولیبدن - تکنسیم برای تشخیص و درمان بیماری‌ها در پزشکی هسته‌ای - که تاکنون در اختیار کشورهایمانند انگلستان و آمریکا بوده - ازجمله موفقیت‌های بزرگ علمی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. همچنین در سال 1386 نخستین بار در جهان داروی درمان زخم پای دیابتی به نام «آنژی پارس» در ایران تولید شد و هم اکنون پژوهشگران ایرانی در حال مطالعه و تحقیق بر روی سی نوع داروی جدید هستند.

جمهوری اسلامی ایران نخستین کشور خاورمیانه است که به فناوری شبیه‌سازی گوسفند دست یافته و به جمع هشت کشور دنیا در این فناوری فوق‌پیشرفته پیوسته است. اولین گوسفند شبیه‌سازی شده در ایران در 11 مرداد و دومین آن به نام «رویانا» در هشتم مهرماه 1385 در پایگاه تحقیقاتی پژوهشگاه رویان در اصفهان به دنیا آمد که اولین مورد «شبیه‌سازی درمانی» در جهان به‌شمار می‌رود و اولین گوساله در اردیبهشت 1387 به نام «بوانا» در همین پایگاه علمی متولد شد.

## 8. تأمین اجتماعی

### نمایش تصویر

«تأمین اجتماعی» ازجمله اموری است که توسعه را با عدالت همراه می‌کند و قشرهای کم‌درآمد جامعه را برای رفع نیازهای خود توانمند می‌سازد. در رژیم پهلوی تنها 89 هزار نفر مستمری‌بگیر وجود داشت که اینک به بیش از 3/2 میلیون نفر افزایش یافته‌است و بیمه خدمات درمانی به مرز 100 درصد نزدیک می‌شود و بیش از 95 درصد روستائیان نیز از بیمه خدمات درمانی بهره‌مند شده‌اند.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 137

## 9. ورزش و تربیت بدنی

### نمایش تصویر

ظرفیت‌های ورزشی حتی در روستاها و شهرهای کوچک ده برابر دیروز توسعه یافته؛ درحالی‌که جمعیت تنها دو برابر شده است. از سویی دیگر، اگرچه از سال‌های پهلوی آمار مدال‌های ورزشی آسیایی و جهانی در دست نیست، رسیدن به 1400 مدال در سال 1382 کاری است بس بزرگ و ارزشمند. امروز در ورزش همگانی، قهرمانی، اخلاق ورزشی و پهلوانی، جوانان برومند ما در رشته‌های بسیاری پرچم جمهوری اسلامی ایران را در سطح جهان به اهتزاز درمی‌آورند.

## 10. آموزش و پژوهش

### نمایش تصویر

«آموزش و پژوهش» که عامل اصلی توسعه و تحول یک جامعه به‌شمار می‌رود، با توجه به همه تأکیدات اسلام بر علم‌آموزی متأسفانه در دوران قاجاریه و پهلوی مورد بی‌مهری قرار گرفت و در جامعه‌ای که 35 میلیون نفر جمعیت داشت، تنها 47 درصد باسواد بودند. برای نمونه، هنگام پیروزی انقلاب اسلامی در استان سیستان و بلوچستان تنها 70 نفر دیپلم ریاضی وجود داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به دستور امام‌خمینی (قدس سره) «نهضت سوادآموزی» جهاد بزرگی در علم‌آموزی پدید آورد و حدود 25 میلیون نفر به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی باسواد شدند. امروز با توسعه آموزش و پرورش نرخ باسوادی به 88 درصد و در زنان به 82 درصد رسیده است. این نرخ در جمعیت 10 تا 29 ساله، 96 درصد است. بنابر آخرین گزارش، 60 درصد

بی سوادان دنیا در قاره آسیا هستند که تنها 1/4 درصد آنها متعلق به ایران است.

همچنین مدارس تیزهوشان از 2 واحد در دوران پهلوی به 308 واحد افزایش یافته و حدود 40 هزار دانش آموز در آن مشغول به تحصیل اند. پیش تر در دوران پهلوی حتی یک نفر دانش آموز در المپیادهای علمی جهانی (آغاز شده از سال 1958) شرکت نکرده بود، اما در سالهای پس از انقلاب اسلامی از سال 1366 که دانش آموزان ما در بیست و هشتمین المپیاد جهانی ریاضی در کوبا شرکت کردند، تا سال 1386 تعداد 362 مدال و 17 دیپلم افتخار به دست آمده است. گفتنی است ایران رتبه اول کشورهای اسلامی، رتبه دوم آسیا و رتبه دهم جهان را داراست.<sup>154</sup>

در زمینه تحصیلات دانشگاهی تنها پانزده واحد دانشگاهی در سراسر کشور وجود داشت که در بسیاری از استان ها حتی یک واحد دانشگاهی نبود، اما امروز 115 واحد دانشگاهی دولتی داریم که اگر واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی، مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی و ... را بدان بیفزاییم، بیش از 600 واحد دانشگاهی در سراسر کشور خواهیم داشت. از لحاظ تعداد دانشجویان در جمعیت 35 میلیونی دوران پهلوی، در سال تحصیلی 1357 تنها 175 هزار دانشجو داشتیم که 40 درصد آنان در تهران مشغول به تحصیل بودند و این تعداد محدود نیز توزیع مناسبی نداشت. اما امروز بیش از 4 میلیون دانشجو در دانشگاه های دولتی و غیردولتی داریم که تنها 20 درصد در تهران هستند. در آن زمان، 10 درصد دانشجویان از زنان بودند که امروز به بیش از 52 درصد افزایش یافته اند که از لحاظ درصد ورود دانشجویان دختر به دانشگاه ها در صدر جهانیم.

در بُعد کیفی آموزش عالی، جوانان دانشجو در سال های اخیر در مسابقات اختراعات و نمایشگاه های علمی معتبر دنیا و در عرصه علوم و فنون گوناگون همانند هوا- فضا، فناوری هسته ای، پتروشیمی و کامپیوتر توانسته اند توانمندی های خود را نشان دهند. برای نمونه، جوانان دانشجوی کشور ما- از دانشگاه های دولتی و آزاد- در سی و سومین، سی و چهارمین، سی و پنجمین و سی و ششمین دوره مسابقات اختراعات سوئیس در سال های 1384، 1386 و 1387 مقام اول و در سال 1385 مقام دوم جهان را کسب نمودند. در تابستان 1384 نیز در مسابقات ایده های نو، یک دانشجوی ایرانی همراه یک نفر از آمریکا مدال طلا و رتبه اول را کسب کرد.

همچنین جمهوری اسلامی ایران از سال 2000 میلادی تا به امروز، با حضور درخشان دانش‌آموزی و دانشجویی در مسابقات مختلف «روبوکاپ» در بخشی از آن به مقام اول جهان نیز دست یافته است.<sup>155</sup>

جمهوری اسلامی ایران که در سال 2006 م به عضویت دائم فدراسیون جهانی مخترعین، زیرنظر سازمان ملل متحد درآمده است در اولین دوره مسابقات اختراعات زنان و دختران جهان که در کره جنوبی در اردیبهشت 1387 برگزار شد، بر سکوی اول جهان ایستاد و زنان و دختران ایران اسلامی ثابت نمودند که عصر جدیدی را با انقلاب اسلامی و خودباوری حاصل از آن در نهضت تولید علم آغاز نموده‌اند.

از سوی دیگر تیم جوانان مخترع کشورمان در نوزدهمین دوره مسابقات اختراعات، نوآوری و تکنولوژی مالزی ( 8002ITEX )

موفق به کسب 53 مدال متعلق به مخترعات شاهد و ایثارگر می‌باشد.<sup>156</sup>

همچنین جمهوری اسلامی ایران با ثبت علم «ژئوبیو تکنولوژی» در سازمان یونسکو وارد مرحله نوینی در تولید علم شده است. طبق آخرین گزارش یک مؤسسه معتبر انگلیسی درخصوص وضعیت تولید علم در دنیا، جمهوری اسلامی ایران در سال 2004 جزء 32 کشور اول دنیا است که 98 درصد تولید علم جهان را انجام می‌دهند. براساس گزارش مؤسسه بین‌المللی اطلاعات علمی ISI، تعداد مقالات علمی چاپ‌شده از محققان ایرانی در مجلات معتبر بین‌المللی در طول ده سال (2003- م) 600 درصد رشد داشته که سه برابر رشد متوسط جهانی در این دوره است. بدین ترتیب از حدود 300 مقاله در سال 1357 به 10 هزار مقاله در سال 1386 رسیده‌ایم.

سال 1357 نیز هیچ اختراع ثبت‌شده‌ای نداریم، اما اینک در سال 1386 تعداد اختراعات ثبت شده به 7000 مورد می‌رسد و تنها در 5 ماهه اول 1387 نیز 8000 اختراع به ثبت رسیده است. حال آنکه در سال 1381 تنها 500 اختراع ثبت شده داشتیم.

از دیگر سو، حوزه‌های علمیه کشور نیز از بعد کمی و کیفی در سال‌های پس از انقلاب اسلامی متحول شده و طلاب فاضل در رشته‌های گوناگون علوم حوزوی و علوم انسانی به

<sup>155</sup> ( 1 ) . روزنامه همشهری، 1386 / 4 / 21، ص 7.

<sup>156</sup> ( 2 ) . روزنامه کیهان، 1387 / 3 / 9، ص 15.

مدارج عالی رسیده‌اند؛ تا جایی که جوانانی از کشورهای اروپایی، آسیایی، آمریکایی و آفریقایی - با بیش از 90 ملیّت - در حوزه‌های علمیه ایران مشغول به تحصیل‌اند.

نهضت نرم‌افزاری و تولید علم با تأکیدات و پیگیری مقام‌معه‌ره‌بری و همت جوانان ایرانی حرکتی است که بی‌گمان در آینده، نتایج بسیار پرباری در پی خواهد داشت.

در این فصل به بررسی تغییرات در ساختار اقتصادی کشور پرداختیم و از دو بُعد «درآمد» و «هزینه»، دوران پهلوی و دوران جمهوری اسلامی را با هم مقایسه کردیم.

پیش‌تر گفتیم که از حیث درآمدها، امروز حدود یک پانزدهم دوران پهلوی درآمد ارزی در اختیار دولت قرار دارد و موانع متعددی نیز پدید آمده که طبق معادلات طبیعی نه‌تنها انتظار نمی‌رفت پیشرفتی حاصل آید، بلکه عقب‌گرد نیز قابل پیش‌بینی بود. اما با روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی و تلاش ملت، ده‌ها برابر در ابعاد کمی و کیفی پیشرفت نموده‌ایم و در عرصه‌های کشاورزی، صنعتی، علمی، خدماتی و ... که در دوره پهلوی سیر نزولی و وابستگی را طی می‌کرد و یک اقتصاد وارداتی داشتیم، اینک با «خودباوری» و «تلاش»، مسیر صعودی، خودکفایی و خوداتکایی را می‌پیماییم و در تلاش برای همراهی «پیشرفت» و «عدالت» هستیم.

### گفتار سوم: بررسی تحولات ساختار نظامی - امنیتی ایران

#### مقایسه ساختار نظامی - امنیتی در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی

امنیت از مهم‌ترین نیازها برای توسعه و تعالی هر جامعه است. اصولاً شکل‌گیری نیروهای مسلح در هر کشور برای حفظ امنیت و حراست از منافع ملی آن کشور است. اما متأسفانه در دوران پهلوی نیروهای مسلح ایران نه‌تنها در این خصوص ناکارآمد بودند، بلکه در خدمت منافع بیگانگان نیز قرار گرفتند.

اینک تحولات و تغییرات در ساختار نظامی - امنیتی ایران (بر اثر انقلاب اسلامی) را در قالب این جدول و چند شاخص تحلیلی تبیین خواهیم کرد:

## نمایش تصویر

جدول (5): بررسی تغییرات در ساختار نظامی - امنیتی ایران

در تبیین شاخصه‌های مهم جدول فوق نکات زیر قابل توجه است:

### الف) هدف نیروهای مسلح در ساختار نظامی - امنیتی

نیروهای مسلح هرکشور باید «هدف» مشخصی را در راستای منافع کشور خود ترسیم کنند و بر همان مبنا برای ایجاد و حفظ توانمندی نظامی بکوشند. در این باره متأسفانه در رژیم پهلوی هدف نیروهای مسلح، «تأمین و حفاظت از منافع غرب» بود.

آمریکا و انگلیس برای اینکه بتوانند کمربندی امنیتی در مقابل بلوک شرق ایجاد کنند، پیمان‌های نظامی متعددی منعقد نمودند که مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

1. پیمان «ناتو»، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (1949/1328) که از اروپای غربی شروع می‌شد و تا ترکیه ادامه داشت.

2. پیمان «سیتو»، سازمان پیمان جنوب شرقی آسیا (1954/1333) که از پاکستان آغاز می‌گشت و به اندونزی ختم می‌شد.

3. «پیمان بغداد» که فاصله بین ناتو تا سیتو را تکمیل می‌کرد (1955/1334) و بین ترکیه، عراق، ایران، پاکستان و انگلیس منعقد شد. در تیر 1337 (1958 م) پس از وقوع کودتا در عراق، این کشور از این پیمان خارج شد و با انتقال مقر پیمان از بغداد به آنکارا، نام این پیمان به پیمان مرکزی «سنتو» تغییر یافت.

حضور ایران در این پیمان‌های نظامی در راستای حفاظت از منافع غرب صورت می‌گرفت که پس از انقلاب اسلامی با خروج ایران از پیمان سنتو، این پیمان منحل شد.

محمدرضا شاه دوسال پیش از سقوط خود با زیر پا نهادن شرافت و کرامت ملت ایران و

تنزل دادن ایرانیان در سطح سربازان مزدور برای حفاظت از منافع آمریکا، خطاب به خبرنگاری آمریکایی چنین گفت:

اگر شما ایرانی نیرومند نداشته باشید که شایسته تضمین امنیت شما و سراسر منطقه باشد و در مواقع ضروری از امنیت اقیانوس هند حفاظت کند، در آینده چه خواهید کرد؟ آیا یک میلیون سرباز آمریکایی در منطقه نگه خواهید داشت و ویتنام دیگری به وجود خواهید آورد؟<sup>157</sup>

با شروع ریاست جمهوری ریچارد نیکسون در سال 1972 م و طرح دکترین مشهور او به نام «دو ستونی»<sup>158</sup>، ایران با شدت بیشتری حافظ منافع آمریکا در منطقه گردید. نیکسون در کتابش می‌نویسد:

از سال 1953 تا 1979 میلادی (1357- ش) ایران تحت رژیم شاه به‌عنوان ستون اصلی امنیت غرب در منطقه خدمت می‌کرد. در سال‌های دهه 1960 که انگلیس از «شرق سوئز» خارج شد، ایالات متحده با بیش از پانصد هزار نیرو در ویتنام نمی‌توانست شکاف به‌وجودآمده را از میان بردارد. این شاه بود که خلأ قدرت را پر کرد. او برنامه گسترده‌ای را برای نوسازی نیروهای مسلح خود تقبل کرد ... وقتی حکومت شاه در سال 1979 میلادی سقوط کرد، یک خلأ قدرت تازه به‌وجود آورد.<sup>159</sup>

همچنین آنتونی پارسونز، سفیر انگلیس در رژیم پهلوی در خاطراتش می‌نویسد:

با خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج فارس در سال 1971 و سلب تعهدات انگلستان برای دفاع از این منطقه، نیکسون تصمیم گرفت این خلأ را با تقویت ایران و سایر کشورهای منطقه پر کند ... در استراتژی جدید دفاعی آمریکا، ایران نیروی اصلی ثبات منطقه خلیج فارس به شمار می‌رفت و در خط مقدم دفاع از منافع حیاتی غرب در این منطقه قرار داشت.<sup>160</sup>

در این باره ژنرال هایزر، معاون نیروهای نظامی ناتو می‌نویسد:

<sup>157</sup> (1). صادق سلیمی‌بنی، ارمغان دموکراسی، ص 112.

<sup>158</sup> (2). استفاده از ایران و عربستان به‌عنوان ستون‌های نظامی و اقتصادی آمریکا در خلیج فارس.

<sup>159</sup> (3). ریچارد نیکسون، 1999 پیروزی بدون جنگ، ص.

<sup>160</sup> (4). ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 318.

نیروهای نظامی ایران در منطقه خلیج فارس برای منافع غرب بسیار حیاتی بود ....<sup>161</sup>

بدین ترتیب، ایران به پایگاه نظامی آمریکا تبدیل شد؛ چنان‌که حتی محمدرضا شاه در کتابش اعتراف کرد:

نظامیان آمریکایی با هواپیمای خودشان سفر می‌کردند و خیلی طبیعی بود که بتوانند هنگام ورود به پایگاه‌های نظامی‌شان در ایران تشریفات اداری معمول را ندیده بگیرند.<sup>162</sup>

اوج این ذلت را کیسینجر، مشاور امنیت ملی نیکسون در کتاب سال‌های کاخ سفید - که پس از پیروزی انقلاب اسلامی نگاشته شد - چنین بیان می‌دارد:

شاه از ما کمک مالی بلاعوض نمی‌خواست و هزینه‌های مربوط به خرید اسلحه و تجهیز نیروهای نظامی خود را از محل درآمد نفت تأمین می‌کرد. برای آمریکا چه بهتر از اینکه نه فقط برای منافع حیاتی خود در خلیج فارس کمترین هزینه‌ای از جیب مالیات‌دهندگان آمریکایی نمی‌پرداخت، بلکه تولیدات کارخانه‌های اسلحه‌سازی خود را هم به قیمت خوب می‌فروخت.<sup>163</sup>

آمریکا نه تنها با امکانات و جوانان سرباز ایرانی در پی حفظ منافع خود در خلیج فارس بود، بلکه درآمدهای نفتی ایران را با فروش تجهیزات نظامی خود، آن‌هم به چندین برابر قیمت چپاول می‌کرد و در تلاش بود شهروند آمریکایی برای منافع دولتمردان آمریکا هزینه‌ای نپردازد.

ژنرال الیس ویلیامسون، رئیس هیئت مستشاران نظامی آمریکا در ایران در فاصله سال‌های 1350 تا 1352 (1971-1973 م) در پایان مأموریت دو ساله خود می‌گوید:

این دو سال به نظرم دویست سال طول کشید که در این مدت در مورد 700 قرارداد به ارزش تقریبی 4 میلیارد دلار مذاکره کردم ... ایران مرکز معامله خوبی بود. این کشور بوفه

<sup>161</sup> (1). رابرت هایزر، مأموریت مخفی در تهران، ص 46.

<sup>162</sup> (2). محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ص 364.

<sup>163</sup> (3). معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن (مجموعه مقالات)، ج 2، ص 225.

بازرگانان نام گرفته بود. این بوفه بسیار بسیار خوب بود و منافع تجاری در آن فوق‌العاده بود.<sup>164</sup>

مایکل لدین در این باره می‌نویسد:

در برابر هر دلاری که ایالات متحده برای خرید نفت ایران خرج می‌کرد، ایرانی‌ها دو دلار برای خرید تجهیزات نظامی و سایر کالاها به ایالات متحده برمی‌گرداندند.<sup>165</sup>

در همین باره اسدالله علم در خاطراتش چنین نوشت:

در دیدار شاه به او گفتم اطلاعات بسیار محرمانه‌ای از یک منبع انگلیسی دریافت کرده‌ام که نشان می‌دهد پنتاگون، جنرال داینامیک، شرکت سازنده اف-۱۰۵ را تحت فشار قرار داده تا قیمت درخواستی از ایران را دو برابر کند ... شاه مدتی در این باره فکر کرد و گفت: «او هم از قبل مردّد شده؟!» به همین علت مصرانه می‌خواهد که من از سفیر آمریکا بپرسم که آیا ارقامی که در کنگره بر زبان آورده شده، 160 هواپیما را در برمی‌گیرد یا 300 فروند [را]. شاه گفت: با وجود این، سازنده کتباً تأیید کرده که قیمت هر هواپیما 6/5 میلیون دلار است. چطور می‌توانند آن را به 18 میلیون دلار افزایش دهند؛ یعنی تقریباً بالغ بر سه برابر؟ در پاسخ گفتم که این درست همان کاری است که در مورد ناوشکن‌های اسپروانس کردند: شش فروند این کشتی‌ها 280 میلیون دلار برآورد شده بودند، اما ما مجبور شدیم 600 میلیون دلار بپردازیم. گفتم: به نظر می‌رسد که پنتاگون در بالا کشیدن مابقی ناچیز درآمد نفتی ما، وقت را تلف نمی‌کند.<sup>166</sup>

همچنین جیمی کارتر، رئیس‌جمهوری آمریکا طی نامه‌ای به مجلس سنای آمریکا درخصوص فروش هواپیمای آواکس به ایران می‌نویسد:

... با توجه به نکات یادشده اطمینان دارم تمامی اعضای کمیته به این نتیجه خواهند رسید که فروش آواکس به ایران اقدامی در جهت منافع ملی ایالات متحده است.<sup>167</sup>

اما در قراردادهای نظامی ایران و انگلیس بی‌شک بدتر از آمریکا عمل شده است. برای مثال، در قرارداد «تانک شیر» در ماده فسخ قرارداد آمده: این قرارداد به هر دلیل و علتی و

<sup>164</sup> (1) جیمز بیل، عقاب و شیر، ص 327.

<sup>165</sup> (2) مایکل لدین و ویلیام لوئیس، کارتر و سقوط شاه، ص 30.

<sup>166</sup> (3) اسدالله علم، گفتگوهای من با شاه، ج 2، ص 811.

<sup>167</sup> (4) روزنامه ایران، 1376/10/20، ص 6.

توسط هر یک از طرفین فسخ شود، طرف ایرانی موظف است کلیه خسارات وارده را - به تشخیص وزارت دفاع انگلیس - تقبل و پرداخت کند. این قرارداد با تأکید شاه و به واسطه شاپور ریپورتر، جاسوس ارشد انگلیس در دربار پهلوی شکل یافت.<sup>168</sup>

بنابراین در ساختار نیروهای مسلح ایران در دوره پهلوی، هدف اصلی حفاظت از منافع غرب در منطقه، آن هم با نیرو، تجهیزات و درآمدهای نفتی ایران بود. اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و فروپاشی پیمان ستو و انحلال دکترین دو ستونی نیکسون، امروز نیروهای مسلح در ارتش، سپاه پاسداران و بسیج مردمی، حافظ منافع ملی اند که نمونه بارز آن، حماسه «دفاع مقدس» است.

### ب) فرماندهی در ساختار نظامی - امنیتی

در عرصه «فرماندهی» که از مهم‌ترین شاخصه‌های کارایی و توانمندی نیروی نظامی یک کشور است، با تحولات چشمگیری روبه‌رویم.

در دوران پهلوی، مستشاران و فرماندهان آمریکایی و انگلیسی، نیروهای مسلح ما را فرماندهی و هدایت می‌کردند. سولیوان، سفیر آمریکا در دوران پهلوی می‌نویسد:

آمریکایی‌ها توجه زیادی به نیروهای مسلح ایران معطوف داشتند ... میسیون نظامی آمریکا در ایران هم وضع منحصر به فردی داشت. تفاوت میسیون نظامی آمریکا در ایران با هیئت‌های نظامی در سایر کشورهای جهان این بود که پرسنل نظامی آمریکا در ایران عملاً جزو نیروهای مسلح ایران به شمار می‌آمدند و در اواخر سلطنت شاه به استثنای شش نفر از افسران ارشد آمریکایی، بقیه مستشاران و کارکنان آمریکایی نیروهای مسلح ایران، حقوق‌بگیر دولت ایران بودند. حقوق و مزایا، هزینه ایاب و ذهاب و مخارج تحصیل فرزندان آنها از طرف دولت ایران تأمین می‌شد و علایمی که روی اونیفورم آنها دوخته می‌شد، آنها را عضو خانواده نیروهای مسلح ایران به شمار می‌آورد.<sup>169</sup>

قرارداد دوجانبه ایران و ایالات متحده در سال 1959 موجب شد ساختار دفاعی مملکت و سازماندهی نیروهای مسلح و خلاصه همه امور ستادی و اجرایی ارتش تحت اختیار

<sup>168</sup> (1). منوچهر محمدی، مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی، ص 129.

<sup>169</sup> (2). ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 74.

مستشاران نظامی آمریکا قرار گیرد. فرماندهان ارشد ارتش، زبردست مستشاران آمریکایی بودند و میدان تاخت و تاز برای آمریکا آنچنان باز شده بود که در سال‌های 1355 و 1356 خرید اسلحه از آن کشور از مبلغ 4 میلیارد دلار به 12 میلیارد دلار رسید.<sup>170</sup>

مستشاران و فرماندهان آمریکایی با بهره‌گیری از نیروهای مسلح ایران در پی تأمین منافع غرب بودند. آنان با داشتن «مصونیت قضایی» و از سویی با دریافت حقوق و مزایای بسیار، بی‌تردید خسارت اقتصادی بزرگی به ایران وارد کردند.

تا اواسط سال 1354 حدود 35 هزار خارجی تنها در تهران زندگی می‌کردند که اغلب آنها اروپایی و تکنسین، مدیر، مشاور یا نمایندگان شرکت‌های خارجی، و از این جمع عده زیادی مربوط به ارتش بودند. اینها حاضر بودند هر بهایی را برای مسکن بپردازند و این امر اثرات تورمی داشت. تکنسین‌های نظامی آمریکایی تا 12500 دلار در ماه می‌گرفتند. در سال 1354 حدود 20 هزار مستشار نظامی آمریکایی در ایران بودند.<sup>171</sup>

شمار نظامیان آمریکایی تا پیروزی انقلاب اسلامی به بیش از 30 هزار نفر رسیده بود؛ تا آنجا که مجلس سنای آمریکا تخمین زده بود در سال 1980 (1359 ش) از سقف 60 هزار نفر نیز تجاوز خواهد کرد.<sup>172</sup> این در حالی است که در آن سال‌ها 12500 دلار معادل 110 هزار تومان ارزش داشت؛ حال آنکه حقوق ماهانه یک کارگر ایرانی 620 تومان بود.

یکی از عوامل رژیم پهلوی در تیرماه 1357 در منزل علی امینی، نخست‌وزیر اسبق چنین می‌گوید:

ای کاش نفت نداشتیم و حق توحش نمی‌دادیم! یک گروه‌بان آمریکایی در ایران آنقدر حقوق می‌گیرد که کرایه منزل او 15 هزار تومان است. بچه‌هایش در مدارس درجه یک تحصیل می‌کنند و هزینه منزلش برابر با حقوق یک ارتشبد ارتش ایران است.<sup>173</sup>

از سوی دیگر، فرماندهان وابسته ایرانی همانند ارتشبد آریانا، طوفانیان، فردوست و فرماندهانی مانند خسروداد، ناجی و نصیری در اوج تباهی و در خدمت آمریکا و انگلیس بودند.

<sup>170</sup> (1) جواد منصوری، 25 سال حاکمیت آمریکا در ایران، ص 63.

<sup>171</sup> (2) رابرت گراهام، ایران سراب قدرت، ص 107 و 108.

<sup>172</sup> (3) احمد فاروقی و ژان لوروریه، ایران بر ضد شاه، ص 134.

<sup>173</sup> (4) مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، انقلاب اسلامی به روایت اسناد سلاواک، ج 7، ص 9.

برای آگاهی از عمق فساد در میان فرماندهان عالی‌رتبه ایرانی، نکاتی را درباره حسین معتمدی منوچهری تنکابنی بازمی‌گوییم؛ همو که بعدها نام و فامیلی خود را به «بهرام آریانا» تغییر داد و رئیس ستاد بزرگ ارتشداران شد.

با آغاز قیام عشایری جنوب، محمدرضا پهلوی یکی از بی‌رحم‌ترین افسران ارتش به نام سپهبد وره‌رام را با اختیار تام به استانداری فارس گماشت و سپهبد آریانا را هم به‌عنوان «فرمانده نیروهای جنوب» مأمور کشتار و سرکوب عشایر کرد. سپهبد آریانا فردی از خودراضی و مشروب‌خوار و شهوتران در حد افراطی بود و از زمانی که دانشجوی دانشکده افسری بود، خود را «نابلئون» می‌دانست و فرم لباس و موی سر خود را به سبک او درست می‌کرد. وی یک‌بار همراه با فاحشه‌ای که شب را با او گذرانده بود، صبح از ساختمان خوابگاه خود خارج گردید و درحالی که یک دسته موزیک به آریانا احترام می‌گذاشت، همراه با آن فاحشه از نیروهای نظامی سان دید.

آریانا به صورت بی‌رحمانه و فوق‌العاده خشن با عشایر مواجه شد و خانه‌های آنان را بمباران کرد ... جنگ عشایر جنوب زیر نظر کارشناسان آمریکا از جمله سرهنگ گرایتان یاتسویچ، وابسته نظامی آمریکا و رئیس پایگاه «سازمان سیا» در خاورمیانه و رابرت کومر، کارشناس جنگ‌های روستایی و عشایری در سازمان جاسوسی «سیا» انجام گرفت. آنان به‌شدت از خشونت و بی‌رحمی آریانا در سرکوب عشایر راضی بودند؛ تاجایی که رسماً از شاه تقاضای ترفیع او را کردند و محمدرضا پهلوی هم براساس درخواست آنان آریانا را به درجه ارتشبدی ترفیع داد.

سرانجام در آذر 1344 ش یکی از آرزوهای بزرگ بهرام آریانا تحقق یافت و وی از سوی شاه به‌عنوان رئیس ستاد بزرگ ارتشداران منصوب گردید ... او روابط نزدیکی با دولت اشغالگر قدس برقرار کرد و در سال 1345 به همراه تیمسار طوفانیان سفری به اسرائیل رفت و مورد استقبال همتای صهیونیست خود قرار گرفت. آریانا پس از جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل و شکست دولت‌های عربی در این جنگ، حلقه گل زیبایی برای یعقوب نیمرودی، وابسته نظامی رژیم اشغالگر قدس در ایران فرستاد که بر روی نوار آن نوشته شده بود: تقدیم به نیروهای دلیر، قوی و شکست‌ناپذیر اسرائیل.<sup>174</sup>

کافی است ارتشبد آریانا و دیگر فرماندهان عالی‌رتبه ایران دوران پهلوی را با شهیدان سپهبد صیادشیرازی، سرلشکر عباس بابایی، حاج حسین خرازی، حجت‌الاسلام مصطفی ردانی‌پور، حاج ابراهیم همت، مهدی باکری، مهدی زین‌الدین، محمود کاوه، احمد کاظمی و

دیگر فرماندهان نیروهای مسلح در سال‌های پس از انقلاب اسلامی مقایسه کنیم تا این تحول عظیم در فرماندهی نیروهای نظامی ایران را نیک دریابیم؛ ضمن آنکه امروز هیچ افسر و مستشار بیگانه نیز در نیروهای مسلح کشور وجود ندارد.

### ج) تجهیزات و دانش نظامی در ساختار نظامی - امنیتی

تجهیزات و دانش نظامی، شاخص دیگری است که با بررسی تغییرات آن، دستاورد انقلاب اسلامی گویاتر می‌شود.

نیروهای مسلح ایران در دوران پهلوی توانمندی داخلی درخور توجهی نداشتند و کاملاً وابسته به تجهیزات غربی بودند. در راستای حفظ منافع غرب در منطقه، بخش عمده‌ای از درآمدهای دولت به بخش نظامی اختصاص می‌یافت؛ آن‌گونه که در سال 1353 تنها 32 درصد بودجه کل کشور به مخارج نظامی اختصاص یافته بود<sup>175</sup> تا تجهیزات مختلفی - آن هم به چند برابر قیمت - از اروپا و آمریکا وارد ایران شود. برای مثال، دو نمونه را ذکر می‌کنیم:

در یک فاصله زمانی بیست‌ساله (1971-1950 م) همه خرید تسلیحاتی ایران از آمریکا به یک میلیارد دلار هم نرسید، اما بین سال‌های 1971 تا 1978 م، یعنی فقط در مدت 8 سال آخر سلطنت شاه، میزان خرید سلاح ایران از آمریکا به رقم نجومی 19 میلیارد دلار بالغ شد.<sup>176</sup>

جریان استحاله نفت به اسلحه، سرعت فوق‌العاده‌ای پیدا کرده بود و در اواخر سال 1974 میلادی پتتاگون تقریباً نیمی از کل صادرات اسلحه جهانی خود را به ایران فروخته بود ... مخارج نظامی ایران در سال 1976- میلادی در حدود ده میلیارد و چهارصد و پنج میلیون دلار تخمین زده شده بود که تقریباً یک‌سوم تولید ناخالص ملی ایران و کمی بیشتر از بودجه دفاعی بریتانیا (9974 میلیون دلار) است که تولید ناخالص ملی آن پنج برابر ایران است ... در این دوران تقریباً همه کمپانی‌های اسلحه‌سازی به شاه

<sup>175</sup> (1). جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ص 103.

<sup>176</sup> (2). روزنامه کیهان، 21/11/1380، ص 5.

ایران چشم دوخته بودند.<sup>177</sup>

این سلاح‌های نظامی که برای تأمین منافع غرب در خلیج فارس مورد استفاده آمریکاییان قرار می‌گرفت، با قیمتی معادل چندین برابر ارزش واقعی به ایران فروخته می‌شد.

ایران که در دوران پهلوی توانمندی داخلی چندانی نداشت، امروز در عصر جمهوری اسلامی با همت جوانان باایمان و پراستعداد خود توانسته است از آن وابستگی دور شود و در بخش‌های مختلف تجهیزات نظامی به تولیدات خوبی رسد و حتی در عرصه صادرات تسلیحات نظامی در دنیا جایگاه مناسبی به‌دست آورد. به تعبیر رهبر فرزانه انقلاب:

ما همان کشوری هستیم که سیم خاردار را هم باید وارد می‌کردیم، اما الآن می‌توانیم موشکمان را هم صادر کنیم.<sup>178</sup>

طراحی و ساخت هواپیمای «آذرخش»، جت آموزشی «درنا»، هواپیمای آموزشی «پرستو»، هواپیمای شکاری بمب‌افکن «صاعقه»، هواپیماهای بدون سرنشین با سرعت 700 کیلومتر، بالگردهای نظامی و پشتیبانی، تعمیرات اساسی هواپیماها (اورهال)، ساخت لاستیک و شیشه هواپیما به‌عنوان یکی از چند کشور سازنده در جهان، ساخت حداکثر قطعات مورد نیاز در صنایع هوایی، رادارهای اولیه، ثانویه و طراحی و ساخت «رادار ملی» که انواع هواپیماهای جنگنده دشمن و تمامی ماهواره‌ها را ردیابی می‌کند، بمب‌های لیزری و هوشمند، انواع سامانه‌های پدافند هوایی و موشک‌های دوربرد و بالستیک همانند «موشک شهاب 3» و موشک جدید «عاشورا»، ساخت ناو، ناوچه و زیردریایی غدیر و قائم، نمونه‌هایی از این تحول عظیم است.

مدیر عامل صنایع جنگ‌افزاری کشور می‌گوید: سلاح خیبر 2002 با هجده ویژگی ازجمله مکانیسم آتش چهار وضعیتی، لوله قابل تعویض با کالیبر 5/56 و با عقب‌نشینی کم، یکی از مهم‌ترین سلاح‌های تولید داخل است.<sup>179</sup>

<sup>177</sup> (1) آنتونی سمسون، بازار اسلحه، ص 286-282.

<sup>178</sup> (2) سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)، سخنرانی 1383/8/6.

<sup>179</sup> (3) روزنامه کیهان، 1383/5/20، ص 4.

تنها در رزمایش پیامبراعظم (ص) توسط نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فروردین 1385 در آب‌های خلیج فارس و دریای عمان، تعدادیاز تجهیزات و سلاح‌های ساخته‌شده به‌دست دانشمندان ایرانی، آزمایش و مورد بهره‌برداری قرار گرفت که در سطح جهانی بی‌نظیر و یا کم‌نظیر بود؛ سلاح‌هایی همانند موشک فوق‌سری بدون نیاز به سامانه ماورای افق (OTHT)

که برای نخستین بار در جهان ساخته شده است، قایق فوق‌پیشرفته پرنده با سرعت بالا و امکان شلیک و قدرت گریز از رادارهای دشمن، موشک فوق‌مدرن «فجر 3» دارای قابلیت‌های فنی و عملیاتی منحصر به فرد، موشک زیر سطحی «حوت» با سرعت 100 متر در ثانیه که سرعت نمونه‌های مشابه آن در دنیا 25 متر در ثانیه است، اژدر فوق‌مدرن، موشک ساحل به دریای «کوثر» و دوش پرتاب «میثاق».<sup>180</sup>

همچنین در رزمایش هوایی ضربت ذوالفقار توسط ارتش جمهوری اسلامی ایران در شهریور 1385، توان و قدرت هوایی ایران اسلامی نمایانده شد. برای مثال، هواپیمای جت شکاری «صاعقه» و بمب هوشمند و لیزری «رعد» با طراحی و ساخت متخصصان کشورمان افتخار دیگری در قدرت علمی و نظامی میهنمان<sup>181</sup> بود.

در همین راستا، دومین رزمایش پیامبراعظم (ص) در پاییز 1385 با شلیک نه فروند موشک بالستیک ساخت کشورمان - همانند موشک شهاب - بخش دیگری از توان دفاعی ایران اسلامی را به نمایش گذارد. نکته مهم آنکه، جمهوری اسلامی ایران امروز بدون کوچک‌ترین وابستگی به بیگانگان، به 57 کشور نیز تسلیحات نظامی صادر می‌کند.<sup>182</sup>

با توجه به تجربه عظیم دفاع مقدس، امروز جمهوری اسلامی با ارتش، سپاه و بسیج، توانمندترین نیروی نظامی را شکل داده که از لحاظ دانش و توانمندی ایرانی در سطح دنیا پرآوازه است.

## د) شاخصه عملکرد نیروهای مسلح

مهم‌ترین شاخص در بررسی تغییرات در ساختار نظامی - امنیتی کشور، عملکرد نیروهای

<sup>180</sup> (1). هفته‌نامه صبح صادق، 1385 / 1 / 21، ص 9.

<sup>181</sup> (2). روزنامه کیهان، 1385 / 6 / 14، ص 14.

<sup>182</sup> (3). گفتگوی سردار نجار، وزیر دفاع، با خبر شبکه دو سیما، 1385 / 6 / 12.

نظامی و پیامدهای آن خواهد بود. در دوران پهلوی به‌طور کلی با سه عملکرد نیروهای مسلح روبه‌رو بودیم: از دست دادن سرزمین و عزت ایران، دخالت نظامی در دیگر کشورها برای منافع غرب و سرکوب ملت برای تحکیم رژیم پهلوی. حال به هریک می‌پردازیم.

یک. اگر به جغرافیای ایران در طول حدود 200 سال عصر قاجاریه و پهلوی بنگریم، درخواهیم یافت که در اثر بی‌لیاقتی پادشاهان قاجار و پهلوی با تهاجم نظامی روسیه و یا انگلیس و یا با قراردادهای ننگین بیش از یک میلیون کیلومتر مربع از سرزمین ایران (بیش از 40 درصد وسعت ایران) را از دست داده‌ایم. کافی است تهاجمات و قراردادهای عصر قاجاریه همانند تهاجم نظامی روسیه و قراردادهای «گلستان»، «ترکمنچای»، «آخال»، «پاریس» و «گلداسمیت» را به یاد آوریم تا عمق این ذلت را دریابیم. سپس دولت و پادشاهی دست‌نشانده پهلوی را شاهدیم که با مساعی انگلیسی‌ها و امضای رضاشاه، مناطقی همانند «ارتفاعات آرات شرقی» در دی‌ماه 1310 به ترکیه، «اروند رود» در تیرماه 1316 به عراق و بخشی از «بلوچستان» در اسفند 1320 به افغانستان واگذار می‌شود و بستری فراهم می‌گردد تا با انعقاد پیمان منطقه‌ای تحت سلطه انگلیس به نام «پیمان سعدآباد» بین وزرای خارجه ایران، افغانستان، ترکیه و عراق در 17 تیر 1316، منافع انگلیس در مقابل روسیه تأمین گردد. البته با آغاز جنگ جهانی دوم بلوک‌بندی‌ها تغییر یافت و اتحاد انگلیس و شوروی این پیمان را از حیث انتفاع خارج نمود<sup>183</sup> و کار به جایی می‌رسد که در سال 1350 با دستور انگلستان و با امضای محمدرضا پهلوی و تأیید نمایندگان خائن مجلس شورای ملی، استان چهاردهم ایران به نام «بحرین» از کشور ما جدا شد و به‌عنوان کشوری مستقل، پایگاه انگلیس و امروز نیز پایگاه نظامی آمریکا در منطقه گردید.

در شرایطی که بیش از 30 درصد بودجه کشور صرف هزینه نیروهای نظامی شد، این نیروی مسلح در خدمت منافع آمریکا و انگلیس قرار گرفت و نه حراست از سرزمین ایران؛ نیرویی نظامی که حتی توانایی چند ساعت مقاومت در مقابل هجوم متفقین در جنگ جهانی دوم را نداشت، آن‌گونه که سربازان آمریکایی، انگلیسی و روسی در شهریور 1320 طی چند ساعت ایران را تصرف کردند.

دو. در دوره پهلوی، پنج گونه همکاری در زمینه نیروهای مسلح با غرب به‌ویژه آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی صورت گرفت: آموزش نظامی، خرید تسلیحات نظامی، اعطای پایگاه نظامی، همکاری امنیتی و جاسوسی و نیز عملیات نظامی به صورت پنهان و آشکار در دیگر کشورها در راستای منافع غرب.

شاه برای خوش‌خدمتی به غرب، بارها تجهیزات و امکانات نظامی ایران و حتی جوانان و سربازان این کشور را در تهاجم نظامی به دیگر کشورها به‌کار گرفت. برای نمونه، مداخله نظامی شاه از سال 1352 در عمان برای مقابله با شورشیان کمونیست - که علیه پادشاه آن کشور با حمایت شوروی اقداماتی انجام داده بودند - تا جایی پیش رفت که حدود 40 هزار نفر از نیروهای مسلح ایران در طُفَّار به کشتن افرادی پرداختند که منافع انگلیس و آمریکا را به خطر افکنده بودند و از این سو صدها کشته نیز برای ملت ایران در پی آورد. ارسال تجهیزات نظامی از سوی ایران به یمن شمالی، مراکش، اردن و زئیر، درگیری نظامی ایران در سومالی، عملیات نظامی ایران علیه ناراضیان بلوچ در پاکستان، ارسال جت‌های فانتوم از سوی ایران برای حفظ رئیس‌جمهور وان‌تیو در ویتنام جنوبی، استفاده آمریکاییان از هواپیماهای ایران برای عملیات نظامی و کشتن مردم در جنگ ویتنام و نیز کمک نظامی ایران به رژیم صهیونیستی در تصرف سرزمین فلسطین و کشتن مردان آن سرزمین تنها بخشی از صدها دخالت نظامی ایران در دوره پهلوی در راستای منافع غرب بود.<sup>184</sup>

تاج‌الملوک، همسر اول رضاخان و مادر محمدرضا شاه می‌گوید:

یک روز محمدرضا که خیلی ناراحت بود، به من گفت: مادر جان! مردشور این سلطنت را ببرد که من، شاه و فرمانده کل قوا هستم و بدون اطلاع من هواپیماهای ما را برده‌اند ویتنام! آن موقع جنگ ویتنام بود و آمریکایی‌ها که از قدیم در ایران [نیروی] نظامی داشتند، هر وقت احتیاج پیدا می‌کردند، از پایگاه‌های ایران و امکانات ایران با صلاح‌دید خود استفاده می‌کردند برای پشتیبانی نیروهای خودشان در ویتنام. بماند که چقدر سوخت مجانی می‌زدند و اصلاً کل بنزین هواپیماها و سوخت کشتی‌هایشان را از ایران می‌بردند.<sup>185</sup>

<sup>184</sup> (1). بنگرید به: مسعود بهنود، دولت‌های ایران از سید ضیاء تا بختیار، ص 588-585؛ جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ص 112 و 113.

<sup>185</sup> (2). روزنامه کیهان، 29/10/81، ص 3.

در شرایطی این کمک‌ها و دخالت‌های نظامی در دیگر کشورها صورت می‌گرفت که وضعیت بهداشتی، علمی و اقتصادی ایران بسیار نامناسب بود و درآمدهای کشور صرف خرید اسلحه می‌شد تا در خدمت بیگانگان قرار گیرد. جدول زیر این جنایت بزرگ را به‌خوبی نشان می‌دهد.<sup>186</sup>

### نمایش تصویر

جدول (6): ده قدرت بزرگ نظامی دنیا و رتبه‌های آنها

بر مبنای شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی، 1354 ش (1975 م)<sup>187</sup>

یادداشت‌ها:

1. رتبه جهانی در بین 140 کشور جهان بر مبنای هزینه نظامی.
2. رتبه جهانی بر مبنای متوسط رتبه‌های جایگاه اقتصادی و اجتماعی در بین کشورهای مستقل دنیا.
3. رتبه جهانی براساس درآمد ملی سرانه.
4. رتبه جهانی بر مبنای آموزش و پرورش سرانه.
5. رتبه جهانی براساس تعداد جمعیت واجد شرایط سنی ورود به مدارس برای هر معلم.
6. رتبه جهانی بر مبنای جمعیت واجد شرایط سنی ورود به مدارس.

---

<sup>186</sup> (1). سعیده لطفیان، ارتش و انقلاب اسلامی ایران، ص 495.

<sup>187</sup> (2). سیوارد، 1978، ص 15.

7. رتبه جهانی براساس درصد زنان در کل افراد ثبت‌نام کرده در دانشگاه‌ها.

8. رتبه جهانی بر مبنای نرخ باسوادی.

9. رتبه جهانی بر پایه هزینه بهداشت عمومی سرانه.

10. رتبه جهانی بر مبنای تعداد مردم به ازای هر پزشک.

11. رتبه جهانی براساس تعداد مردم به ازای هر تخت بیمارستانی.

12. رتبه جهانی بر مبنای نرخ مرگ و میر اطفال در هر 1000 تولد زنده.

13. رتبه جهانی بر پایه امید به زندگی در بدو تولد.

کشورهای دارای رتبه یازدهم تا بیستم بر مبنای هزینه نظامی به ترتیب عبارت بودند از: عربستان سعودی، اسرائیل، کانادا، هندوستان، هلند، آلمان شرقی، لهستان، سوئد، اسپانیا و ترکیه.

سه. رژیم پهلوی نیروهای مسلح را به عامل تحکیم سلطه خود بدل کرده بود و با کشتار مردم و حمله به مراسم و تجمعات و محافل مذهبی مردم، جنایات بی‌شماری را رقم زد. یکی از سناتورهای آمریکایی در سال 1339 ش می‌گوید:

می‌دانید که فرمانده ارتش ایران به یکی از افراد ما چه گفته است؟ گفته است به‌علت کمک‌های آمریکا اکنون ارتش ایران بهترین شکل را پیدا کرده. اکنون می‌تواند به‌خوبی با مردم ایران در بیفتد!<sup>188</sup>

خسرو داد، از فرماندهان نیروی هوایی نیز به شاه گفته بود:

اگر تهران دویست هزار نفر جمعیت داشته باشد و همه دوست اعلی‌حضرت باشند، بهتر است تا 5 میلیون جمعیت داشته باشد و مخالف باشند. بنابراین اجازه بفرمایید تهران را بمباران کنم، به‌جز چند محل طرفدار شاه.<sup>189</sup>

اگرچه بخش عظیمی از بدنه ارتش همراه ملت و مخالف رژیم پهلوی بود، اما فرماندهان وابسته به رژیم و عواملشان جنایات‌هایی همانند حمله به مدرسه فیضیه و کشتار طلاب در

<sup>188</sup> (1). جمیله کنیور، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، ص 47.

<sup>189</sup> (2). محمد اصفهانی، مقایسه ارتش اسلام با ارتش طاغوت، ص 6.

فروردین 1342، کشتار مردم در 15 خرداد 1342، 19 دی 1356 و 17 شهریور 1357 را پدید آوردند تا رژیم پهلوی را تحکیم بخشند.

آنچه گفتیم، تنها بخشی از عملکرد نیروهای مسلح در رژیم پهلوی بود. اما انقلاب اسلامی ایران، تحولی بزرگ در ساختار نظامی ایران ایجاد کرد. بی‌گمان عملکرد نیروهای مسلح امروز در قالب ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مردمی را می‌توان در حماسه بزرگ و بی‌نظیر «دفاع مقدس» ارزیابی نمود. از سوی دیگر، اقتدار نیروهای مسلح ایران اسلامی نیز موجب ایجاد بازدارندگی در برابر دشمنان این ملت گردیده است.

### تحلیل دفاع مقدس

برای روشن‌تر شدن تحول عظیم در ساختار نظامی - امنیتی کشور به اختصار افتخار ملی «دفاع مقدس» را در قالب پاسخ به سه پرسش بررسی می‌کنیم.<sup>190</sup>

#### 1. چرا به جمهوری اسلامی ایران تهاجم نظامی صورت گرفت؟

پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پایان یافتن سلطه غرب بر ایران و قطع شدن دست چپاول آنان از این کشور، موجب شد استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل توطئه‌ها و تهدیدات گوناگونی را علیه ایران رقم زند؛ همچون ایجاد آشوب و شورش، کشتن مردم در کردستان، خوزستان، بلوچستان، گنبد و ترکمن صحرا و در پی آن حرکات سازمان منافقین در دیگر شهرها، کودتاهای متعدد، محاصره اقتصادی، حرکات تروریستی و به شهادت رساندن یاران انقلاب و نیز تهاجم نظامی آمریکا در صحرای طبس که با امداد غیبی ختمی شد. آنان چون از این اقدامات طرفی نبستند، به تهاجم نظامی گسترده‌ای دست زدند تا بر «ایران» و «ایمان» ما چیره گردند.

طراحی عملیات نظامی علیه انقلاب اسلامی در شرایطی صورت گرفت که هنوز انقلاب اسلامی پیروز نشده بود. هارولد براون، وزیر دفاع آمریکا در دولت کارتر حدود یک ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید:

<sup>190</sup> (1). بنگرید به: محسن نصری، سفرنامه عشق.

شرایط ایران گویای چیزی است که ممکن است اتفاق بیفتد. ادامه عدم ثبات در آنجا می‌تواند به کوشش‌هایی از جانب عراق برای تصفیه حساب‌های قدیمی بینجامد.<sup>191</sup>

همچنین برژینسکی در کتاب قدرت و اصول اخلاقی می‌نویسد:

از همان آغاز پیروزی انقلاب، به عملیات نظامی علیه ایران می‌اندیشیدم.<sup>192</sup>

آمریکا با فروپاشی رژیم پهلوی و شکست سیاست «دو ستونی» نیکسون (ایران و عربستان) برای پرکردن خلأ حاصل شده در پی آن بود تا صدام را به ژاندارم منطقه بدل کند. ریچارد نیکسون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا در این باره می‌گوید:

تنها سؤالی که برای همگان مطرح می‌باشد، این است که کدام کشور می‌تواند جانشین ایران بشود؟ ... دولت تندروی عراق در حال حاضر قوی‌ترین نیروی نظامی خلیج فارس به شمار می‌رود ... برای ایالات متحده آمریکا دلایل کافی و منطقی زیادی در مورد بهبود روابط با کشور عراق موجود است.<sup>193</sup>

ادموند ماسکی، وزیر خارجه آمریکا پس از شکست تهاجم آمریکا در طبرستان، سیاست آمریکا در برابر ایران را چنین اعلام کرد:

تلاش برای اضمحلال و ازهم‌گسیختگی داخلی، کشاندن اقتصاد رو به نابودی و نیز تهاجم و حمله به مرزها.<sup>194</sup>

صدام در فروردین 1358 می‌گوید:

اکنون موقع آن نیست که من دست روی دست بگذارم و شاهد و ناظر انقلاب ایران باشم. اینک موقع آن رسیده است که از وضع آشفته ایران تضعیف‌شده حداکثر بهره‌برداری را بکنم و با یک حمله کار ایران را بسازم.<sup>195</sup>

---

<sup>191</sup> (1). روزنامه اطلاعات، 1361 / 11 / 21.

<sup>192</sup> (2). حسن واعظی، ایران و آمریکا، ص 97.

<sup>193</sup> (3). ریچارد نیکسون، جنگ حقیقی، ص 140 - 1.

<sup>194</sup> (4). فرهاد درویشی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج 1، ص 87.

<sup>195</sup> (5). روزنامه اطلاعات، 1359 / 7 / 24.

از سویی دیگر، طه یاسین رمضان، معاون نخست‌وزیر عراق در دی‌ماه 1360 تأکید کرد:

ما به این نکته تأکید می‌کنیم که جنگ به پایان نخواهد رسید، مگر اینکه رژیم حاکم در ایران به‌طور کلی منهدم شود؛ زیرا اختلافات اساسی بر سر چندصد کیلومتر مربع زمین یا نصف شطالعرب که سبب بروز جنگ شده بود، نیست.<sup>196</sup>

همچنین سفیر سابق آمریکا در عربستان، در مجله «نیوزویک» در سال 1361 می‌نویسد:

عراق می‌خواست با هجوم به سرزمین‌های ایران شاهد سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد.<sup>197</sup>

بنابراین تهاجم نظامی گسترده که برای نابودی انقلاب اسلامی و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی و سلطه دوباره بر ملت ایران طراحی شده بود، با حماسه‌آفرینی جوانان ایران اسلامی به نتیجه نرسید.

## 2. تهاجم نظامی به جمهوری اسلامی ایران چگونه صورت گرفت؟

با بررسی جنگ‌های قرون اخیر دنیا همانند جنگ جهانی اول و دوم، جنگ ویتنام و جنگ کره درمی‌یابیم که تقریباً در دنیا دو دسته در قالب متحدین و متفقین در مقابل یکدیگر می‌ایستادند و بلوک شرق و غرب نیز هر کدام از کشوری حمایت می‌کنند. اما در این میان، تنها جنگی که همه دنیای استکباری شرق و غرب با هم متحد شدند، تهاجم نظامی استکبار توسط صدام به ملت ایران است که این خود از بزرگی این هجوم و عظمت دفاع مقدس ایرانیان حکایت دارد.

کلود شسون، وزیر خارجه وقت فرانسه اعتراف می‌دارد:

جنگ عراق و ایران، تنها موردی است که در آن آمریکا و شوروی به‌طور مشترک تلاش کرده و با یکدیگر همکاری می‌کنند.<sup>198</sup>

---

<sup>196</sup> (1). روزنامه جمهوری اسلامی، 6 / 7 / 1362.

<sup>197</sup> (2). محمد درودیان، از خونین‌شهر تا خرمشهر، ص 176.

<sup>198</sup> (3). روزنامه اطلاعات، 7 / 3 / 1363.

برخی از ابعاد چگونگی تجهیز صدام و حمایت از او عبارت است از: نیروی نظامی، تجهیزات نظامی، اطلاعات نظامی، امکانات مالی، تبلیغات جهانی و سازمان‌های بین‌المللی.

این تهاجم نظامی گسترده با همکاری ده‌ها کشور و حتی فرستادن نیروی نظامی مزدور به عراق شروع شد؛ چنان‌که در بین اسرای عراقی، ملیت‌هایی همچون سومالیایی، اردنی، مصری و مراکشینیز وجود داشت. از لحاظ تجهیزات نظامی نیز مدرن‌ترین تسلیحات روز دنیا در اختیار صدام قرار گرفت.

صدام در مصاحبه با نشریه ای‌ایتالیایی در سال دوم جنگ می‌گوید:

جنگ عراق با ایران تنها یک نبرد منطقه‌ای نیست، بلکه امروز عراق به نمایندگی از سوی تمام جهان متمدن با نظام ایران می‌جنگد و کشورهای غربی در این زمینه باید از ما سپاس‌گزار باشند.<sup>199</sup>

کنت آرتیمرمن، محقق آمریکایی، می‌نویسد:

ماشین مرگ‌آفرین صدام حسین تنها و تنها به یاری شرکت‌های غربی ساخته شد ... یک آمار سرانگشتی نشان می‌دهد که 445 شرکت غربی در ساختن این ماشین مرگ و پرسود شرکت داشته‌اند که یک‌سوم آنها شرکت‌های آلمانی هستند.<sup>200</sup>

وی پایداری صدام را مرهون حمایت اروپا به‌ویژه فرانسه می‌داند:

سازمان‌های اطلاعاتی فرانسه در نیمه‌های سال 1986 میلادی چنین برآورد می‌کردند که اگر فرانسه فقط سه هفته از ارسال سلاح به عراق خودداری کند، آن کشور شکست خواهد خورد.<sup>201</sup>

از سویی آمریکا با پیمان «ناتو» و از دیگر سو شوروی با پیمان «ورشو» به تجهیز عراق می‌پرداختند. طی گزارشی درخصوص کمک‌های تسلیحاتی شوروی سابق به صدام آمده است:

شوروی در بین سال‌های 1988- (1367- ش) سلاح‌هایی به ارزش تقریبی 8/8 تا 9/2 میلیارد دلار شامل 2000 تانک، 300 هواپیمای جنگنده، حدود

<sup>199</sup> (1). روزنامه رسالت، 1365/7/1، ویژه‌نامه.

<sup>200</sup> (2). کنت آر. تیمرمن، سوداگری مرگ، ص 753.

<sup>201</sup> (3). همان، ص 454.

### 300 موشک زمین به زمین از نوع اسکاد B

و هزاران قطعات توپخانه‌سنگین و نفربرهای مسلح به عراق تحویل دادند.<sup>202</sup>

از سویی دیگر، چهارصد شرکت غربی که تقریباً نیمی از آنها آلمانی بودند، صدام را به سلاح‌های مرگبار شیمیایی مجهز کردند که از بزرگ‌ترین جنایات این کشورها به‌شمار می‌رود. البته در این میان نمی‌توان حمایت‌های وسیع رژیم صهیونیستی را نیز نادیده انگاشت.

در عرصه اطلاعات نظامی، آمریکا و متحدانش با بهره‌گیری از هواپیماهای جاسوسی و اطلاعاتی «آواکس» که از پایگاه‌های عربستان پرواز می‌کرد، اطلاعات نظامی لازم را در اختیار عراق قرار می‌دادند.<sup>203</sup> رادیو آمریکا به نقل از «نیویورک تایمز» در سال 1369 اعلام کرد:

مقامات کنونی و پیشین دولت آمریکا می‌گویند: سیا، سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا در دوره جنگ، اطلاعات گران‌بهایی را درباره عملیات نظامی ایران در اختیار عراق گذاشت.<sup>204</sup>

به‌جز نیرو، تجهیزات و اطلاعات نظامی، کشورهای عربی و غربی‌کمک‌های مالی بسیاری نیز در اختیار صدام نهادند. ابوغزاله، معاون سابق رئیس‌جمهوری و وزیر دفاع مصر به رادیو کویت گفت:

همه می‌دانند که تنها کویت و عربستان بیش از 60 میلیارد دلار به عراق کمک کرده‌اند.<sup>205</sup>

افزون بر این، سازمان‌های بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد با نه بیانیه و قطعنامه به حمایت از عراق می‌پرداختند.

خاویر پرز دکوئیار، دبیرکل سازمان ملل متحد در دوران جنگ تحمیلی، طی مصاحبه‌ای در شهریور 1385 می‌گوید:

در شورای امنیت تمایل زیادی برای پایان یافتن جنگ در سال‌های اول آن نبود و

---

<sup>202</sup> (1). مجله سیاست دفاعی، تابستان و پاییز 1375.

<sup>203</sup> (2). بنگرید به: وفیق السامرائی، ویرانی دروازه شرقی.

<sup>204</sup> (3). محسن صفری، ما اعتراف می‌کنیم، ص 61.

<sup>205</sup> (4). روزنامه کیهان، 7/ 12/ 1369.

حتی در زمانی که از سلاح‌های شیمیایی توسط عراق استفاده شد، شورای امنیت به درخواست‌های من برای انجام اقدامات عملی پاسخی نداد ... اکثر اعضا به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت به نحوی از عراق حمایت می‌کردند. در سطح جهان اراده قوی برای پایان دادن به این منازعه وجود نداشت و از طرفی حمایت آشکار بسیاری از کشورهای جهان از جمله قدرت‌های بزرگ و کشورهای غربی، از علل مهم ادامه یافتن جنگ و ادامه روند تخریب و کشتار بود.<sup>206</sup>

همچنین برایان اورکهارت، معاون دبیرکل وقت سازمان ملل متحد می‌گوید:

اقدام عراق نقض آشکار و گسترده حاکمیت یک کشور دیگر بود و می‌بایست به‌نفسه و به‌عنوان یک موضوع اصولی محکوم می‌شد، ولی عکس‌العمل در قبال این تجاوز، به طور اجتناب‌ناپذیر این جمع‌بندی را القا می‌کند که اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت فشار شدید عراق، دست روی دست گذاشته بودند، به این امید که شاهد پیروزی سریع و قطعی عراق باشند.<sup>207</sup>

بدین‌سان، حتی سازمان ملل متحد از جنایات صدام و غرب و تهاجم به ایران اسلامی دفاع می‌کند و از این سو عوامل تبلیغاتی دنیا نیز در حمایت از جنایات صدام از هیچ چیز فروگذار نبودند.

شایان ذکر است در چنین شرایطی ایران اسلامی در محاصره اقتصادی و نظامی نیز قرار داشت؛ چنان‌که مقام‌معهظم‌رهبری در جایی فرمود:

برادران و خواهران! تعجب می‌کنید اگر بدانید «سیم خاردار» خریداری‌شده توسط مسئولان ما در زمان جنگ، اجازه عبور از شوروی سابق را نداشت. از خودش هم نخریده بودند که بگویند مثلاً نمی‌فروشم! چون سیم خاردار در جنگ ممکن است مورد استفاده قرار بگیرد! دیگر وسیله‌ای دفاعی‌تر از سیم خاردار وجود داشت؟! از جای دیگر خریده بودند و می‌خواستند از داخل کشور شوروی سابق عبور بدهند، نمی‌گذاشت. شما ببینید با جمهوری اسلامی چه کردند؟ گلوله آرپی جی دم دستی کم‌اهمیت را به ما نمی‌فروختند!<sup>208</sup>

<sup>206</sup> (1). روزنامه کیهان، 21/8/1385، ص 12.

<sup>207</sup> (2). علی‌اکبر ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ص 122.

<sup>208</sup> (3). روزنامه جمهوری اسلامی، 14/2/1374.

### 3. چرا جمهوری اسلامی ایران در دفاع مقدس به پیروزی رسید؟

در پاسخ به این پرسش باید گفت چهار عنصر در ارتباطی سیستمی با یکدیگر، این پیروزی را موجب شد:

#### نمایش تصویر

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبِتْ أَقْدَامَكُمْ؛<sup>209</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید، خدا یاری‌تان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌سازد.

إِن يَنصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ؛<sup>210</sup> اگر خدا شما را یاری کند، کسی بر شما پیروز نخواهد شد.

بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتِيَنَّكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ؛<sup>211</sup> بلی! اگر شما صبر کنید و پرهیزکار باشید، چون [کافران] بر سر شما شتابان و خشمگین بیایند، خداوند شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.

چنان‌که پیداست، خداوند شرط یاری و امداد غیبی را استقامت و تقوا می‌شمرد.

در سال‌های دفاع مقدس به تعبیر امام خمینی، «سنگرها» به «مسجد» تبدیل شد و رزمندگان با خودسازی و تقوای الهی برکات و رحمت الهی را فرود آوردند. آنان با «جهاد اکبر» شروع کردند تا در «جهاد اصغر» پیروز شوند.

بی‌گمان این پیروزی به برکت نماز اول وقت در میدان جهاد، دعای نیمه‌شب، تهجد خالصانه و توسل به اهل بیت (علیهم السلام) به‌دست آمد. البته در این میان نمی‌توان نقش «ولایت» و

<sup>209</sup> (1) محمد (47): 7.

<sup>210</sup> (2) آل عمران (3): 160.

<sup>211</sup> (3) آل عمران (3): 125.

رهبری امام خمینی (قدس سره) را نیز نادیده انگاشت. کافی است به وصیتنامه‌ها و خاطرات شهدا نظری بیفکنیم تا سفارش‌های این عزیزان را درخصوص اطاعت از حضرت امام (قدس سره) را به‌عنوان «ولی فقیه»، بهتر دریابیم. برای نمونه، شهید احمد رضا احدی، دانشجوی رتبه اول رشته پزشکی که در عملیات کربلای 5 در شلمچه به شهادت رسید، در وصیت‌نامه‌اش می‌نویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ فقط نگذارید حرف امام به زمین بماند، همین! برایم از همگی حلالی بخواهید.<sup>212</sup>

از سویی دیگر، «شهادت» و فداکاری و ایثارگری نیز قدرتی شگرف به سپاهیان اسلام می‌افزود؛ چنان‌که پس از سال‌ها هنوز دشمنان در صدند روحیه تفکر و اعتقاد به شهادت را از میان ببرند.

از حدود 220 هزار شهید حماسه‌ساز و همیشه جاوید دفاع مقدس، نزدیک به 36 هزار شهید دانش‌آموز، 3500 شهید دانشجو، 4 هزار شهید روحانی و طلبه و 5 هزار نفر نیز شهید زن‌اند که جملگی از روحیه ایثار و شهادت حکایت دارد.

«عبادت» توأم با «ولایت» و «شهادت»، بی‌شک «همت» و تلاش خستگی‌ناپذیر را در پی می‌آورد. رزمندگان اسلام با وجود نداشتن امکانات و تجهیزات نظامی، به تأسی از قرآن که فرمود «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ»<sup>213</sup> سخت ایستادند و این تنها با همتی عالی تحقق یافت.

بی‌گمان توأمان بودن این چهار عامل ما را به پیروزی رساند و از سویی سلامت دوران پس از جنگ را نیز - در برابر تهاجم فرهنگی استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل - تضمین نمود و بی‌شک تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی به دنبال گرفتن این عناصر پیروزی از ملت ایران است.

انقلاب اسلامی ایران نه تنها توانست با تحول در ساختار نظامی - امنیتی کشور «دفاع مقدس» را شکل دهد، بلکه امروز جمهوری اسلامی با اقتدار خود عاملی بازدارنده در مقابل تهاجم نظامی دشمنان نیز به‌شمار می‌رود. فرناندو کوئن، مدیر نشریه نظامی «وارهیت» در

<sup>212</sup> (1). احمد رضا احدی، حرمان هور، ص 153.

<sup>213</sup> (2). هود (11): 112.

اسپانیا می گوید:

اگر قدرت نظامی و دفاعی ایران بسیار بالا نبود، این کشور در سال‌های اخیر بارها مورد حمله دشمنانش قرار می‌گرفت. ایران از جمله 10 کشور اول جهان از نظر قدرت و تاکتیک نظامی است. اکنون همه کارشناسان نظامی به این واقعیت اعتراف دارند که ارتش ایران در میان کشورهایمانند آمریکا، روسیه، چین و ژاپن یک نیروی بسیار مجهز و قوی است.<sup>214</sup>

در همین راستا، برای روشن شدن سستی غرب در مواجهه نظامی علیه ایران و اقتدار روزافزون و توانمندی و بازدارندگی دفاعی کشورمان، به بخشی از گزارش مؤسسه آمریکایی «اینتر پرایز»<sup>215</sup> درباره ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل جمهوری اسلامی اشاره می‌کنیم:

اگرچه در رویکرد نظامی‌گرایانه آمریکا، جمهوری اسلامی ایران یک هدف قانونی و راهبردی به حساب می‌آید، اما شکل‌گیری یک پایگاه مردمی، پیش‌نیاز آمریکا برای هر نوع اقدام فراگیر علیه ایران است و تا زمانی که آسیب‌های داخلی در امتداد تهدید بیرونی قرار نگیرد، عملیات نظامی علیه یک کشور، کارساز نخواهد بود. تأملی بر اوضاع داخلی و محیط امنیتی ایران نشان می‌دهد مؤلفه‌های امنیتی این رژیم در بخش حکومتی، وحدت و انسجام ملی و محیط بین‌المللی، به‌شدت بازسازی و تقویت شده است و دیگر نمی‌توان با کشوری که از حیث وسعت سرزمین، کمیت جمعیت، کیفیت نیروی انسانی، منابع طبیعی سرشار و موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه خاورمیانه به قدرتی برتر تبدیل شده، یورش نظامی برد. ایرانی‌ها در فعالیت‌های چریکی و به راه انداختن جنگ‌های نامتقارن مهارت زیادی دارند و به‌سختی پاسخ حملات ما را می‌دهند. آنها اگر می‌خواستند، می‌توانستند در عراق جنگ بزرگی علیه ما راه بیندازند که می‌توانست بسیار وحشتناک باشد. بنابراین پیش از آنکه تصویر روشن‌تر اطلاعاتی درباره برنامه هسته‌ای ایران داشته باشیم و گزینه‌های دیگر، یعنی گزینه‌های دیپلماتیک و مسیر چندجانبه دیپلماسی را پیموده باشیم، نباید به فکر تهاجم نظامی - ولو به صورت گزینشی - به کشوری باشیم که اولاً هیچ تضمینی در عدم‌گسترش این بحران به خارج مرزهای ایران وجود ندارد و ثانیاً پایان این جنگ معلوم نیست که در دستان ما باشد. باید از پیروزی قاطع نظامی در هر جنگی مطمئن بود و آنگاه پای در میدان معرکه گذاشت.

<sup>214</sup> (1). روزنامه کیهان، 1385/7/9، ص 2.

<sup>215</sup> (2). این مؤسسه مرکز تجمع استراتژیست‌های آمریکایی است که ارکان راهبردی دولت آمریکا را ترسیم و تدوین می‌کند.

در پایان این گزارش، زیگنیو برژینسکی در گفتگو با روزنامه آمریکایی واشنگتن پست به مقامات آمریکایی یادآور شد:

من از حمله به ایران به عنوان پایان‌دهنده نقش آمریکا در جهان می‌نگرم. عراق ممکن است پیش‌نمایشی از پایان نقش آمریکا در جهان باشد. اما اگر سربازان آمریکایی سریع‌تر از آن کشور خارج شوند، این مسئله قابل‌ترمیم است. اگر جنگی با ایران آغاز شود، ما برای 20 تا 30 سال درگیر ماجرا خواهیم بود و موقعیت جهانی خود را از دست خواهیم داد؛ درحالی‌که دنیا هم ما را محکوم می‌کند. بوش نشان داد که در آغاز جنگ خوب عمل می‌کند، اما تدابیری برای خاتمه آن ندارد و درگیری با ایران از این قاعده مستثنی نیست. اگر کلید پایان جنگ در دستان ایران باشد، چه می‌توان کرد؟<sup>216</sup>

درخصوص توانمندی و بازدارندگی دفاعی و اقتدار ملی امروز کشورمان، تحلیل کارشناسان و سیاست‌گذاران غربی گویای صلابت و قدرت ایران اسلامی در سطح منطقه و جهان است. در این باره به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

توماس فریدمن، کارشناس مسائل خاورمیانه و سرمقاله‌نویس روزنامه آمریکایی «نیویورک تایمز» طی مقاله‌ای با عنوان «ایران، لقمه گلوگیر» در تابستان 1384 چنین می‌نویسد:

تجربه حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق، تجربه‌ای گران‌بها برای سران کاخ سفید به شمار می‌آید تا مبدا بار دیگر تحت‌تأثیر تبلیغات فریبنده و بزرگ‌نمایی‌های مجازی، بی‌مهابا به کشوری حمله کنند که از آن باید به عنوان لقمه گلوگیر نام برد.

ریسک بلعیدن یک گوساله وحشی توسط یک افعی غول‌پیکر، به همان اندازه که ممکن است طعمه‌ای لذیذ باشد، ممکن است در گلوئی او جا خوش کند و منجر به هلاکت افعی گردد. تجربه جنگ هشت‌ساله، چند میلیون سرباز فدایی، وسعت جغرافیایی، طبیعت وحشی، تسلیحات پیشرفته نظامی، آموزش‌های پیچیده جنگ‌های نامتقارن و اوضاع نابسامان بین‌المللی، ازجمله ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی است که جمهوری اسلامی ایران را تبدیل به یک قدرت برتر منطقه‌ای نموده است.<sup>217</sup>

ریچارد هاس، مشاور ویژه جرج بوش پدر و رئیس فعلی شورای روابط خارجی آمریکا

<sup>216</sup> (1). هفته‌نامه صبح صادق، 15/ 8/ 1385، ص 8.

<sup>217</sup> (2). همان، 17/ 11/ 1384، ص 1.

به صراحت می نویسد:

جنگ عراق نشان داد که نقاط ضربه پذیر آمریکا فراوان است ... جنگ عراق نشان داد که در صورت رویارویی با ایران، چه فاجعه ای برای ما رخ خواهد داد. کشوری که سه برابر عراق جمعیت، چهار برابر آن وسعت و میلیون ها فدایی را در خود جای داده است ....<sup>218</sup>

رابرت هانتز، سفیر سابق آمریکا در ناتو می گوید:

ایران با برخورداری از تمدنی چند هزار ساله و جوانانی که در شوق رسیدن به فیض شهادت لحظه شماری می نمایند، شرایط بغرنجی را برای هژمونی آمریکا به وجود آورده است. پیامدهای حمله نظامی به ایران سخت و خطرناک خواهد بود و آرام کردن دفاع نظامی ایران پس از حملات پیش دستانه آمریکا، کار آسانی نخواهد بود.<sup>219</sup>

بنابراین توانمندی های کشورمان با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی،<sup>220</sup> ژئواستراتژیکی،<sup>221</sup> ژئواکونومیکی<sup>222</sup> و ژئوکالچریکی<sup>223</sup> که در عرصه های جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به جمهوری اسلامی ایران قدرت و اقتدار بخشیده، اجازه هرگونه اقدام و تهاجمی را از دشمنان سلب کرده است. مقام معظم رهبری در همین باره می فرماید:<sup>224</sup>

---

<sup>218</sup> (1). همان، 1384 / 12 / 15، ص 8.

<sup>219</sup> (2). همان، 1385 / 2 / 11، ص 10.

<sup>220</sup> (3). Geopolitic.

<sup>221</sup> (4). Geostategic.

<sup>222</sup> (5). Geoeconomic.

<sup>223</sup> (6). Geoculturic.

<sup>224</sup> نصری، محسن، ایران، دیروز امروز فردا، 1جلد، - - -، چاپ: ---.

پیشرفت و توسعه حقیقی هر جامعه‌ای اصول فرهنگی حاکم بر آن است که در قالب اعتقادات و باورها، ارزش‌ها و هنجارها، رفتارها و دستاوردهای هر جامعه‌ای تجلی می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، تغییر در ساختار فرهنگی ایران است. برای تبیین دقیق‌تر این تحول فرهنگی در جدول زیر به تجزیه و تحلیل وضعیت و ساختار فرهنگی رژیم پهلوی و سپس تأثیر انقلاب اسلامی در تغییر آن می‌پردازیم:

### نمایش تصویر

جدول (7): بررسی تغییرات در ساختار فرهنگی ایران

در تجزیه و تحلیل عناصر این جدول نکاتیچند در خور توجه است:

### الف) بررسی اهداف ساختار فرهنگی

ایرانیان که با انحطاط ساسانیان و ظلم و ستم آنان، «اسلام» را مطابق با نیاز و روحیات خود یافتند، آزادانه به اسلام پیوستند و فصل نوینی را در تاریخ این سرزمین رقم زدند و بدین‌رو فرهنگ اسلامی تحولی ریشه‌ای در جامعه ایرانی پدید آورد. بی‌گمان این تصمیم ایرانیان، از هوشمندی و درایت آنان حکایت دارد که در طول تاریخ بارها به اثبات رسیده است. بعدها نیز با همت علمای اسلامی پایه‌های «تمدن اسلامی» در عصر صفویه پی‌ریزی شد. اما متأسفانه برخی بی‌لیاقتی‌ها از سوی شاهان صفوی و سپس حمله اشرف افغان به ایران و سرانجام حاکمیت قاجاریه و پهلوی در دو قرن گذشته، جریان سلطه استعمارگران انگلیسی، روسی و آمریکایی را پدید آورد و زمینه افول و سقوط ایران را شکل داد.

استعمارگران مهم‌ترین مانع در برابر خود را «اسلام» و فرهنگ آزادی‌بخش آن می‌یافتند، از این‌رو بسیار کوشیدند تا «فرهنگ اسلامی» را در جامعه ایران نابود کرده، یا به تحریف کشانند.

بدین ترتیب، با آغاز سلطه خاندان پهلوی در ایران توسط انگلیس، «اسلام‌زدایی» محور و هدف ساختار فرهنگی رژیم پهلوی قرار گرفت و آنان در سخنان و عملکرد خود نشان دادند نه تنها هیچ نسبتی با فرهنگ اسلامی ندارند، بلکه در تلاش‌اند آن را از این سرزمین بزدایند.

محمدرضا شاه در مراسم رسمی پنجاهمین سالگرد بنیان‌گذاری سلسله خود، اسلام را از زندگی مردم ایران کنار نهاد و اعلام کرد:

من اعلام می‌کنم که ما، سلسله پهلوی، به چیزی جز ایران عشق نمی‌ورزیم ....<sup>225</sup>

اما انقلاب اسلامی برپایه «اسلام‌گرایی» و با احیای مجدد فرهنگ اسلامی، ملت بزرگ ایران را به سوی قلّه‌های افتخار و پیشرفت حقیقی سوق داد که بی‌گمان مهم‌ترین دستاورد آن به‌شمار می‌رود.

در این باره حضرت امام خمینی (قدس سره) می‌فرماید:

اسلام داشت منسی]/ فراموش [می‌شد؛ اسلام را داشتند منهدم می‌کردند؛ قرآن را داشتند زیر چکمه‌ها از بین می‌بردند. قیام شما جوان‌های ایران، قیام شما ملتایران - که قیام الهی بود - قرآن را زنده کرد؛ اسلام را زنده کرد؛ حیات تازه به‌اسلام بخشید.<sup>226</sup>

## ب) بررسی برنامه‌های ساختار فرهنگی

رژیم پهلوی در راستای «اسلام‌زدایی» خود سه برنامه اصلی را به دستور اربابان غربی‌اش به‌کار بست که بدانها می‌پردازیم.

### 1. باستان‌گرایی

در عصر قاجاریه ملت ایران به رهبری علما و روحانیت چندین بار در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی ایستادند؛ به‌ویژه با نهضت تحریم تنباکو و نهضت عدالتخانه (مشروطیت) که براساس ارزش‌های اسلامی شکل یافت، استعمارگران به کمک ایادی داخلی و وابستگان خود جریان انحرافی «باستان‌گرایی» و «ناسیونالیسم افراطی» را شکل بخشیدند که با آغاز سلسله

<sup>225</sup> (1). ماروین زونیس، شکست شاهانه، ص 152.

<sup>226</sup> (2). روح‌الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه نور، ج 5، ص 140.

پهلوی شدت و ژرفایی بیشتر یافت.

این جریان بیش از آنکه جنبه ایجابی داشته باشد، بُعد سلبی داشت؛ بدین بیان که از راه نفی اسلام و ارزش‌های اسلامی و تبلیغ تفکر «ایرانِ منهای اسلام» انجام می‌گرفت، به گونه‌ای که هر آنچه صبغه اسلامی داشت، به تمسخر گرفته شده و بدان تاخته می‌شد؛ آن‌هم با این بهانه که اسلام فرهنگ ایرانی نیست. آنان اسلام را فرهنگ اعراب معرفی می‌کردند و ایران را در برابر اسلام می‌نشانند، غافل از اینکه «اسلام» فرهنگی الهی مطابق با فطرت انسان‌هاست و ایرانی «اسلام» را پذیرفته است، نه «عراب» را.

استاد مرتضی مطهری با نوشتن کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران به مقابله با این توطئه برخاست:

عکس‌العمل ایرانیان در برابر اسلام فوق‌العاده نجیبانه و سپاس‌گزارانه بود و از یک نوع توافق طبیعی میان روح اسلامی و کالبد ایرانی حکایت می‌کند ... طبیعت ایرانی مخصوصاً با شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی ایران قبل از اسلام، این خوراک مطبوع را به خود جذب کرد و از آن، حیات و نیرو گرفته است و حیات خود را صرف خدمت به آن کرده است.<sup>227</sup>

رضاشاه با پیرویز آتاتورک - که پان ترکیسم را بنیان نهاده بود - به «باستان‌گرایی» و ناسیونالیسم افراطی پرداخت و ایدئولوژی شاهنشاهی را به جای ایدئولوژی اسلامی نشانده.<sup>228</sup>

رژیم پهلوی از شعار «خدا، شاه، میهن» آغاز کرد و سپس ابیاتی را به نام فردوسی جعل نمود؛ همچون: «چه فرمان یزدان چه فرمان شاه / چو ایران نباشد تن ما مباد». بعدها نیز در ابتدای سخنرانی‌ها به جای «بسم الله» و یا «به نام خدا» می‌گفتند: «به نام خدایگان شاهنشاه» و جزاینها.<sup>229</sup>

در همین راستا، رژیم پهلوی با تحریف «شاهنامه فردوسی» و جعل ابیاتی در وصف «فرح» و «پهلوی»، اعتراض افرادی همانند «ملک‌الشعراى بهار» را برانگیخت؛ چیزی که

<sup>227</sup> (1). مرتضی مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ص 600.

<sup>228</sup> (2). بنگرید به: محمدحسن آصف، مبانی ایدئولوژیک حکومت در دوران پهلوی.

<sup>229</sup> (3). مسعود بهنود، دولت‌های ایران از سیدضیاء تا بختیار، ص 127.

بی‌گمان روح حکیم فرزانه طوس - که شاهنامه خود را «ستم‌نامه عزل شاهان» و «دردنامه بی‌گناهان» می‌خواند - از آن بیزار بود.<sup>230</sup>

مرحوم جلال آل‌احمد از هدف دستگاه رضاخانی در ترویج زرتشتی‌گری چنین پرده برمی‌دارد:

... در دوره بیست ساله پیش از شهریور [1320] از نو سروکله «فروهر» بر در و دیوارها پیدا می‌شود که یعنی خدای زرتشت را از گور درآورده‌ایم و بعد سروکله ارباب گیو و ارباب جمشید پیدا می‌شود با مدرسه‌هاشان و انجمن‌هاشان و تجدید بنای آتشکده‌ها در تهران و یزد. آخر اسلام را باید کوبید و چه جور؟ این جور که از نو مرده‌های پوسیده و ریسیده‌ای را که سنت زردشتی باشد و کوروش و داریوش [را] از نو زنده کنی ....<sup>231</sup>

از این رو فرح کنگره زرتشتیان جهان را در ماه رمضان در تهران برپا کرد و بدین مناسبت مجلس پذیرایی با شامپانی در کاخ سلطنتی ترتیب داد.<sup>232</sup> پروفیسور پیتراوری، استاد ایران‌شناسی در دانشگاه کمبریج و مدرس کالج کینگ می‌نویسد:

در فاصله سال‌های 1941- (1320- ش) کاملاً آشکار شد که می‌توان عشایر را شکست داد ... اما ملاها باقی مانده بودند ... مخالفان قوانین شرعی ناگزیر بودند که ابتدا یک نظام حقوقی را جانشین آن سازند، سپس به متزلزل کردن رکن مذهب پردازند. رضاشاه نیز همین کار را کرد؛ درحالی‌که در نظر بود آموزش و پرورش غیرمذهبی و تبلیغات ملی‌گرایانه - که ایران پیش از اسلام نمونه آن بود - برای سست کردن وفاداری مذهبی مردم به نهاد روحانیت به کار گرفته شوند ... به این ترتیب بود که در اواخر سال 1936 [آذرماه و دی‌ماه 1315] ایران از نظر قانونی به‌طور کامل از دین رها شد ....<sup>233</sup>

بنابراین رژیم پهلوی در راستای «اسلام‌زدایی» به «باستان‌گرایی» روی آورد، اما غافل از اینکه به تعبیر مرحوم دکتر شریعتی:

<sup>230</sup> (1). حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 42.

<sup>231</sup> (2). جلال آل‌احمد، خدمت و خیانت روشنفکران، ص 117.

<sup>232</sup> (3). ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 290.

<sup>233</sup> (4). پیتراوری، تاریخ معاصر ایران، ج 2، ص 73-63.

اسلام روح تاریخ ایران بعد از اسلام را تشکیل می‌دهد ... ایرانی که ما در قرن اول و پیش از قرن اول (اواخر ساسانیان) می‌شناسیم، تشنه شعارها و اصولی است که اسلام بیان می‌کند. این شعارها خواه ناخواه نفوذ پیدا می‌کند و نمی‌توان جلوی مردم را گرفت که بدان نگرند.<sup>234</sup>

بنابراین انقلاب اسلامی ایران احیاگر مجدد روح اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی ملت بود و خود گواهی بود بر اینکه نمی‌توان اسلام را از این ملت بازگرفت.

## 2. غرب‌گرایی

رژیم پهلوی در ساختار فرهنگی خود برای «اسلام‌زدایی» کوشید با «غرب‌گرایی»، در برابر اسلام و فرهنگ فطری آن بایستد و ایرانی را با فرهنگ منحرف و مبتذل غربی آشنا سازد.

جریان غرب‌زدگی از دوره قاجاریه توسط منورالفکران فراماسونر و وابسته به انگلیس آغاز شد و در دوره پهلوی به اوج خود رسید. میرزا ملکم خان که پدر روشنفکری غرب‌زده و پایه‌گذار لژهای فراماسونری است، می‌نویسد:

من همین قدر می‌گویم که ما در مسائل حکمرانی نه می‌توانیم و نه باید از پیش خود اختراعی نماییم. یا باید علم و تجربه فرنگستان را سرمشق خود قرار بدهیم، یا باید از دایره بربری‌گری خود قدمی بیرون نگذاریم.<sup>235</sup>

در دوره پهلوی نیز سیدحسن تقی‌زاده - که روزگاری در عصر نهضت عدالتخانه از رهبران مشروطه انگلیسی بود و در دوره پهلوی به وزارت و سپس به ریاست مجلس سنا رسید - معتقد بود:

برای ترقی باید از فرق سر تا نوک پا فرنگی شد ... ایران باید ظاهراً و باطناً و جسماً و روحاً فرنگی مآب شود و بس.<sup>236</sup>

همچنین فراماسونر وابسته‌ای همانند محمدعلی فروغی که در سه مقطع سلسله پهلوی نقش اصلی داشت، نخستین رئیس‌الوزرای رضاشاه بود که خطابه مراسم تاج‌گذاری رضاشاه را

<sup>234</sup> (1). علی شریعتی، بازشناسی هویت ایرانی اسلامی (مجموعه آثار 27)، ص 16 و 52.

<sup>235</sup> (2). محمد محیط طباطبایی، مجموعه آثار میرزا ملکم‌خان، ص 10.

<sup>236</sup> (3). مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب (سیدحسن تقی‌زاده)، ج 4، ص 60 و 156.

خواند و «شنل آبی» سلطنت را بردوش وی افکند. در سال‌های 1312 تا 1314 ش که رضاخان با سفر به ترکیه و الگوگیری از آتاتورک به مبارزه با اسلام پرداخت، او نخست‌وزیر رضاشاه بود و سپس در شهریور 1320 همو بود که رضاشاه را برد و با گذاردن تاج شاهی بر سر محمدرضا، سلسله پهلوی را در خدمت به انگلیس تداوم بخشید و اولین نخست‌وزیر پهلوی دوم شد. وی نیز چنین معتقد بود:

ایران مثل آستین بی حرکت است که تا دست دولت انگلیس در آن نباشد، ممکن نیست تکان بخورد.<sup>237</sup>

بنابراین رژیم پهلوی با هدایت جریان فراماسونری وابسته تلاش کرد با غربگرایی در مقابل فرهنگ اسلامی بایستد. در واقع بر همین اساس بود که خاندان پهلوی فاضلاب غرب را - نه عناصر مثبت و مقبول آن را - به ایران آوردند و در ابتدال و بی‌هویت کردن ملت بزرگ ایران کوشیدند. «کشف حجاب» رضاخانی تا «کشف حیا» محمدرضا شاهی، جملگی در همین راستا صورت می‌گرفت و شعار «به‌سوی تمدن بزرگ» پهلوی چیزی نبود جز سرسپردگی در برابر انگلیس و آمریکا، آن‌هم تحت عنوان تجدد و مدرن شدن. بنابراین در کارنامه آنان از توجه به علم، دانش، انضباط، صنعت و فناوری نمی‌توان چیزی یافت، مگر ایجاد مراکز فساد و فحشا و رونق بی‌هویتی و بی‌عفتی و هرزگی؛ همان اتفاقی که شهید مدرس سال‌ها قبل در آغاز سلسله پهلوی پیش‌بینی کرده بود:

... قریباً چوپان‌های قریه‌های قراعینی و کنگاور با فُکُل سفید و کراوات خودنمایی می‌کنند، اما در زیباترین شهرهای ایران هرگز آب لوله و آب تمیز برای نوشیدن مردم پیدا نخواهد شد. ممکن است شماره‌های کارخانه‌های نوشابه‌سازی روزافزون گردد، اما کوره آهن‌گدازی و کارخانه کاغذسازی پا نخواهد گرفت. درهای مساجد و تکایا به‌عنوان منع خرافات و اوهام بسته خواهد شد، اما سیل‌ها از رمان‌ها و افسانه‌های خارجی - که در واقع حسین گُرد فرنگی و رموز حمزه فرنگی چیزی نیستند - به‌وسیله مطبوعات و پرده‌های سینما به این کشور جاری خواهد گشت؛ به طوری که پایه افکار و عقاید و اندیشه‌های نسل جوان ما از دختر و پسر تدریجاً بر بنیاد همان افسانه‌های پوچ قرار خواهد گرفت و مدنیت مغرب و

معیشت ملل متری را در رقص و آواز و دزدی‌های عجیب آرسن لوپن و بی‌عفتی‌ها و مفاسد اخلاقی دیگر خواهند شناخت؛ مثل اینکه این چیزها لازمه متمدن بودن است.<sup>238</sup>

### 3. فرقه‌گرایی

رژیم پهلوی در راستای همان «اسلام‌زدایی» کوشید با «فرقه‌گرایی» و ترویج انواع فرقه‌های مذهبی منحرف، آنان را از «اسلام ناب محمدی (ص)» جدا سازد.

رضاشاه و محمدرضاشاه که با هرگونه تبلیغ اسلام و برپایی جلسات مذهبی مخالف بودند، در عین حال فضا را برای برخی آخوندهای درباری و وابستگان به خود فراهم می‌آوردند تا دین مردم را به تحریف کشانند؛ مانند «شریعت سنگلجی» که تحت‌تأثیر تجدّدگرایی رضاشاه و با حمایت او به مخالفت با برخی از آموزه‌ها و اعتقادات اسلامی پرداخت و کتاب «اسلام و رجعت» را با حمایت رژیم پهلوی به چاپ رساند، اما اجازه ندادند کتاب «ایمان و رجعت» نوشته یکی از روحانیان که در آن به دروغ‌پردازی و خیانت سنگلجی پرداخته‌بود، منتشر شود.<sup>239</sup>

در این میان، احمد کسروی نیز که در مدرسه طالبیه به تحصیل علوم قدیم و در مدرسه آمریکایی‌ها به تحصیل علوم جدید مشغول بود، در زمان رضاشاه لباس روحانیت را کنار نهاد و به استخدام دادگستری درآمد و پس از چندی رئیس عدلیه خوزستان شد. او از جمله افرادی بود که با نفی اندیشه اسلامی و ترویج ملی‌گرایی و آرای مدرنیستی به حمایت از رژیم پهلوی پرداخت. کسروی مانند برخی از روشنفکران معاصر - که در اندیشه عصری کردن دین‌اند - عضو افتخاری انجمن سلطنتی لندن بود<sup>240</sup> و ادعا داشت که اسلام برای پاسخگویی به نیازهای علمی و فلسفی زمان معاصر، قدیمی و ناتوان گردیده است. از این رو وی داعیه ایجاد دین جدیدی داشت که خود پیامبر آن بود! کسروی این دین را آیین پاک یا پاکدینی نامید و با به راه انداختن جشن کتاب‌سوزی، بسیاری از کتب عرفانی و ادعیه اسلامی را در آتش

<sup>238</sup> (1). مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، ص 121.

<sup>239</sup> (2). روح‌الله موسوی خمینی (امام)، کشف الأسرار، ص 333.

<sup>240</sup> (3). آبادیان، حسین و دیگران، رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر (مجموعه مقالات)، ج 1، ص 103.

رژیم پهلوی به حمایت از فرقه منحرف کسروی پرداخت تا اسلام ناب جایگاه خود را در جامعه از دست بدهد. در این راستا علی‌اکبر حکمی‌زاده که با خروج از لباس روحانیت، کتاب اسرار هزارساله را برضد اسلام و ارزش‌های شیعی نوشت، مورد حمایت رژیم پهلوی قرار گرفت. از این سو، امام‌خميني‌نيز در سال 1322 کتاب کشف‌الأسرار را در پاسخ به او نوشت.

رژیم پهلوی برای مقابله با اسلام حقیقی به ترویج فرقه‌های منحرفی همانند «تصوف» نیز پرداخت و تلاش کرد «خانقاه» را در مقابل «مسجد» مطرح و پایگاه حقیقی اسلام را نابود کند. در زمان حکومت رضاخان شایع شد که ابوالحسن فروغی (برادر محمدعلی فروغی) مأموریت یافته است فلسفه جدید «عرفانی» به سبک هگل تدوین کند. همان‌گونه که هگل سلطنت پروس را عالی‌ترین تجلی «ایده مطلق» می‌دانست، او نیز «شاهنشاهی ایران» را تحقق «نورالأنوار» می‌نمایاند.<sup>242</sup> آنان کوشیدند عرفان اصیل اسلامی را با تصوف و صوفیگری وابسته به فراماسونری منحرف کنند. دکتر اقبال، نخست‌وزیر رژیم پهلوی و ارتشبد نصیری، رئیس جلاادساواک از جمله دراویش مشهور دوره پهلوی به‌شمار می‌آمدند.<sup>243</sup>

از آخرین نمونه‌های «فرقه‌پروری» عصر پهلوی ترویج فرقه استعماری «بهاییت» برای مقابله با فرهنگ اسلامی بود. استعمارگران برای زمینه‌سازی سلطه خود در جوامع اسلامی از یک‌سو فرقه‌های گوناگونی را ایجاد کردند و از دیگر سو به اختلافات دینی و انحرافات فکری و اعتقادی دامن زدند. انگلیس در بین اهل سنت «وهاییت» را توسط مستر همفر پدید آورد<sup>244</sup> و در بین شیعیان نیز «بهاییت» توسط روس و انگلیس تأسیس و تقویت گردید.

کینیا دالگورکی - وزیر مختار دولت روسیه تزاری و ایجادکننده بهاییت - در خاطرات خود می‌نویسد:

من همیشه در فکر بودم که چگونه عده‌ای شیعه بر تمام گروه‌های اهل سنت و نیز بر

<sup>241</sup> (1) شهریار زرشناس، تأملاتی درباره روشنفکری در ایران، ص 119.

<sup>242</sup> (2) حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 2، ص 44.

<sup>243</sup> (3) سیدحسین آیت، درس‌هایی از تاریخ سیاسی ایران، ص 98.

<sup>244</sup> (4) بنگرید به: همفر، خاطرات مستر همفر، ص 68-.

امپراتوری بزرگی چون دولت عثمانی غلبه کردند و چطور این گروه اندک با روسیه جنگیده‌اند و تعداد زیادی از آنان را هلاک کرده‌اند؟ و دانستم که تمام اینها به‌خاطر وحدت مذهبی آنان و به‌واسطه عقیده و ایمانشان به اسلام است ... من نیز در صدد ایجاد آیین دیگری بودم که مرز نمی‌شناخت و مخصوص یک وطن نبود؛ زیرا تمام فتوحات به‌خاطر حب وطن و وحدت مذهبی بوده است.<sup>245</sup>

بر همین بنیاد، سیدعلی محمد شیرازی معروف به «باب» با فوت سیدکاظم رشتی تحت‌تأثیر تلقینات دالگورکی ادعای جانشینی او را مطرح ساخت.<sup>246</sup> او در سال 1260 ق مدعی «ذکریت» (مفسر قرآن) شد و در 1261 ق نیز ادعای بابت کرد؛ بدین معنا که وسیله ارتباط با امام‌زمان (عج) است. او در سال 1262 ق ادعای مهدویت، در 1263 ادعای نبوت، در 1264 ادعای ربوبیت و در سال 1265 ق نیز ادعای الوهیت نمود.<sup>247</sup>

او با بنیان‌نهادن فرقه ضاله «بابت»، به فتنه‌انگیزی و شورش پرداخت، اما به دستور میرزا تقی‌خان امیرکبیر دستگیر و در شعبان سال 1266 ق در تبریز اعدام گردید. با اعدام «باب» یکی از شاگردان او به نام میرزا حسینعلی که خود را «بهاءالله» نامید، رهبری این فرقه‌را برعهده گرفت، اما امیرکبیر او را به عراق تبعید کرد. وی با شهادت امیرکبیر به ایران بازگشت و در خدمت منافع استعمارگرانی چون روس و انگلیس قرار گرفت.

با مرگ بهاءالله فرزندش عباس افندی به‌عنوان «عبدالبهاء» تا سال 1300 ش و سپس نوه دختری او شوقی افندی رهبری این فرقه ضاله را برعهده داشتند. پس از مرگ شوقی افندی در سال 1336 ش در لندن، رهبری این فرقه ضاله به همسر آمریکایی او «روحیه (ماری) ماکسول» رسید. بهاییان در دهه 1340 کنفرانس ویژه‌ای با حضور سران مهم فرقه بهائیت در لندن تشکیل دادند و در این کنفرانس نه نفر را به‌عنوان اعضای مجلس بیت‌العدل برگزیدند. آن‌گاه این بیت‌العدل به شهر حيفا در رژیم صهیونیستی منتقل شد که تاکنون فعال است. روحیه ماکسول نیز در سال 1378 ش مُرد.<sup>248</sup> در خصوص وابستگی و خیانت این فرقه، برخی

<sup>245</sup> (1). کینیاز دالگورکی، اسرار فاش شده جاسوس روس در کشورهای اسلامی، ص 51.

<sup>246</sup> (2). همان، ص 46.

<sup>247</sup> (3). «بهائیت؛ چگونه که هست»، روزنامه جام‌جم (ویژنامه ایام، 6/ 6/ 1386)، ص 64.

<sup>248</sup> (4). بنگرید به: دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، سایه روشن بهائیت، ص 83-97.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 175

چنین گفته‌اند:

دالگورکی در خاطراتش می‌نویسد:

من عده‌ای از یاران همراز خود را به‌عنوان جاسوس تربیت می‌کردم، ولی هیچ‌کدام از آنان مانند میرزا حسینعلی بها و برادرش میرزا یحی صبح ازل، استعداد این کار را نداشتند.<sup>249</sup>

همچنین او به وزیر امور خارجه وقت کشورش می‌نویسد:

خیلی خوب است که فرقه بابیه با علمای اسلام مخالفت و مبارزه شدید شروع کرده ....<sup>250</sup>

پس از انقلاب اکتبر 1917 م در روسیه، بهاییان کاملاً به دامن انگلستان افتادند و تا آنجا پیش‌رفتند که عبدالبهاء، جاسوس روس‌ها به خاطر خدماتش، در آوریل 1920 از دولت انگلیس لقب «سِر» و نشان «شوالیه امپراتوری» را دریافت داشت و سپس یکی از مراکز اصلی خود را با حمایت رژیم صهیونیستی در فلسطین اشغالی قرار داد.<sup>251</sup>

همچنین در کتاب خطابات عبدالبهاء - که در مصر چاپ شده - در نطق سپتامبر 1911 م او آمده است:

اهالی ایران بسیار مسرورند از اینکه من آمده‌ام اینجا. این آمدن من اینجا سبب الفت بین ایران و انگلیس است؛ ارتباط تام حاصل می‌شود؛ نتیجه به درجه‌ای می‌رسد که به‌زودی از افراد ایران جان خود را برای انگلیس فدا می‌کنند.<sup>252</sup>

بد نیست بدانیم حرکت استعماری کشف حجاب در ایران توسط زنی فاسد به نام طاهره قره‌العین، از اعضای همین فرقه پدید آمد که خود بدون حجاب در ملاعام حاضر می‌شد و حتی اعلام نمود در شریعت باب، یک زن را نه شوهر جایز است و ....<sup>253</sup>

فریدون آدمیت، فراماسونر معروف چنین معترف است:

---

<sup>249</sup> (1) کینیاز دالگورکی، اسرار فاش شده جاسوس روس در کشورهای اسلامی، ص 26.

<sup>250</sup> (2) سیدمحمدباقر نجفی، بهائیان، ص 619.

<sup>251</sup> (3) «بهائیت؛ آنگونه که هست»، روزنامه جام‌جم (ویژنامه ایام، 6/ 6/ 1386)، ص 14-12.

<sup>252</sup> (4) نورالدین مدرسی چهاردهی، چگونه بهائیت پدید آمد؟، ص 210.

<sup>253</sup> (5) دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان، سایه روشن بهائیت، ص 147-152.

عنصر بهایی چون عنصر جهود [ / یهود ] به عنوان یکی از عوامل پیشرفت سیاست انگلیس در ایران درآمد. طرفه اینکه از جهودان نیز کسانی به این فرقه پیوستند و همان میراث سیاست انگلیس به آمریکا نیز رسیده است.<sup>254</sup>

لذا «لنیدن جانسون» رئیس جمهور آمریکا در سال 1967 م طی پیامی خطاب به محافل بهائیان آمریکا تصریح می کند: «هدف شما با هدف آمریکا یکی است»<sup>255</sup> و «رونالد ریگان» رئیس جمهور دیگر آمریکا در سال های پس از پیروزی انقلاب اسلامی از بهائیان که علیه ملت ایران اقداماتی را انجام می دادند حمایت کرد.

این فرقه انگلیسی در عصر پهلوی، نفوذ بسیاری در دربار یافت؛ چنان که به گفته ارتشبد فردوست، رضاخان و محمدرضا پهلوی به بهائیان توجهی ویژه داشتند و به خصوص با حضور عبدالکریم ایادی در دربار محمدرضا پهلوی، بهائیان یکی از بازیگران اصلی و محوری حکومت پهلوی شدند.<sup>256</sup> در این باره فریده دیبا، مادرزن محمدرضا شاه می گوید:

شاه بدش نمی آمد بهایی گری در ایران رشد کند و به نیرویی در برابر اسلام تبدیل گردد.<sup>257</sup>

اما با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نفوذ و نقش آفرینی این فرقه های منحرف پایان یافت، اگرچه دشمنان در سال های اخیر با حمایت از این فرقه های منحرف و طرح عرفان های کاذب سرخپوستی، هندی و ... در صدد باز در ایران اسلامی به تحریف و بدعت اعتقادات دینی مردم پردازند.<sup>258</sup>

<sup>254</sup> (1) فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص 457 و 458.

<sup>255</sup> (2) «بهائیت؛ آنگونه که هست»، روزنامه جامجم (ویژنامه ایام، 6 / 6 / 1386)، ص 23 و 25.

<sup>256</sup> (3) بنگرید به: حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 374؛ سعید زاهدزادانی، بهائیت در ایران؛ فصلنامه تاریخ معاصر ایران، پاییز 1382، ش 27؛ فصلنامه مطالعات تاریخی، تابستان 1386، ش 17 (ویژنامه بهائیت)؛ ماهنامه زمانه، مهر 1386، ش 61 (ویژنامه بهائیت)؛ روزنامه کیهان، آذر و دی 1386، پلورقی نیمه پنهان.

<sup>257</sup> (4) فریده دیبا، دخترم فرح، ص 321.

<sup>258</sup> (5) بنگرید به: روزنامه جامجم (ویژنامه کژراهه، 6 / 12 / 1386).

### ج) بررسی عملکرد ساختار فرهنگی

با توجه به مباحث گذشته - در مورد هدف و برنامه رژیم پهلوی از تغییر در ساختار فرهنگی مردم مسلمان ایران و از سویتحول عظیمی که با «انقلاب اسلامی» در ایران پدید آمد - اینک برای روشن تر شدن فضای ضدفرهنگی و اقدامات رژیم پهلوی در این زمینه، به برخی از عملکردهای آنان در عرصه های گوناگون فرهنگی می پردازیم تا تحول پدیدآمده در عصر جمهوری اسلامی روشن تر گردد.

#### 1. فرهنگ مکتوب

در عرصه فرهنگ مکتوب که همان مطبوعات و کتاب است، با کارنامه سیاه و مبتذلی از رژیم پهلوی روبه روییم. چاپ و توزیع گسترده نشریاتی همانند «زن روز»، «سپید و سیاه»، «دختران و پسران»، «این هفته» و «تهران مصور» با عکس ها و مطالب مستهجن و ضداخلاقی توسط فاسدترین افراد، خود گواه این ادعاست. برای نمونه، جواد علامیردولو - که از سوی هویدا همراه برادرش در عرصه «قوادی» برای محمدرضا شاه فعالیت می کرد -<sup>259</sup> صاحب امتیاز و مدیرمسئول مجله مستهجن «این هفته» بود که همکارانی همچون مهرانگیزکار، سیامک پورزند و نیز ر. اعتمادی را در کنار خود داشت. ساواک در گزارشی به تاریخ 1338 / 2 / 22 درباره او می نویسد:

جوادعلامیر پسر احتشام السلطنه معروف که چند سال پیش با تهدید هفت تیر، دختر خواهر خویش را مورد تجاوز قرار داد، در حال حاضر جمعیت اگزیستا نسیالیست ها را در ایران تشکیل داده است و آن را رهبری می کند. نامبرده در روزنامه و مجله و اصولاً مؤسسه اطلاعات به کار مترجمی اشتغال دارد. زن نامبرده معروفه است و با خودفروشی زندگی می کند. علامیر مورد سوءاستفاده مردانی که انحراف جنسی دارند، قرار می گیرد. محل تشکیل این جمعیت در شمیران است ....<sup>260</sup>

همچنین مجیددوامی، از جاسوسان سازمان C. I. A

نیز سردبیر مجله فاسد «زن روز» بود

<sup>259</sup> (1). دفتر پژوهش های مؤسسه کیهان، نیمه پنهان (روزنامه نگاران جاسوس)، ج 18، ص 15.

<sup>260</sup> (2). همان، ص 13.

که با طرح مباحثی از قبیل «انتخاب ملکه زیبایی» برای بی‌هویتی دختران و پسران می‌کوشید؛ تا بدانجا که برخیاز دوستانش از «زن روز» با عنوان «کاباره‌کاغذی» نیز یاد می‌کردند.<sup>261</sup>

در عرصه کتاب، رژیم پهلوی بر آن بود تا با سانسور شدید، اجازه تولید و نشر کتب اسلامی و علمی داده نشود و از این‌سو رمان‌ها و اشعار و تصاویر مبتذل را در سطح وسیع نشر دهد تا ایرانی نتواند با بهره‌گیری از فرهنگ اسلامی علیه استبداد و استعمار برخیزد.

کافی است مطبوعات و کتب دیروز در دوران پهلوی را با مطبوعات و کتب امروز در عصر جمهوری اسلامی بسنجیم تا این تحول عظیم به سوی فرهنگ اسلامی و ایرانی اصیل را نیک دریابیم، اگرچه هنوز رگه‌هایی از همان جریان نیز در تلاش است فرهنگ مکتوب را به سوی ابتذال سوق دهد.

## 2. فرهنگ الکترونیکی

رسانه‌های همگانی مانند رادیو و تلویزیون - به‌عنوان یکی از ابزارهای قدرتمند انتقال مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی در هر جامعه - در دوره پهلوی در خدمت ابتذال و توهین به ارزش‌های ملی و اسلامی ایرانیان بود.

در سال 1319 ش اولین فرستنده رادیویی و در سال 1337 اولین فرستنده تلویزیونی در ایران راه‌اندازی شد. از آن هنگام تا سال 1357 این رسانه‌ها در ترویج ضدارزش‌ها و ضداخلاقیات جامعه ایرانی می‌کوشیدند.

تلویزیون رژیم پهلوی با مدیریت رضا قطبی، پسردایی فرح دیبا، با تولید و پخش برنامه‌های سطحی و مبتذل تلاش می‌کرد با ایجاد غفلت در نسل جوان ایرانی، آنان را از آگاهی‌های سیاسی و آشنایی با واقعیات جامعه تحت سلطه آمریکا و انگلیس دور سازد.

باری روبین، تحلیل‌گر آمریکایی می‌نویسد:

در دوران سلطنت پهلوی در عرصه و معرفی فرهنگ و تمدن غربی به مردم ایران، بدترین و مبتذل‌ترین جنبه‌های این فرهنگ انتخاب شد که ضربه حاصل از آن برای

جامعه مذهبی و سنت‌گرایی ایران قابل تحمل نبود. فیلم‌های آمریکایی که بیشتر از انواع مبتذل آن بودند، بیش از سی درصد برنامه‌های تلویزیونی و پرده‌های سینماها را اشغال کرده بود و آیت‌الله خمینی با اشاره به همین فیلم‌ها، سینما و تلویزیون را عامل اشاعه فساد و فحشا در ایران معرفی می‌کرد.<sup>262</sup>

وضعیت رادیو و به‌خصوص تلویزیون در دوره پهلوی از لحاظ پخش شوهای غیراخلاقی، فیلم‌های مستهجن و جزاینها به گونه‌ای بود که بسیاری از خانواده‌ها از خرید تلویزیون پشیمان شده بودند و بسیاری نیز تا پیروزی انقلاب اسلامی تلویزیون را به منازل خود راه ندادند.

امروز در عصر جمهوری اسلامی با حدود 110 شبکه رادیویی و تلویزیونی استانی، ملی، منطقه‌ای و جهانی برنامه‌هایی را شاهدیم که گویای فرهنگ ملی و اسلامی ماست. از این تعداد 35 شبکه رادیویی و شبکه‌های تلویزیونی العالم، سحر، الکوثر، پرس تی وی و جام جم برای مخاطبان در سراسر جهان برنامه پخش می‌کنند؛ حال آنکه در رژیم پهلوی دو شبکه تلویزیونی در نهایت سطحی‌نگری و ابتذال قرار داشتند.

### 3. هنر

رسالت «هنر» به‌عنوان عاملی فرهنگ‌ساز و انتقال‌دهنده پیام، موجب ارتقا و اعتلای فرهنگ جامعه است، اما متأسفانه در رژیم پهلوی با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نادرست، هنر در خدمت انحطاط اخلاقی جامعه بود.

در «هنر سینما» با تأثیر و جذابیت بسیار، فیلم‌هایی تولید و پخش می‌شد که گفتارها و صحنه‌های آن نهایت ابتذال و انحطاط اخلاقی را به نمایش می‌گذاشت.<sup>263</sup> اما امروز در عصر جمهوری اسلامی با تحول مبنایی در صنعت سینما، تولید فیلم‌هایی با محتوا و تکنیک بالا را شاهدیم و در سطح جهان نیز به‌عنوان کشوری با سینمای معنوی و تکنیکی شناخته شده‌ایم، اگرچه رگه‌هایی از وابستگی به سینمای پیش از انقلاب در برخی فیلم‌ها مشهود است که در بین حدود یکصد فیلم سینمایی تولیدی در سال، چندان‌درخور توجه نیست.

در عرصه هنر «تئاتر» در دوران پهلوی، ابتذال را به جایی رساندند که در یازدهمین دوره

<sup>262</sup> (1). باری روبین، جنگ قدرت‌ها در ایران، ص 194.

<sup>263</sup> (2). بنگرید به: علی‌اصغر کشانی، فرآیند تعامل سینمای ایران و حکومت پهلوی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

برگزاری «جشن هنر شیراز» به ریاست فرح پهلوی، در خیابان فردوسی شیراز برنامه آمیزش جنسی زن و مرد را در ماه رمضان 1356 به صورت زنده و در ملأ عام اجرا کردند که با اعتراض کسانی چون آیت‌الله دستغیب و آیت‌الله بهاءالدین محلاتی روبه‌رو شد.<sup>264</sup>

«جشن هنر شیراز» که به تعبیر فرح به‌منظور بزرگداشت هنرو هنرمند ایرانی و شناساندن هنر قدیم و جدید ایران به ایرانیان و خارجیان و همچنین برای پاسداشت هنرمندان خارجی و نمایاندن شیوه کار آنان به ایرانیان طراحی و اجرا می‌شد،<sup>265</sup> چیزی جز ابتدال و صحنه‌های مستهجن نبود؛ چنان‌که حتی آنتونی پارسونز، سفیر انگلیس در دوران پهلوی در کتابش می‌نویسد:

من به خاطر دارم که این موضوع [جشن هنر شیراز] را با شاه در میان گذاشتم و به او گفتم اگر چنین نمایشی به‌طور مثال در شهر «وینچستر» انگلستان اجرا می‌شد، کارگردان و هنرپیشگان آن جان سالم به در نمی‌بردند. شاه مدتی خندید و چیزی نگفت.<sup>266</sup>

در همین جشن که مهم‌ترین رویداد هنری و فرهنگی رژیم پهلوی به‌شمار می‌رفت، نمایش‌هایی از سوی کشورهای غربی در حضور فرح پهلوی به اجرا درآمد که بازیگران به‌صورتی کاملاً عریان به صحنه رفتند. زمانی که یکی از خبرنگاران از خانم اسکوبار، تهیه‌کننده این نمایش پرسید: آیا شما حاضر هستید در کشور خودتان عریان به صحنه بروید، او در پاسخ گفت:

من در کشورم به‌عنوان یک زن نامدار و یک چهره شاخص فرهنگی و هنری مطرح هستم و عریان شدن من در برابر هم‌وطنانم کار مناسبی نیست.<sup>267</sup>

جالب اینکه فرح پهلوی در سال‌های پس از فرار از ایران نیز از جشن‌های مبتذل شیراز دفاع نمود و اظهار داشت:

<sup>264</sup> (1). بنگرید به: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک (شهید آیت‌الله دستغیب).

<sup>265</sup> (2). مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، جشن هنر شیراز به روایت اسناد ساواک، ص 29.

<sup>266</sup> (3). آنتونی پارسونز، غرور و سقوط، ص 48.

<sup>267</sup> (4). روزنامه کیهان، 12/10/1383، ص 8.

این جشن، هنر اصیل و سنتی تمام نقاط جهان را به ایران آورد!<sup>268</sup>

محمدرضا شاه نیز در کتاب پاسخ به تاریخ چنین نوشت:

... ما روحاً حالت ضدارتجاعی داشتیم و شهبانو نیروی محرکه هنر مدرن و جشنواره‌های تئاتری بود که جسورترین و پیشروترین هنرمندان را گردمی‌آورد.<sup>269</sup>

به هر روی، دربار پهلوی و افرادی همانند فرح پهلوی و اشرف پهلوی که نفوذ زیادی بر محمدرضا شاه داشتند، نه تنها خود در اوج فساد بودند، بلکه جامعه ایرانی را نیز به ابتذال و بی‌هویتی کشاندند.<sup>270</sup>

درباره هنر «عکاسی» نیز تنها به یک نمونه می‌پردازیم: یکی از روزنامه‌نگارانی که حدود بیست سال از فعالیت حرفه‌ای‌اش در روزگار پهلوی گذشته و شاهد حوادث گوناگونی بوده است، چنین نقل می‌کند:

... از دیگر اماکن فساد مرتبط با دفتر فرح، «کارگاه نمایش» یا به قول حضراتِ روشنفکر «وُرك شاپ» محل اجرای تئاترهای تجربی بود. این مرکز به دستور فرح پهلوی در خیابان جمهوری کنونی ایجاد شده بود که گاهی هم بر در و دیوار آن نمایشگاه نقاشی یا عکس ترتیب می‌یافت ... «آشور بانی‌پال بابلا» عکس‌هایی در قطع بسیار بزرگ از ... خود تهیه کرده و بر در و دیوار سالن کارگاه نمایش آویخته بود. همچنین در زمان برگزاری این نمایشگاه، بروشور و اعلامیه‌های تبلیغاتی متعددی تهیه و در بین مردم توزیع می‌شد ... فرح پهلوی از این نمایشگاه عکس نیز دیدن کرد و آشوربانی‌پال بابلا را مورد تفقد و عنایات خاص قرار داد. من در جریان بازدید فرح از نمایشگاه حضور داشتم. او خیلی معمولی و بدون ذره‌ای شرم به تماشای این تصویرها پرداخت و درباره برخی از عکس‌ها و درجه دیافراگم و نور و سرعت دوربین و چگونگی زاویه آن از آشوربانی‌پال سؤال‌هایی می‌کرد و معمولاً در پایان برگزاری این‌گونه مراسم و نمایشگاه‌ها که آن را ترافیک اندیشه می‌نامید، ابراز خوشحالی می‌نمود ....<sup>271</sup>

هنگامی که برخی به این هنرنمای عصر پهلوی اعتراض کردند، نویسنده‌ای به نام

<sup>268</sup> (1). ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ص 115.

<sup>269</sup> (2). محمدرضا پهلوی، پاسخ به تاریخ، ص 225.

<sup>270</sup> (3). بنگرید به: روزنامه کیهان، 14/ 11/ 1385 تا 18/ 2/ 1386، پاورقی نیمه پنهان (اشرف پهلوی).

<sup>271</sup> (4). روزنامه کیهان، 6/ 10/ 1383، ص 8.

مسعودبهنود با نگارش مطلبی تحت عنوان «زندانبان یکدیگر نباشیم» در روزنامه کیهان مورخ 12/25/1356 به تعریف و دفاع از نمایشگاه آقای آشوربانی پال پرداخت و به بهانه آزادی بیان و اندیشه، چنین نمایشگاه‌هایی را مخالف «عفت عمومی» ندانست!

آشوربانی که از استقبال فرح پهلوی از نمایشگاه عکس او به وجد آمده بود، اندکی بعد در فروردین 1357 در «تالار شهر» نمایشگاهی از نقاشی‌های مستهجن خود را به معرض تماشای عموم گذارد.<sup>272</sup>

جالب اینکه آشوربانی در باب هنر و موانع آن معتقد بود:

یکی از آن چیزهایی که دست و پای بازیگرانمان را می‌بندد، چیزی است که در این اجتماع اسمش را «آبرو» گذاشته‌اند. اگر یک بازیگر در صحنه به فکر آبرویش باشد، بازیگری است بی‌آبرو ... عامل دیگری که دست و پای بازیگر ایرانی را می‌بندد، «نجابت» است.<sup>273</sup>

همچنین آربی آوانسیان که از اواسط دهه چهل با کارگاه نمایش به‌عنوان استاد و کارگردان به این مرکز دعوت شد، چند نمایشنامه ضداخلاقی از جمله «کالیگولا» را به روی صحنه آورد. در این نمایش بازیگران به صورت کاملاً عریان و بدون ستر عورت به صحنه می‌آمدند.<sup>274</sup>

این چند نمونه به‌خوبی فضای هنری سال‌های پهلوی را می‌نمایاند که چگونه با پشت کردن به فرهنگ ایرانی - اسلامی در راستای سلطه آمریکا و انگلیس و بی‌هویت نمودن نسل جوان ایرانی، به ارزش‌ها و هنجارهای این ملت می‌تاختند و موجب ترویج ابتذال فکری و رفتاری می‌شدند.

اینک هر ساله هنرمندان عرصه‌های عکاسی، نقاشی و ... در جمهوری اسلامی ایران ده‌ها نمایشگاه از هنر متعالی خود را در معرض دید مردم قرار می‌دهند که از ارتقا و تعالی واقعی این هنر در ایران و حتی در سطح جهان حکایت دارد.

---

<sup>272</sup> (1) همان، 1383/10/7 ص 8.  
<sup>273</sup> (2) روزنامه رستاخیز، 1356/11/12.  
<sup>274</sup> (3) روزنامه کیهان، 1386/9/18، ص 8.

در بین نهادهای فرهنگی، تربیتی و علمی هر جامعه دو نهاد «مدرسه» و «دانشگاه» از جایگاه و تأثیر خاصی برخوردارند.

در عصر پهلوی در راستای «اسلام‌زدایی» و بی‌هویت‌کردن نسل جوان، این دو نهاد علمی و فرهنگی، مرکزی شدند برای ترویج ابتدال و انحطاط فرهنگی جوان ایرانی.

رژیم پهلوی از یک‌سو با تغییر در محتوای کتب درسی و القای بدبینی نسبت به فرهنگ اسلامی و ترویج فرهنگ شاه‌دوستی و شاه‌پرستی و از سوی دیگر با سپردن وزارت آموزش و پرورش به افراد منحرف و فاسد و همچنین برنامه‌ریزی برای ترویج رفتارهای غیرارزشی، در انحراف فکری و رفتاری نسل جوان همت گماردند.

رژیم پهلوی در عصر رضاشاه با تأسیس «سازمان پیشاهنگی» و سپس در عصر محمدرضا شاه با ایجاد «کاخ جوانان» و «کانون پرورش فکری کودکان» سیاست‌ها و برنامه‌های پیش‌گفته را به اجرا نهادند.

لیلی امیرارجمند، از دوستان قدیمی فرح پهلوی و از فاسدترین زنان دربار،<sup>275</sup> مسئول «کانون پرورش فکری کودکان» شد تا کودکان این سرزمین را به انحطاط اخلاقی کشاند.

پیشاهنگی دختران به ریاست شمس پهلوی نیز چیزی جز مرکز فساد و فحشا نبود. تدین، از وزرای معارف عصر رضاشاه، پس از شهریور 1320 چنین می‌گوید:

وزارت فرهنگ - که در ابتدای دوره رضاشاه به نام وزارت معارف بود - طوری شده بود که هدف آن تحصیل نبود ... من با پیشاهنگی مخالف نیستم، اما با این پیشاهنگی که فقط به منظور تظاهر و مسخره‌بازی درست شده بود، مخالف بودم. من حاضر نبودم جوانان را به دست اشخاص ناصالح بسپارم که آنها را به کوه و بیابان به گردش ببرند. آنها استخر درست کرده و دختران را در حضور مردم لخت می‌کردند. ناموس مملکت وقتی خواست در استخر عمومی و در حضور مردم شنا کند، این دیگر به درد مملکت نمی‌خورد؛ این خلاف عفت و شرافت است.<sup>276</sup>

---

<sup>275</sup> (1). بنگرید به: فریده دیبا، دخترم فرح، ص 29 و 465-.

<sup>276</sup> (2). علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، ص 48.

این گونه اقدامات در عصر پهلوی دوم در قالب «کاخ جوانان» توسعه بیشتری یافت. حضور افراد منحرف و فاسدی همچون فرخ روپارسای<sup>277</sup> و منوچهر گنجی در رأس وزارت آموزش و پرورش، خود گویای این انحرافات است.

برای نمونه، فرخ روپارسای، این بهایی فاسد به عنوان وزیر آموزش و پرورش در دولت هویدا، دیدگاهش در تربیت و پرورش فرزندان ایران چنین است:

بکارت برای دختران چه معنا دارد؟! مگر در اروپا و آمریکا دختران باکره هستند؟! ....<sup>278</sup>

انقلاب اسلامی، این جریان، افراد و برنامه های فاسد را از نظام آموزشی و پرورشی کشورمان حذف کرد. نسل جوان دانش آموز با 36 هزار شهید در دفاع مقدس، تأسیس انجمن های اسلامی، بسیج دانش آموزی، کانون های فرهنگی - ورزشی، علمی و جزاینها، جملگی بیانگر ارتقای آموزش و پرورش در ایران اسلامی است. 362 مدال المپیادهای علمی جهان در این دوره در مقایسه با عصر پهلوی و عدم حضور حتی یک جوان دانش آموز در المپیادهای علمی دنیا، حکایتگر تربیت علمی و فرهنگی ایران امروز است.

اما درخصوص نهاد «دانشگاه» و نسل جوان دانشجو وضعیت اسفناک تر بود. در نظام دانشگاهی عصر پهلوی غرب گرایی و ترویج ابتذال به جای خودباوری و توسعه علم و فرهنگ حاکم بود. سولیوان، سفیر آمریکا در تهران درباره نظام دانشگاهی ایران می نویسد:

... دانشگاه تهران که در مرکز این سیستم قرار داشت، به وسیله رضاشاه تأسیس شده و هدف وی از تأسیس این دانشگاه ترویج فرهنگ غربی در ایران بود ....<sup>279</sup>

در این راستا، جریان وابسته فراماسونری با نفوذ در نظام دانشگاهی این مأموریت را به خوبی انجام داد. برای نمونه، هوشنگ سیحون، فراماسونر فاسد، سال ها به عنوان استاد و رئیس دانشکده هنر دانشگاه تهران در بی هویت کردن نسل جوان دانشجو برنامه ریزی نمود.

دانشکده هنرهای زیبا در سال 1343 ش طی بخشنامه ای میزان حق الزحمه مدل های زنده

<sup>277</sup> (1). بنگرید به: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، زنان دربار به روایت اسناد سلواک (فرخ روپارسای).

<sup>278</sup> (2). محمدحسن طباطبایی، نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی دهه 1340، ص 209.

<sup>279</sup> (3). ویلیام سولیوان و آنتونی پارسونز، خاطرات دو سفیر، ص 107.

و حتی عریان برای رشته‌های نقاشی و مجسمه‌سازی را بدین قرار اعلام داشت:<sup>280</sup>

1. مدل چهره (مرد) هر ساعت 100 ریال؛
2. مدل چهره (زن) هر ساعت 100 ریال؛
3. مدل زن تمام تنه با لباس هر ساعت 150 ریال؛
4. مدل لخت (مرد) هر ساعت 200 تا 300 ریال؛
5. مدل لخت (زن) هر ساعت 250 تا 400 ریال؛

در این بخشنامه، از عریان‌شدن زنان و مردان در کلاس‌های درس به «مدل‌های سطح بالا و واجد شرایط» یاد شده است.

در این نظام فاسد دانشگاهی نه تنها ابتدال و رفتارهای غیرادبی ترویج می‌شد، بلکه از رفتارهای ارزشی و اسلامی دانشجویان همانند «حجاب دختران» نیز جلوگیری به عمل می‌آمد. از سویی با تبلیغات و جنگ روانی تلاش می‌کردند دختران دانشجو از حجاب دست بشویند و از سویی دیگر با تصویب قوانین برای جوانان مؤمن محدودیت و ممنوعیت ایجاد کردند.

برای نمونه، ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) در پاسخ به درخواست شهربانی در سال 1355 ش برای جلوگیری از ورود دختران چادری به دانشگاه چنین پیشنهاد می‌کند:

با مسخره کردن این دخترها و هو کردن کلاغ سیاه و نظیر آن، کاری کنند که نتوانند با چادر بیایند یا چادر را از سر بردارند.<sup>281</sup>

در بسیاری از دانشگاه‌ها همانند دانشگاه شیراز به صورت رسمی ورود دختران باحجاب به دانشگاه ممنوع شد و وزیر آموزش و پرورش نیز در سال 1352 طی بخشنامه‌ای دستور ممنوعیت پوشیدن «چادر» برای دختران دبیرستانی را صادر نمود.<sup>282</sup> مسئولان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تصمیم گرفتند دخترانی را که با روسری به کتابخانه‌های کانون

<sup>280</sup> (1). محمدحسن طباطبایی، نفوذ فراماسونری در مدیریت نهادهای فرهنگی دهه 1340، ص 137.

<sup>281</sup> (2). علیرضا زهیری، عصر پهلوی به روایت اسناد، ص 284 و 285.

<sup>282</sup> (3). روح‌الله حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران (-)، ص 877.

می‌آیند، راهشان ندهند.<sup>283</sup> به هر روی، کارنامه سیاه رژیم پهلوی در عرصه مدرسه و دانشگاه به قدری ننگین است که قلم از بیان بسیاری از مسائل شرم دارد.

اینک در عصر جمهوری اسلامی شاهد گرایش جوانان به مراسم مذهبی و عبادی، سوگواری ماه‌های محرم و صفر، احیای شب‌های قدر، خودباوری علمی و رعایت بسیاری از شئون اخلاقی هستیم که روز به روز رو به فزونی است و در دانشگاه‌ها نیز نمازگزاران و اعتکاف‌کنندگان دانشجوی، علم و ایمان را توأمان به نمایش می‌گذارند.

## 5. انحطاط اخلاقی و اجتماعی

رژیم پهلوی تمام همت خود را به کار بست تا در راستای سیاست‌های آمریکا و انگلیس، برای عقب نگاه داشتن فرهنگ ملت ایران و رواج فساد و ابتذال از تمامی ظرفیت‌ها و امکانات بهره گیرد.

رضاخان با «کشف حجاب» پایه انحطاط وسیع اخلاقی را پی‌ریخت. مستر همفر، جاسوس انگلیس نیز که در سال 1710 م به کشورهای اسلامی سفر کرد تا راه‌های سلطه بر این جوامع را بررسی نماید، چنین باوری داشت:

باید حجاب و چادر را از سر زن مسلمان برداشت تا بر او سلطه یافت.<sup>284</sup>

رضاشاه پس از سفر به ترکیه در تیر و مردادماه 1313 طبق برنامه‌ای که نخست‌وزیر فراماسونر، محمدعلی فروغی تدارک دیده بود، با الگوگیری از آتاتورک در ایران «کشف حجاب» را مطرح نمود و به‌زور، چادر را از سر زنان ایران برکشید و مردم معترض را نیز در تیرماه 1314 در حرم امام‌رضا (ع) و مسجد گوهرشاد به گلوله بست. حکمت، از وزرای معارف دوره رضاشاه می‌گوید:

رضاشاه رو به وزیر معارف کرده، فرمودند: سابقاً به کفیل معارف دستور دادم برای رفع روپوشیدن زنان اقدام نماید، اما او نخواست یا نتوانست و کاری نکرد. اقدام کنید که این رسم دیرین که برخلاف تمدن است، از میان برداشته شود. وزیر

<sup>283</sup> (1). احمدعلی مسعود انصاری، پس از سقوط، ص 143.

<sup>284</sup> (2). همفر، خاطرات مستر همفر، ص 112.

معارف پاسخ می‌دهد: امر مبارک را اطاعت می‌کنم. این رسم نه تنها برخلاف تمدن است، بلکه برخلاف قانون طبیعت است؛ زیرا که در دنیا هیچ دو جنس ذکور و اناث در نباتات و حیوانات خلق نشده که جنس ماده از جنس نر روی خود را پنهان کند!<sup>285</sup>

پهلوی و عوامل آنها متأسفانه نکوشیدند عناصر مثبت و سازنده فرهنگ غرب را بگیرند، بلکه تنها عناصر منفی آنان را با تمام توان در ایران گسترده کردند. مخبر السلطنه هدایت که بیش از شش سال رئیس‌الوزرای رضاشاه بود، در خاطرات خود چنین می‌نویسد:

در این اوقات [ / سال‌های بعد از تصویب تغییر لباس در دی ماه 1307] روزی به شاه عرض کردم: تمدنی که آوازه‌اش عالم‌گیر است، دو تمدن است: یکی تظاهرات در بلوارها [و] یکی تمدن ناشی از لابراتورها. تمدنی که مفید است و قابل تقلید، تمدن ناشی از لابراتورها و کتابخانه‌هاست. آثاری که بیشتر ظاهر شد، تمدن بلوارها بود که به کار لاله‌زار می‌خورد و مردم بی‌بندوبار خواستار بودند.<sup>286</sup>

در دوره پهلوی دوم، این سیاست شدیدتر و گسترده‌تر دنبال شد و با «کشف حیا» تلاش کردند - به تعبیر محمدرضا شاه - که با شیوه‌های «دموکراتیک»،<sup>287</sup> حجاب‌زدایی در ایران را پیش‌برند. بنابراین با توسعه مراکز فساد و فحشا و فرهنگ‌زدایی از مدارس و دانشگاه‌ها و از سویی بهره‌گیری از فرهنگ مکتوب و الکترونیکی و جشنواره‌های هنری، به حیازدایی از دختران و زنان ایرانی پرداختند تا خودبه‌خود «حجاب‌زدایی» تحقق یابد.<sup>288</sup>

محمدرضا شاه در مصاحبه با اوریانا‌فالاچی، خبرنگار معروف ایتالیایی، دیدگاه خود را درباره «زن» این‌گونه بیان می‌دارد:

در زندگی یک مرد، زن به حساب نمی‌آید، مگر وقتی که زیبا و دلربا باشد و خصوصیات زنانه خود را حفظ کرده باشد ... شما زنان هرگز یک میک‌آنژ یا یک باخ نداشته‌اید، یا حتی یک آشپز بزرگ؛ ... هیچ چیز بزرگی نداشته‌اید. راستی شما در طی

<sup>285</sup> (1) سازمان مدارك فرهنگی انقلاب اسلامی، واقعه کشف حجاب، ص 215.

<sup>286</sup> (2) مهدی‌قلی‌خان هدایت، خاطرات و خطرات، ص 383.

<sup>287</sup> (3) فاطمه استادم‌لک، حجاب و کشف حجاب در ایران، ص 172.

<sup>288</sup> (4) بنگرید به: رسول جعفریان، داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب.

این مصاحبه‌هایتان چند زن قادر به اداره یک کشور را دیده‌اید؟ ....<sup>289</sup>

این دیدگاه موجب شد «زن ایرانی» بسان یک شیء، تنها برای هوسرانی دربار پهلوی و وابستگان به آنان باشد و از هویت و استقلال و انسانیت خود فاصله گیرد.

رژیم پهلوی در حجاب‌زدایی و ترویج ابتذال تا بدانجا پیش رفتند که در سال 1355 ش «شورای هماهنگی امور اجتماعی» طرحی را به تصویب رساند که در بخشی از آن «چادر» برای دانش‌آموزان، دانشجویان، کارمندان ممنوع‌شد و ورود زنان چادری به وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی، اتوبوس‌های شرکت واحد، سینماها، فروشگاه‌های تعاونی شهر و روستا، کتابخانه‌ها و مجامع عمومی ممنوع اعلام شد و اینان از مسافرت با هواپیما، و خدمات سازمان‌های اجتماعی محروم شدند<sup>290</sup> اما عمر رژیم اجازه نداد این گونه مصوبات ننگین به‌صورت کامل اجرا شود.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی بازگرداندن عزت و شرافت و نقش‌آفرینی حقیقی در عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به زنان بود.

باید نگاه شاهان پهلوی به زن را با دیدگاه امام‌خمينی (قدس سره)<sup>291</sup> و مقام‌معظم‌رهبری<sup>292</sup> درخصوص زنان مقایسه کرد تا تحول فرهنگی و ارزش یافتن زنان در انقلاب اسلامی آشکارتر شود.<sup>293</sup> لذا نقش‌آفرینی زنان و دختران در پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و نهضت تولید علم و سایر عرصه‌ها اجتماع در سال‌های اخیر حکایت از تحولی دارد که انقلاب اسلامی در دختران و زنان ایران زمین پدید آورده است.<sup>294</sup>

<sup>289</sup> (1). اوریانا فالاجی، مصاحبه‌های تاریخی، ص 74.

<sup>290</sup> (2). فصلنامه 15 خرداد، زمستان 1374، ش 19 و 20، ص 74 و 75.

<sup>291</sup> (3). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی (قدس سره)، جایگاه زن در اندیشه امام‌خمينی (قدس سره).

<sup>292</sup> (4). امیرحسین بانکی‌پورفرد، آئینه زن (مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری).

<sup>293</sup> (5). بنگرید به: حسن طغرانگار، حقوق سیاسی- اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

<sup>294</sup> (6). بنگرید به: ساسان طهماسبی‌کهبانی، نقش زنان در نهضت امام‌خمينی؛ اعظم مرادحاصلی‌خامنه، تاریخ شفاهی مبارزات سیاسی زنان مسلمان.

بنابراین در عصر پهلوی مراکز فساد در کنار دریاها و کاباره‌ها و در جشن‌ها چنان گسترش یافت که تعدادشان بیش از کتابفروشی‌ها شد. اما در عصر جمهوری اسلامی، تدبیر و برنامه‌ریزی برای ارتقای فرهنگ و اخلاق جامعه ایرانی است. که البته نمی‌توان «تهاجم فرهنگی» بیگانگان را نادیده انگاشت.

درخصوص ترویج اعتیاد و استفاده از موادمخدر کافی است بدانیم در عصر پهلوی کشت خشخاش و خرید و فروش موادمخدر در ایران آزاد بود و حتی داروخانه‌ها به صورت رسمی توزیع کننده «تریاک» بودند.

دکتر احمد هومن، استاد اعظم لژ فراماسونری و استاد دانشگاه و نماینده مجلس - به‌عنوان نماینده ایران در سمینار بین‌المللی جرم‌شناسی - از آزادی مصرف موادمخدر دفاع می‌کند و در گزارش خود به کلوپ روتاری تهران در سال 1351 ش می‌گوید:

در این سمینار دو طرز تفکر وجود داشت که یک گروه طرفدار ممنوعیت خرید و فروش و مصرف موادمخدر و اعمال مجازات‌های شدید در این مورد، و گروه دیگر خواستار آزادی خرید و فروش و مصرف موادمخدر و لغو هرگونه مجازات در این زمینه بودند. من در سلک گروه دوم قرار داشتم و معتقد به آزادی مصرف موادمخدر هستم.<sup>295</sup>

در عصر پهلوی در رأس باندهای قاچاق موادمخدر، دربار پهلوی و وابستگان به آنها همانند اشرف پهلوی و هوشنگ دولو قرار داشتند. منصور رفیع‌زاده - آخرین رئیس شعبه ساواک در آمریکا - در کتابش می‌نویسد:

... در سال 1972 میلادی روزنامه‌های اروپایی پای اشرف پهلوی را در یک معامله موادمخدر - که توسط یکی از همراهان شاه صورت گرفت - به میان کشیدند. در پنجم مارس همان سال روزنامه لوموند نوشت: همه، واقعه گیر افتادن شاهدخت اشرف، توسط مأمورین گمرک فرودگاه ژنو در سال 1967 میلادی را به خاطر دارند. مأمورین گمرک در چمدانی حامل برچسب شاهدخت اشرف چند کیلو هروئین کشف کردند. شاهدخت منکر مالکیت چمدان شد. بالاخره شاه به کمک خواهرش شتافت و مسئله

بی سروصدا خاتمه یافت.<sup>296</sup>

اشرف پهلوی هم از قاچاقچان بین‌المللی موادمخدر به‌شمار می‌رفت<sup>297</sup> و هم از سویی دیگر رئیس هجدهمین شورای وضعیت زنان، نماینده و رئیس کنفرانس جهانی سال زن (1975 م)، نماینده و رئیس هیئت ایران در مجمع عمومی سازمان ملل از سال 1970 تا 1979 م و نماینده و رئیس اجلاس بیست و ششم کمیسیون حقوق بشر در سال 1970 م بود!

ارتشبد فردوست به‌تفصیل در خاطرات خود از مافیای موادمخدر در دربار پهلوی سخن گفته و به‌جز او، از امیر هوشنگ دولو و ارتشبد غلامعلی اویسی نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین قاچاقچیان دوره پهلوی نام برده است.<sup>298</sup>

اما با پیروزی انقلاب اسلامی، کشت خشخاش و خرید و فروش موادمخدر ممنوع شد؛ تا بدان‌پایه که تنها نیروی انتظامی طی دو دهه گذشته 3600 شهید و بیش از 12 هزار جانباز در مبارزه با سوداگران مرگ و قاچاقچیان موادمخدر تقدیم کرده است.<sup>299</sup>

از دیگر سوی، در شرایطی که 170 باند بین‌المللی مجهز به سلاح‌های سبک، نیمه‌سنگین و سنگین موادمخدر به ایران حمل می‌کنند، جمهوری اسلامی ایران سالانه 600 میلیون دلار برای مبارزه با موادمخدر هزینه می‌کند. حدود 94 درصد از کشفیات موادمخدر دنیا در ایران و تنها 2 درصد در اروپا کشف می‌شود. جمهوری اسلامی از سوی سازمان ملل متحد در زمینه مبارزه با مواد مخدر و کاهش آسیب از آن رتبه نخست را به‌دست آورده است.<sup>300</sup>

در جامعه 35 میلیونی عصر پهلوی بیش از 2 میلیون معتاد در سراسر ایران داشتیم و در بسیاری از روستاها استفاده از تریاک امری عادی بود و روزه‌روز در شهرها به شمار معتادان افزوده می‌شد و نه‌تنها مبارزه‌ای نبود، بلکه آزادانه در اختیار افراد قرار می‌گرفت. اما اینک در جامعه 72 میلیونی ایران، همان حدود 2 میلیون معتاد را داریم که با وجود فزونی جمعیت و

<sup>296</sup> (1). منصور رفیع‌زاده، شاهد (خاطرات منصور رفیع زاده آخرین رئیس شعبه ساواک در آمریکا)، ص 212.

<sup>297</sup> (2). بنگرید به: روزنامه کیهان، 14/11/1385 تا 18/2/1386، پاورقی نیمه پنهان.

<sup>298</sup> (3). حسین فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج 1، ص 265-262 و ج 2، ص 194 و 461.

<sup>299</sup> (4). «مصاحبه با سردار احمدی‌مقدم فرمانده نیروی انتظامی»، روزنامه کیهان، 15/4/1387، ص 3.

<sup>300</sup> (5). روزنامه کیهان، 3/6/1386، ص 13.

افزایش کشت موادمخدر در افغانستان همچنان ثابت مانده است.

گفتنی است در سال‌های پایانی رژیم پهلوی تولید موادمخدر در افغانستان سالانه 200 تن بود، اما امروز به 8 هزار تن رسیده است که با حضور آمریکاییان در افغانستان - به دنبال سرنگونی طالبان - نه تنها کشت و توزیع موادمخدر کم نشده، بلکه بنا به گزارش دفتر مقابله با جرم و موادمخدر سازمان ملل (UNODC)

تولید تریاک در افغانستان که 92 درصد از کل تأمین تریاک جهانی را شامل می‌شود، در سال 2006 میلادی 49 درصد افزایش یافته است؛<sup>301</sup> چراکه آمریکا همواره از موادمخدر علیه ملت‌ها استفاده کرده و سازمان «سیا» خود بزرگ‌ترین دلال و قاچاقچی موادمخدر است. کنت دومارانش، رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه در کتابش می‌نویسد:

در دیدار با ریگان، رئیس‌جمهوری آمریکا، طرحی را برای مبارزه با مخالفان و دشمنان آمریکا مطرح کرده بودم که یک محور آن توزیع مجانی موادمخدر بود که مورد استقبال ویلیام کیسی رئیس وقت سازمان CIA قرار گرفت.<sup>302</sup>

همچنین الکساندر چاکبرن و جفری کلر در کتاب مرگ سفید؛ سیا و مواد مخدر به پنجاه سال رابطه سازمان سیا با فروش موادمخدر پرداخته است.<sup>303</sup>

در بررسی ساختار فرهنگی رژیم پهلوی دریافتیم که آنان در راستای «اسلام‌زدایی»، با برنامه‌های «باستان‌گرایی»، «غرب‌گرایی» و «فرقه‌گرایی» کوشیدند با ترویج ابتذال و بی‌هویتی، ملت بزرگ ایران به‌خصوص نسل جوان را به انحطاط اخلاقی کشانند تا بتوانند استبداد پهلوی و استعمار غربی را تداوم بخشند.

اما انقلاب اسلامی با استقرار نظام جمهوری اسلامی، نقطه عطفی در تحول عمیق فرهنگی در ایران بود که با «اسلام‌گرایی» آغاز شد و با «استقلال فرهنگی» و تکیه بر ارزش‌ها، هنجارها و باورهای اسلامی و اصیل ملی ادامه یافت.

<sup>301</sup> (1) .سایت www.isna.ir ، کد خبر 00151- و 02111-8604.

<sup>302</sup> (2) . کنت دومارانش، جنگ جهانی چهارم، ص 14 و 15.

<sup>303</sup> (3) .سایت www.tebyan.net .

امروز «خودباوری» به جای «از خود بیگانگی» نشسته و نسل جوان ایرانی پایه‌گذار نهضت علمی و جنبش نرم‌افزاری - با جهش و سرعت بسیار - گردیده است. از سوی دیگر،

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 192

هویت اسلامی در قالب مراسم و مجالس دینی، کتب دینی و فعالیت‌های اسلامی بیش از هر زمان توسعه یافته و الگویی از جوانان ایرانی به منطقه و دنیا صادر شده است.

اما باید با «دفاع فرهنگی»، در مقابل «تهاجم فرهنگی» دشمنان ایستاد و اجازه نداد هویت و فرهنگ ایرانی مورد حمله قرار گیرد. اگر دیروز در دوران پهلوی، «حاکمیت» به فرهنگ اسلامی و ایرانی هجوم می‌برد، اینک دشمنان بیگانه در صدد تهاجم فرهنگی اند و جمهوری اسلامی در تلاش برای دفاع و مهندسی فرهنگی است.

در این بخش تا بدینجا تغییرات در چهار ساختار حکومتی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کاویده شد و دریافتیم چرا مردم ایران نسبت به انحطاط ساختارهای اجتماعی دوره پهلوی معترض بودند و انقلاب اسلامی نیز چه تحولی در این ساختارها ایجاد نمود.

### گفتار پنجم: بررسی تغییرات در ساختار منطقه و جهان

انقلاب اسلامی ایران نه تنها در تحولات ایران فصل نوینی پدید آورد، بلکه فراتر از مرزهای ایران در سطح منطقه استراتژیک خلیج فارس و خاورمیانه و کشورهای اسلامی تا دیگر نقاط جهان در غرب و شرق دگرگونی‌های فکری و سیاسی پدید آورد و روابط و معادلات جهانی را متحول نمود.<sup>304</sup> حال به برخی از بازتاب‌ها و تأثیرات این انقلاب در سطح منطقه و جهان می‌پردازیم.

#### 1. انقلاب اسلامی؛ شروع عصر جدید در جهان

انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت و تحولات جوامع بشری نقطه عطف و سرآغاز «عصری جدیدی» بود و در سطح جهان و در ابعاد گوناگون پیام خود را طنین‌انداز ساخت. چنانچه مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

با انقلاب اسلامی در ایران و با تشکیل نظام اسلامی در این نقطه از عالم و با مبارزات طولانی که ملت ما پشت سر رهبر عظیم الشان برای حفاظت از انقلاب و اسلام انجام داد، عصر جدیدی با خصوصیتی

<sup>304</sup> (1). بنگرید به: محسن مجرد، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل.

متمایز با دوران قبل، در عالم به وجود آمد و تأثیرات این عصر جدید روی ملت‌ها و دولت‌های ضعیف و نیز روی دولت‌های قوی و ابرقدرت‌ها محسوس است [و] حتی نقشه سیاسی دنیا عوض شده است. این عصر و این دوران

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 193

جدید را باید «دوران امام‌خمينی» نامید ....<sup>305</sup>

امروزه بسیاری از تحلیلگران و نظریه‌پردازان غرب و شرق به عظمت و تأثیر انقلاب اسلامی اعتراف نموده‌اند. آلون تافلر، جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز «آینده‌شناسی» پس از چند دهه تحلیل ویژگی‌های قرن 21، در آغاز این قرن طی مقاله‌ای چنین می‌نویسد:

خطر جدی این است که جوانان حتی در آمریکا به سوی مذهب گرایش پیدا می‌کنند ... اکنون اگر پیام‌های [امام] خمینی را مطالعه کنید، خواهید دید که او قبل از هرکس دیگر، گرایش‌های فراملی جوانان را درک کرده است و پیام‌های او نه مختص به یک ملت، که درباره جهان است. پیام‌های [امام] خمینی را دوباره مطالعه کنید. [امام] خمینی مرد قرن بیست و یکم است، اگرچه در قرن بیستم از دنیا رفت.<sup>306</sup>

امروز ندای الهی انقلاب اسلامی در طراحی نقشه سیاسی و فرهنگی جهان، معادلات و محاسبات قدرت‌های سلطه‌گر را به چالش کشیده و ایران اسلامی مرکزی اثرگذار در تحولات جهانی شده است. از این‌رو روزنامه آمریکایی نیویورک تایمز می‌نویسد:

فوری‌ترین چالش فراروی واشنگتن، یافتن راهی برای توقف روند افزایش قدرت ایران است.<sup>307</sup>

پروفسور روزه‌گاردی نیز انقلاب اسلامی ایران را یکی از مهم‌ترین جهش‌های تاریخ بشر می‌خواند.<sup>308</sup> همچنین لنسر، پروفسور اتریشی می‌گوید:

انقلاب امام‌خمينی حتی سیر تطوری انسان را تغییر داد.<sup>309</sup>

به تعبیر آنتونی گیدنز، جامعه‌شناس مشهور انگلیسی، برخلاف دیدگاه مارکس، دورکهایم و ماکس وبر که دنیوی شدن را فرآیندی اجتناب‌ناپذیر می‌دانستند، انقلاب اسلامی ایران فرآیند

<sup>305</sup> (1). حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ج 4، ص 275.

<sup>306</sup> (2). هفته‌نامه صبح صادق، 1380/12/20، ص 1.

<sup>307</sup> (3). روزنامه کیهان، 1384/7/5، ص 3.

<sup>308</sup> (4). روزنامه قدس، 1377/11/21، ص 14.

<sup>309</sup> (5). هفته‌نامه کیهان هوایی، 1373/8/25.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 194

عمومی جهان را از نظام‌های «سکولار» معکوس کرد و به سوی «دین» تغییر داد.<sup>310</sup> بر این اساس، روزنامه آمریکایی واشنگتن تایمز در گزارش خود می‌نویسد:

حرکت‌هایی که اکنون چهره دنیا را دگرگون می‌سازد، دارای عنصر نیرومند مذهبی است. هنگامی که آمریکا و اروپا خود را به حکومت غیردینی (سکولاریسم) وابسته و متعهد می‌پندارند، ناگهان می‌بینیم که قشرهای عظیمی در حال دگرگون کردن جهان هستند.<sup>311</sup>

در یک جمله، روزنامه ایندپندنت چاپ لندن در تاریخ 15/3/1368 می‌نویسد:

به‌ندرت اتفاق می‌افتد که یک مرد به‌تنهایی بتواند مسیر تاریخ را عوض کند، اما این کار درست همان کاری بود که آیت‌الله خمینی از عهده آن برآمد.<sup>312</sup>

## 2. انقلاب اسلامی؛ احیای دین و معنویت در جهان

انسانی که اسیر دو ایدئولوژی «لیبرالیسم غربی» و «سوسیالیسم شرقی» بود - که در «اومانیسم» و «هرگ خدا» ریشه داشت - در دهه‌های پایانی قرن بیستم با بحران هویتی روبه‌رو شده بود؛ تا آنجا که قرن بیستم را قرن اضطراب و بیماری‌های روحی نامیدند.

انقلاب اسلامی ایران آغازی بود بر پایان تمام ایدئولوژی‌های مادی و دنیاگرایی که با حذف معنویت و دین، بشر را در سلطه خود قرار داده بودند. از همین‌رو، این انقلاب سبب شد دین و معنویت در سطح جهان احیا شود. پروفیسور محمدحسین هدی، اندیشمند مسلمان مقیم اتریش می‌گوید:

اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی (در جهان معاصر) در نظر بگیریم، آن تاریخ 1979 میلادی است؛ یعنی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی را برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آمده است و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت.<sup>313</sup>

<sup>310</sup> (1). آنتونی گینز، جامعه‌شناسی، ص 505.

<sup>311</sup> (2). روزنامه ایران، 16/5/1376، ص 4.

<sup>312</sup> (3). روزنامه کیهان، 13/3/1381، ص 6.

دکتر سعید الشهابی، سردبیر مجله معروف العالم در این باره می‌گوید:

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 195

هیچ حرکتی به اندازه انقلاب ایران نتوانسته است بر جامعه بشری تأثیرگذار باشد. دین نقش اساسی و حیاتی در اجتماع دارد و انقلاب اسلامی این نور را بر بشریت تاباند و روشنی بخشید.<sup>314</sup>

تلویزیون بی‌بی‌سی در قسمت بیست و چهارم از مجموعه‌ای به نام «قرن مردم» در مورد نقش انقلاب اسلامی ایران در بازگشت جهان به مذهب می‌گوید:

آنچه در ایران در سال 1979 میلادی رخ داد، نه تنها برای ایرانیان، بلکه برای تمام ادیان جهان نقطه عطفی بود.<sup>315</sup>

انقلاب اسلامی ایران با سه رکن «مکتب اسلام»، «رهبری امام خمینی» و «نقش مردم» خط بطلانی بود بر اندیشه‌ها و مکاتب مادی تا دیگر بار قدرت و توانمندی دین و ارزش‌های الهی و رهبری دینی نمایانده شود. بنابراین دین و معنویت از استقبال عظیمی در سطح جهان برخوردار شد؛ تا جایی که جان نیزبیت و باتریشیا آبردین در کتاب خود درباره اثرگذاری انقلاب اسلامی ایران چنین می‌نویسند:

در آمریکا نسلی که در طی دهه 1970 میلادی هرگونه مذهب سازمان یافته را مردود می‌شمرد، امروز همراه با فرزندان خود به نیایشگاه بازمی‌گردد ... یهودیان اینک ارجاع مجدد به معجزات، اسطوره‌ها و ظهور مسیح را در دستور کار خود قرار داده‌اند ... جوانان چینی و اتحاد شوروی [سابق] به‌رغم فضای ضد مذهبی مدارس خود، با کنجکاوی به مجامع مذهبی نظر دوخته‌اند ....<sup>316</sup>

بر همین مبنا، دانیل پاییز از سیاستمداران مطرح آمریکایی می‌گوید:

باید اعتراف کنیم که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، ما برای افکار دینی و مذهبی هیچ جایی باز نکرده بودیم.<sup>317</sup>

<sup>313</sup> (4). میراحمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی (قدس سره)، ص 59.

<sup>314</sup> (1). روزنامه کیهان، 15/11/1375.

<sup>315</sup> (2). فصلنامه حضور، ش 19، ص 334.

<sup>316</sup> (3). جان نیزبیت و باتریشیا آبردین، دنیای: سیاست، اقتصاد و فرهنگ در قرن بیست و یکم، ص 418 و 419.

<sup>317</sup> (4). روزنامه جمهوری اسلامی، 20/9/1368.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 196

### 3. انقلاب اسلامی؛ احیای اسلام ناب محمدی (ص)

حرکت پرشکوه ملت مسلمان ایران در تحقق بزرگ‌ترین انقلاب قرون معاصر، معنویت را در بین کشورهای مسلمان و حتی غیرمسلمان احیا کرد و حیات دوباره‌ای به اسلام بخشید و آن را از تحریف، بدعت و انحراف رهانید.

برای درک بهتر این کارکرد عظیم انقلاب اسلامی پرداختن به دیدگاه‌ها و اعترافاتی چند ضروری می‌نماید:

دکتر کلیم صدیقی، رهبر مسلمانان انگلیس می‌گوید:

ما می‌توانیم با صراحت چنین اظهار کنیم که دوره زمانی میان حکومت حضرت علی (ع) و انقلاب اسلامی درواقع دوره گمراهی و انحراف اسلام بوده است که اکنون با رهبری امام‌خمينی (قدس سره) به اسلام واقعی رو آورده‌ایم.<sup>318</sup>

پروفسور کارستن کوپله، یکی از برجسته‌ترین خاورشناسان و ایران‌شناسان غربی می‌گوید:

انقلاب اسلامی و رهبر آن خمینی که بسیاری از مسلمانان مقیم خارج ... را در مسیر بازیابی هویت اسلامی خویش قرار داده، بدون تردید آغازگر جنبش تجدید حیات اسلام است که اثرگذاری فراملیتی داشته است.<sup>319</sup>

یک روزنامه آرژانتینی می‌نویسد:

اسلام تولد مجدد خود را از امام‌خمينی دارد. او بود که با احیای ارزش‌های فراموش شده میلیون‌ها انسان، تعجب رهبران غرب و جهانیان را برانگیخت.<sup>320</sup>

دکتر عبدالعزیز ساشادنیا، از استادان دانشگاه ویرجینیای آمریکا می‌گوید:

---

<sup>318</sup> (1). ماهنامه کیهان فرهنگی، مهر 1372، ش 103، ص 6.

<sup>319</sup> (2). میراحمد رضا حاجتی، عصر امام‌خمينی (قدس سره)، ص 348.

<sup>320</sup> (3). مجله حوزه، مهر و آبان 1372، ش 58، ص 94.

در بیست سال گذشته، اسلام‌شناسی در آمریکا فقط در بعضی از دانشگاه‌های بزرگ تدریس می‌شد، ولی در حال حاضر تمام دانشگاه‌های کوچک و بزرگ درس

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 197

اسلام‌شناسی دارند و این نشان‌دهنده تأثیر انقلاب اسلامی ایران است.<sup>321</sup>

پل ویریج، رئیس بنیاد کنگره آزاد آمریکا و بنیان‌گذار بنیاد معروف هریتیج طی مقاله‌ای تصریح کرد:

بعد از حدود سیصد سال که اسلام استراتژی دفاعی داشت، حالا استراتژی تهاجمی را اتخاذ کرده است. الآن اسلام در حال گسترش به همه جهان است: از پایین به هر دو ساحل آفریقا، از شرق به طرف جنوب دریای چین تا استرالیا، از شمال به سمت اروپای شرقی و غربی و از غرب به سمت ایالات متحده.<sup>322</sup>

همچنین انقلاب اسلامی ایران باعث ظهور مجدد و توسعه «شیعه» در جهان گردید. فرانسوا توآل فرانسوی در این باره می‌نویسد:

انقلاب اسلامی ایران باعث ظهور مجدد شیعی‌گری گردید و امروز در صحنه روابط بین‌الملل، شیعیان یک بازیگر اصلی می‌باشند که قدرت آنان ریشه در اندیشه «مهدویت» آنان دارد.<sup>323</sup>

به باور میشل فوکو، انقلاب اسلامی ایران با اعتقاد ایرانیان به امام‌زمان (عج) شکل یافته است. از این‌رو شیعه‌پژوهی تحت تأثیر انقلاب اسلامی در غرب به شدت توسعه یافت. به عنوان نمونه دانشگاه‌های بریستول و منچستر انگلستان، دانشگاه پرینستون آمریکا و مک‌گیل کانادا مراکز شیعه‌شناسی را راه‌اندازی نموده‌اند.

بنابراین انقلاب اسلامی با احیای «اسلام» در کشورهای مسلمان‌نشین و رشد هویت دینی موجب شد این آیین الهی در اروپا، آمریکا، آسیا، آفریقا و استرالیا گسترش یابد. به تعبیر کلیتون، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، آهنگ رشد و گسترش دین اسلام در آمریکا سریع‌تر از دیگر ادیان است.<sup>324</sup>

بنابراین روند اسلام‌خواهی در همه کشورهای اروپایی به عنوان موضوعی بسیار مهم

<sup>321</sup> (1). روزنامه جمهوری اسلامی، 13/3/1376.

<sup>322</sup> (2). ماهنامه هدایت، آذر 1381، ش 17.

<sup>323</sup> (3). بنگرید به: فرانسوا توآل، ژئوپلیتیک شیعه، ص 70-20 و 181-171.

<sup>324</sup> (4). روزنامه جمهوری اسلامی، 6/11/1374.

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 198

کانون بحث و بررسی محافل علمی، سیاسی و فرهنگی اروپا قرار گرفته است. به تعبیر هفته‌نامه فرانسوی لویوئن، با شکل‌گیری جمهوری اسلامی در ایران اسلام‌گرایی در فرانسه رشدی فزاینده داشته است.<sup>325</sup>

#### 4. انقلاب اسلامی؛ بیداری اسلامی در منطقه

قرن‌های متمادی کشورهای اسلامی مورد تاخت و تاز بیگانگان قرار داشتند. جنگ‌های صلیبی و تهاجم تیمور و مغول و سپس استعمارگران اروپایی و غربی همانند هلندیان، فرانسویان و در قرون اخیر انگلیسیان، آمریکاییان و صهیونیسم بین‌الملل، موجب سلطه بر منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاورمیانه و کشورهای اسلامی، به بردگی کشیده‌شدن ملت‌های مسلمان و سرانجام مانع رشد، توسعه و استقلال آنان شد.

اما پدیده انقلاب اسلامی ایران فصل نوین و الگویی بود که با ایجاد امیدو نشاط برای ملل اسلامی و جنبش‌های مردمی مبارزه‌کننده با استعمارگران، صحنه تحولات منطقه را تغییر داد؛ آن‌گونه که امروز در حال بازگشت به هویت و قدرت خود و مقابله جدی با غرب و استعمارگران‌اند و هر روز پیروزی جدیدی را می‌آفرینند.

دکتر تقی منگش، رئیس بخش تاریخ دانشگاه پیشاور می‌گوید:

انقلاب اسلامی ایران که به رهبری خردمندان حضرت امام‌خمينی به پیروزی رسید، معادلات جهان کنونی را دگرگون کرد و افرادی که تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به‌جز دو قطب شرق و غرب، راه سومی را در ذهن نمی‌گنجانند، راه سوم و راه رستگاری و نجات مشکل بشر را دریافتند.<sup>326</sup>

کافی است تحولات سه‌دهه گذشته در کشورهایمانند لبنان، فلسطین، عراق، مصر، سوریه، تونس، عربستان سعودی، الجزایر، مراکش، پاکستان، کشمیر، آذربایجان، ترکیه و آسیای مرکزی را بررسی کنیم تا هم تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم انقلاب اسلامی را بر مردم،

<sup>325</sup> (1). بنگرید به: میراحمد رضا حاجتی، عصر امام‌خمينی (قدس سره)، ص 405-383.

<sup>326</sup> (2). احمد امیدوار و حسین یکتا، امام‌خمينی و انقلاب اسلامی؛ روایتی جهانی، ص 209.

دولت، گروه‌ها و جنبش‌های اسلامی این کشورها دریابیم<sup>327</sup> و هم «بیداری اسلامی» آنها را.<sup>328</sup>

انگلیس و آمریکا که از اواخر قرن نوزدهم مقدمات پدید آوردن صهیونیسم را در خاورمیانه فراهم آوردند، از آغاز قرن بیستم با زور اسلحه و کشتار مردم فلسطین این سرزمین مقدس را اشغال کردند و سپس در سال 1948 م با سوءاستفاده از نفوذ و قدرت خود در سازمان ملل متحد، رژیم جعلی «اسرائیل» را ایجاد نمودند تا بدین‌رو تفکر از نیل تا فرات صهیونیست‌ها را - با تصرف کشورهای اسلامی - جامه عمل پوشانند و بر این منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، معروف به «قلب دنیا» سلطه یابند.

پیروزی صهیونیست‌ها بر کشورهای عربی - اسلامی و قرارداد ننگین «کمپ دیوید» که با وساطت آمریکا بین مصر و رژیم صهیونیستی در سال 1356 منعقد گردید منجر به پایان مبارزات کشورهای عربی علیه رژیم اشغالگر قدس شد. از سویی دیگر، آغاز گرایش‌های سازش‌کارانه در سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) به رهبری یاسر عرفات، پرهیز سوریه از ادامه مبارزه مسلحانه و اقدامات اردن در سرکوب پایگاه‌های فلسطین در آن کشور شرایطی را فراهم آورد که نه‌تنها امیدی به نجات فلسطین و کشورهای اسلامی نبود، بلکه رژیم صهیونیستی با حمایت آمریکا و اروپا سلطه خود در خاورمیانه و کشورهای اسلامی را توسعه بخشید. اما انقلاب اسلامی ایران آغازی بر بیداری اسلامی در سطح منطقه و حرکت ملت‌ها و گروه‌های اسلامی برای مقابله با صهیونیسم و استعمار بود و صحنه تحولات خاورمیانه را دگرگون ساخت. دکتر ماروین زونیس، استاد دانشگاه میشیگان آمریکا و کارشناس ایران می‌گوید:

آثار انقلاب اسلامی از مرزهای ایران فراتر رفته است. بزرگ‌ترین منبع الهام‌دهنده برای جنبش‌های سیاسی و اسلامی در خاورمیانه و جهان بوده است.<sup>329</sup>

دراین‌باره پیترو. ال. برگر، جامعه‌شناس معروف آمریکایی معتقد است:

<sup>327</sup> (1). بنگرید به: عبدالوهاب فراتی، انقلاب اسلامی و بازتاب آن؛ دکتر منوچهر محمدی، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی.

<sup>328</sup> (2). بنگرید به: فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، تابستان 1383، ش 10.

<sup>329</sup> (3). روزنامه رسالت، 17/ 11/ 1379.

خیزش اسلامی پهنه جغرافیایی وسیعی را دربرگرفته و کلیه کشورهای اسلامی از شمال آفریقا تا جنوب شرق آسیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هر روز طرفداران بیشتری در مناطق مختلف پیدا می‌کند.<sup>330</sup>

بنابراین در پی پیروزی انقلاب اسلامی، شکل‌گیری و رشد گروه‌های مبارز اسلامی شدت یافت و با تأسیس «جهاد اسلامی» و «حماس» در فلسطین و «حزب الله» در لبنان و آغاز انتفاضه ملت فلسطین، ناقوس افول و نابودی رژیم صهیونیستی به صدا درآمد. عقب‌نشینی ذلت‌بار رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان پس از 22 سال در تابستان 2000 م (خرداد 1379) و عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی پس از 38 سال از «نوار غزه» در بهار 2005 م (مرداد 1384) و شکست سنگین تابستان 2006 م (تیر و مرداد 1385) در تهاجم 33 روزه به لبنان، گواهی است بر این ادعا.

رژیم صهیونیستی که در جنگ 1967 م معروف به جنگ 6 روزه، کشورهای عربی را شکست داد و بخش‌هایی از فلسطین، سوریه، مصر و اردن را تصرف نمود، زمانی که در تابستان 2006 م با تمام قوا و با حمایت انگلیس و آمریکا دیگر بار به لبنان هجوم برد، با مقاومتی روبه‌رو گردید که حتی در طول 33 روز نتوانست یک روستای مرزی لبنان به نام «بنت جبیل» را تصرف کند. زیرا جوانان حزب الله لبنان با الگوگیری از ملت ایران و شهدای دفاع مقدس، مقاومت و قدرت خود را به نمایش گذاشتند. پس از این، سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب الله محبوب‌ترین چهره عرب شد. به تعبیر شیخ اسعد تمیمی، از رهبران فلسطینی:

تا پیش از انقلاب ایران، اسلام هنوز وارد عرصه نبرد نشده بود ... انقلاب ایران این واقعیت اصیل که «اسلام، راه‌حل، و جهاد وسیله اصلی است» را به سرزمین فلسطین وارد کرد.<sup>331</sup>

شهید دکتر فتحی شقاقی، رهبر سابق سازمان جهاد اسلامی فلسطین می‌گوید:

---

<sup>330</sup> (1) پیتر ال. برگر، افول سکولاریسم، دین خیزش‌گر، سیاست جهانی، ص 23.  
<sup>331</sup> (2) محسن مجرد، تأثیر انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، ص 164.

این انقلاب به ما فهماند که پیروزی ما در گرو پیروی از راه امام خمینی (قدس سره) است. از همین رو، ناگهان در و دیوار مساجد سرزمین‌های اشغالی به‌ویژه مسجدالاقصی با تصاویر حضرت امام تزیین شد. امروز نیز شاهد هستیم که آیت‌الله خامنه‌ای همان

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 201

مشی امام (قدس سره) را ادامه می‌دهند.<sup>332</sup>

وی بعدها کتاب خمینی، راه‌حل اسلامی و جایگزین را منتشر کرد و اعلام نمود:

همان‌گونه که امام راحل به زندگی ایرانی‌ها معنا بخشید، به زندگی ما در فلسطین نیز چنین مفهومی بخشید.<sup>333</sup>

انقلاب ایران نه تنها در بیداری اسلامی فلسطین و لبنان اثرگذار بود، بلکه امروز مقاومت در برابر اشغالگران آمریکایی و انگلیسی در افغانستان و عراق، در انقلاب اسلامی ریشه دارد و در دیگر کشورها مانند ترکیه، پاکستان، اندونزی و مالزی نیز تفکر و الگوی انقلاب ایران در حال اوج‌گیری است.

از همین‌روست که سران امپریالیسم جهانی با وحشت از به خطر افتادن منافعشان این‌گونه اظهارنظر می‌کنند:

ریچارد نیکسون، رئیس جمهور اسبق آمریکا می‌گوید:

مهم‌ترین عامل بی‌ثباتی منطقه خاورمیانه، انقلاب کمونیستی نبود، بلکه خطر عمده انقلاب بنیادی اسلامی است.<sup>334</sup>

جرج شولتز، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا نیز اظهار می‌دارد:

اگر خمینیسم در منطقه پیشرفت کند، منافع استراتژیک آمریکا آسیب خواهد دید و بدیهی است که منافع اسرائیل نیز ضربه خواهد خورد.<sup>335</sup>

---

<sup>332</sup> (1). علی‌اکبر مرتضایی، امام‌خمینی در حدیث دیگران، ص 31.

<sup>333</sup> (2). هفت‌نامه صبح صادق، 1384 / 8 / 2، ص 14.

<sup>334</sup> (3). روزنامه کیهان، 1363 / 9 / 12.

<sup>335</sup> (4). فاطمه رجبی، آمریکا شیطان بزرگ، ص 151.

توماس فریدمن، تحلیلگر برجسته آمریکایی در روزنامه نیویورک تایمز می‌نویسد:

اکنون در خاورمیانه این بمب نیست که آمریکا را تهدید می‌کند، بلکه این بیداری، آرمان‌گرایی و دینی شدن نسل امروز دنیای اسلامی است که با تنفر روزافزون از سیاست‌های آمریکا، به تقابل با دنیای غرب برخاسته است. بدون شک مهد این تفکر،

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 202

جمهوری اسلامی ایران است و الگوی آنان جوانان مسلمان ایرانی است.<sup>336</sup>

رئول مارک گرچت، تحلیلگر اسبق سازمان سیا در امور خاورمیانه می‌نویسد:

مشکل آمریکا (در سلطه به عراق) این است که بعضی از روحانیون شیعه‌نمی‌خواهند فاصله خود را از سیاست حفظ کنند. اینها فرزندان معنوی آیت‌الله خمینی هستند.<sup>337</sup>

این بیداری اسلامی، در تفکر شیعی از چنان ژرفایی برخوردار است که فرانسوا توآل می‌نویسد:

انقلاب اسلامی در ایران و یا جنگ داخلی در لبنان، شیعی‌گری را به صورت یک عامل ژئوپلیتیکی در خط مقدم صحنه بین‌المللی قرار داده است.<sup>338</sup>

بنابراین انقلاب اسلامی در سطح منطقه خاورمیانه و کشورهای اسلامی با ایجاد «بیداری اسلامی»، نفوذ و سلطه غرب را با چالشی جدی مواجه ساخته است. بدین ترتیب، هویت اسلامی روزافزون در این کشورها، افول قدرت آمریکا و سلطه صهیونیسم را موجب شد؛ تا جایی که در سال 2006 م ریچارد هاس، رئیس شورای روابط خارجی آمریکا به‌صراحت اعتراف نمود که انقلاب اسلامی ایران با سقوط یکی از حامیان سیاست‌های آمریکا در منطقه، نقش آمریکا در خاورمیانه را به قهقرا برده و بدین‌رو خاورمیانه جدیدی با محوریت ایران در حال شکل‌گیری است.<sup>339</sup>

## 5. انقلاب اسلامی؛ شکست ابهت غرب و شرق

---

<sup>336</sup> (1). هفته‌نامه صبح صادق، 1385 / 1 / 14، ص 8.

<sup>337</sup> (2). روزنامه کیهان، 1382 / 2 / 14.

<sup>338</sup> (3). فرانسوا توآل، ژئوپلیتیک شیعه، ص 20.

<sup>339</sup> (4). روزنامه کیهان، 1385 / 9 / 2، ص 12.

امپریالیسم جهانی که با بهره‌گیری از نفوذ سیاسی، سلطه اقتصادی، قدرت نظامی و رسانه‌های قدرتمند، دولت‌ها و ملت‌های بسیاری را در سیطره خود قرار داده بود، با لگدکوب کردن هویتشان حتی به آنها اجازه نمی‌داد برای رهایی‌شان بیندیشند. با انقلاب اسلامی ایران

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 203

و شعار «نه شرقی، نه غربی»، شکوه و قدرت پوشالی آنان شکسته شد و ملت‌ها و دولت‌ها دریافتند که می‌توان برای رهایی از استعمارگران کوشید و سرانجامی نیکو یافت. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در جلسه شورای امنیت ملی آمریکا می‌گوید:

آبرو و حیثیت ملی ما به‌خاطر انقلاب اسلامی به خطر افتاده است.<sup>340</sup>

برای روشن‌تر شدن دستاورد جهانی انقلاب اسلامی، برخی اظهارات و اعترافات را از نظر می‌گذرانیم:

مرکز مطالعات استراتژی ملی آمریکا در گزارش خود می‌نویسد:

حرمت و اعتبار مانند ظرف چینی است که به‌آسانی می‌شکند و این چیزی است که آمریکا با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس از دست داده است.<sup>341</sup>

بابی سعید با تحلیل انقلاب اسلامی ایران این‌گونه می‌نویسد:

از مجموع کابوس‌های بسیاری که هر چند وقت یکبار در تمدن غربی پیدا شده، شاید هیچ یک به اندازه احیای اسلامی در عصر حاضر، گیج‌کننده‌تر، عجیب‌تر و غیرقابل جبران‌تر نبوده است.<sup>342</sup>

راديو نروژ می‌گوید:

آیت‌الله امام‌خمینی رهبر و شخصیتی بود که طی ده سال بارها آمریکا را تحقیر کرد و آبروی آن کشور را برد. آیت‌الله امام‌خمینی نشان داد محرومین می‌توانند در قبال ابرقدرت‌ها پایداری کنند.<sup>343</sup>

<sup>340</sup> (1). زیگنیو برژینسکی، توطئه در ایران، ص 192.

<sup>341</sup> (2). مایکل لدین و ویلیام لوئیس، هزیمت یا شکست رسوای آمریکا، ص 301.

<sup>342</sup> (3). بابی سعید، هراس بنیادین، اروپا مداری و ظهور اسلام‌گرایی، پیشگفتار.

شائول بخاش (همسر هاله اسفندیاری از مأموران مخملی ناتوی فرهنگی) نویسنده یهودی و استاد تاریخ دانشگاه جرج ماسون درباره انقلاب اسلامی ایران چنین می‌نویسد:

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 204

انقلاب ایران نشان داد که اسلام توانایی آن را دارد که میلیون‌ها نفر را تجهیز و حکومت مطلقه‌ای را سرنگون نماید؛ آمریکا را تحقیر کند و از مرزهای ملی دفاع نماید؛ جنگ خارجی با عراق را ادامه دهد و دست به کار تحقق حکومت اسلامی شود.<sup>344</sup>

رادیو آمریکا به نقل از روزنامه شیکاگو تریبون می‌گوید:

آیت‌الله خمینی آمریکا را بارها با ناتوانی مواجه ساخت و در این مورد به آمریکا درس داد و دو رئیس جمهوری آمریکا را با ناامیدی روبه‌رو ساخت. شاید تا به حال در هیچ دوره‌ای از سال‌های اخیر برنامه‌ریزان سیاسی آمریکا با چنین وضعیتی روبه‌رو نشده بودند که کشوری در مقابل نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی آمریکا مصونیت داشته باشد.<sup>345</sup>

مارگارت تاچر، نخست‌وزیر اسبق انگلیس معتقد است:

ما غربی‌ها در دهه 1980 از وسایل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقامارش واهمه نداریم؛ زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح‌های نظامی بوده و به ادوات مخرب ویرانگر مسلح هستند، ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته مسلح و مجهزیم، لیکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران می‌ترسیم.<sup>346</sup>

روزنامه تایمز لندن نیز می‌نویسد:

---

<sup>343</sup> (4). روزنامه اطلاعات، 1368 / 11 / 23.

<sup>344</sup> (1). معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن (مجموعه مقالات)، ج 2، ص 69.

<sup>345</sup> (2). روزنامه اطلاعات، 1368 / 11 / 23.

<sup>346</sup> (3). معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، انقلاب اسلامی ایران در چشم‌انداز دیگران، ص 117.

برای اولین بار یک کشور مسلمان به طور موفقیت‌آمیزی قدرت‌های بزرگ غربی را به مبارزه طلبید؛ آنان را تحقیر کرد و به منافع مادی‌شان خسارت وارد کرد.<sup>347</sup>

اعتراف مقامات اطلاعاتی و سیاسی آمریکا نیز به تمامی بیانگر تأثیر انقلاب اسلامی است:

این انقلاب و پیش‌آمدهای آن، وضعیت ما را نابود کرد و افراد ما را پراکنده ساخت و

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 205

سازمان و روش‌های باثبات ما را به هیچ و پوچ تبدیل کرد.<sup>348</sup>

## 6. انقلاب اسلامی؛ انقلاب در نظریه‌های اجتماعی

انقلاب اسلامی ایران ضمن آنکه ساختار نظام شاهنشاهی وابسته و فاسد را ویران نمود و سیاستمداران و حاکمان ظالم را به وحشت افکند و نظام سلطه جهانی را به چالش کشید، نسل جدیدی از نظریه‌های اجتماعی را نیز به وجود آورد.

بسیاری از نظریه‌پردازان، تئوری‌های خود را درخصوص پدیده «انقلاب» باطل اعلام کردند و شماری به تعدیل دیدگاه‌های خود پرداختند و برخی نیز از آغاز نسل جدید نظریه‌های اجتماعی سخن گفتند.

دکتر زلمای خلیل‌زاد - استاد روابط بین‌الملل دانشگاه کلمبیا در نیویورک و نماینده ویژه بوش در افغانستان و عراق در سال‌های اخیر و اینک نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد - در کتاب دولت، خدا، جمهوری اسلامی می‌نویسد:

انقلاب اسلامی نه تنها سیاستمداران جهان را غافلگیر کرد، بلکه دانشگاهیان و محققان مسائل سیاسی غرب را نیز گمراه نمود و فرضیه‌هایشان را بی اعتبار ساخت.<sup>349</sup>

انقلاب اسلامی ایران به عکس سه انقلاب مهم قرون اخیر (در فرانسه، روسیه و چین) که با الهام از مادی‌گرایی و براساس «اومانیزم» و حذف خداوند پدید آمده بود، بر پایه دین و قوانین اسلامی شکل

<sup>347</sup> (4). میراحمد رضا حاجتی، عصر امام خمینی (قدس سره)، ص 38.

<sup>348</sup> (1). دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج 3، ص 94.

<sup>349</sup> (2). ماهنامه معرفت، بهمن 1384، ش 98، ص 85.

گرفت؛ آن هم در ایامی که به تعبیر هانا آرنت، عصر تحولات و انقلابات دینی به پایان رسیده بود. بنابراین نظریه‌های جامعه‌شناسان و تحلیلگران انقلاب با بحران روبه‌رو شد.

رابرت دی‌لی، پروفیسور علوم سیاسی در دانشگاه کلرادوی آمریکا، در مقاله‌ای با عنوان «انقلاب اسلامی و اصالت» می‌نویسد:

انقلاب اسلامی پیچیده و اسرارآمیز می‌نماید؛ مساوات‌طلب است، اما درعین حال سوسیالیست یا دموکراتیک نیست؛ رادیکال است، اما سنتی نیز به نظر نمی‌رسد؛ بیگانه‌گریز است، اما به‌ندرت انزواگراست، و نمایانگر انقلاب‌های فرانسه، روسیه و یا

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 206

تجربه آمریکا نیست.

نظریه‌های علوم اجتماعی راجع به نوسازی - خواه مارکسیست، خواه ملهم از سرمایه‌داری لیبرال - نتوانستند وقوع آن را پیش‌بینی کنند و هنوز توضیح قانع‌کننده‌ای برای آن ارائه نکرده‌اند. انقلاب اسلامیدر جستجوی یک آغاز تازه، یک تأسیس مجدد، بازآفرینی و فعال کردن دوباره اقدامات انقلابی محمد [ (ص) ] است که ملهم از کلام قرآن بود.<sup>350</sup>

نظریه‌پردازان انقلاب که در حوزه معرفتی غرب و یا شرق به تحلیل می‌پرداختند، این بار با انقلابی عظیم روبه‌رو شدند؛ انقلابی که با شعار «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» اندیشه و الگوی جدیدی به‌دست می‌داد که در قالب نظریه‌های آنان فهم‌پذیر و قابل‌بررسی نبود.

مایکل کیمل، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه نیویورک، در کتاب پیامبران نوین و مثل‌های کهن: افسون‌ها و تقلید در انقلاب ایران می‌نویسد:

انقلاب اسلامی ایران برای تحلیلگران سیاسی و اجتماعی منطقه به صورت معمای درآمده است؛ زیرا با اینکه انقلاب اسلامی رودرروی امپریالیسم و به‌خصوص آمریکا ایستاد، در همان حال و به همان میزان نفرت و دشمنی خود را با شوروی و استراتژی‌های سوسیالیستی در سیاست و اقتصاد آشکار ساخت.<sup>351</sup>

---

<sup>350</sup> (1). عبدالوهاب فراتی، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، ص 223-217.  
<sup>351</sup> (2). فصلنامه حضور، ش 18، ص 176.

بنابراین پدیده انقلاب اسلامی، عنصر دین، رهبری دینی و به‌ویژه اسلام را در تحلیل نظریه‌پردازان وارد نمود و تحولی جدی در علوم اجتماعی پدید آورد و هنوز هم رو به‌پیش است.

کریستین دلانوا، مورخ فرانسوی در کتاب خود می‌نویسد:

با وضعی که با مداخله عنصر دینی در ایران پدید آمده بود، همه تحلیل‌ها، همه دستگاه‌های نیرومند جاسوسی پوچ و بی‌اثر شدند ... آنچه نقشه‌های شاه و ساواک را زیر و رو کرد، فوران عنصری ملی بود که از اعماق جامعه ریشه‌دوانیده در اسلام برمی‌خاست.<sup>352</sup>

در این فصل تلاش کردیم وضعیت ایران دیروز در عصر قاجاریه و بخصوص پهلوی را در

ایران، دیروز امروز فردا، ص: 207

ابعاد و عرصه‌های گوناگون بررسی کنیم تا تحولات و تغییرات بنیادین و شگرفی که انقلاب اسلامی ایجاد کرده بخوبی تبیین گردد، چرا که عقب‌ماندگی تاریخی ملت ما در سلطه آمریکا، انگلیس و شوروی با انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی به پایان رسید و عصر جدیدی رقم خورد که حرکت به سوی «تمدن ایران اسلامی» برای رسیدن به «حیات طیبه» در «جامعه مهدوی» ویژگی «ایران فردا» گردد.

پایان سخن اینکه، انقلاب اسلامی ایران بشر سرگردان و جستجوکننده «منجی» را، گامی بزرگ به سوی «مهدویت» و رستگاری حقیقی به پیش برد و به همین‌روست که آن را «انفجار نور» در «انتظار ظهور» خوانند. معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام‌خمينی (قدس سره) فرمود:

امید است که این انقلاب، جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیه‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - منتهی شود.<sup>353</sup>

<sup>352</sup> (3). کریستین دلانوا، ساواک، ص 254-256.

<sup>353</sup> (1). روح‌الله موسوی خمینی (امام)، صحیفه نور، ج 15، ص 75.

